

● دوره‌ی دوازدهم ● مهر ۱۳۸۵  
● شماره‌ی بی‌دربی ۵۱ ● بها ۲۰۰۰ ریال  
www.roshdmag.org  
ISSN: 1606-9226

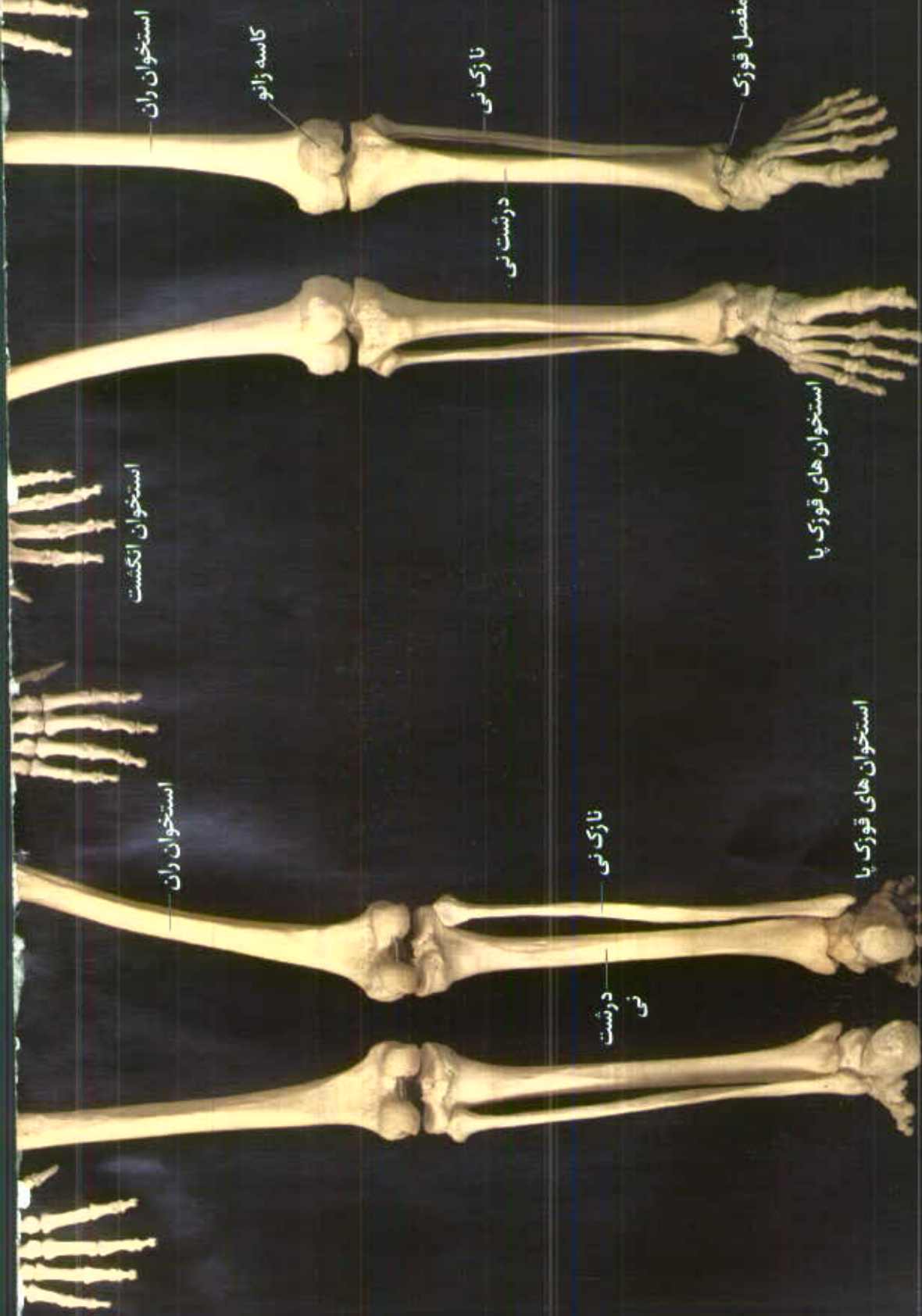
# رشد

## امور فرهنگی

آموزشی، تحلیلی، اطلاع‌رسانی  
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان  
آموزش و پرورش



- نیروی رانش
- جلوه‌هایی از تمدن ایران در گذر تاریخ
- آن‌ها هم نگرانند
- عوامل موثر بر شکل‌گیری نوجوانی



استخوان ران

کاسه زانو

نازک نی

مفصل قوزک

درشت نی

استخوان انگشت

استخوان های قوزک با

استخوان انگشت

استخوان ران

نازک نی

استخوان های قوزک با

درشت نی

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

- ۱۳۸۵**
- ۲ ● چه کسانی بهتر از شما
- ۱۳۸۶**
- ۴ ● پیامبر اعظم (ص) و هدایت مردم به سوی حق / محمد حسن مکارم
  - ۸ ● خارج از کتاب بیرون از کلاس / حسن بصیری
  - ۱۲ ● چشم‌های ما هم درس می‌دهند / حسین نامی ساعی
  - ۱۸ ● جلوه‌هایی از تمدن ایران در گذر تاریخ / سیروس غفاریان
  - ۲۰ ● آن‌ها هم نگرانند / ترجمه‌ی شیبیا ملک
  - ۳۲ ● آموزش برای همه / فاطمه خونینی
  - ۳۸ ● درباره‌ی اعتماد به نفس / قدسی اعظم گلپایگانی
  - ۴۰ ● عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نوجوانی / ابراهیم اصلانی
  - ۴۲ ● تقویت باورها راه مقابله با تهدیدها / فاطمه گدازجان
- ۱۳۸۷**
- ۱۷ ● آموزش علوم با کره و مریا / ترجمه‌ی شیبیا ملک
  - ۲۷ ● ایجاد انگیزه، آغاز یادگیری / بهروز نصیری
  - ۲۸ ● معلمان ریاضی می‌پرسند؟ / خسرو داودی
  - ۳۷ ● اندیشه‌ی مشاهیر / حسین نامی ساعی
  - ۳۹ ● نیروی گرانش / حسن قلمی باویل علیایی
- ۱۳۸۸**
- ۶ ● هویت / منصور ملک عباسی
  - ۳۱ ● مقیاس نقشه / محمد علی میرزایی
- ۱۳۸۹**
- ۴۴ ● پژوهش، مهارت کلیدی زندگی / احمد تیریان
- ۱۳۹۰**
- ۳ ● ارتباط با شبکه / امیر صالحی طالقانی
  - ۱۱ ● این جا دستمان باز است / علی اکبر بهشتی
  - ۱۶ ● فرهنگ و تمدن اسلام و ایران / جعفر ربانی
  - ۲۲ ● رستم‌ها و سهراب‌ها / حبیب یوسف‌زاده
  - ۴۸ ● جدول / اصغر ندیری

● مدیرمسئول: علیرضا حاجیان‌زاده  
 ● سردبیر: فرهاد بخشنده  
 ● مدیر داخلی: هیر شهرام صدر  
 ● ویراستار: حبیب یوسف‌زاده  
 ● طراح گرافیک: پریسا سُنْدُسی  
 (زیر نظر شورای برنامه‌ریزی)

● چاپ: شرکت الفست (سهامی عام) شمارگان: ۲۵۰۰۰۰

● نشانی پستی مجله: تهران - صندوق پستی ۱۷۹-۱۶۵۹۵

● تلفن دفتر مجله: ۸۸۲۲۲۷۵۵ تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۳۹۱۸۶

● نشانی پستی امور مشترکین: تهران - صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۱

● Email: info@roshdmag.org

رشد امور فرهنگی

● دوره‌ی نوزدهم ● مهر ۱۳۸۵

● شماره‌ی بی دریس ۵۱

آموزشی، تحقیقی، اطلاع‌رسانی  
 برای دبیران، دانشجو یان و کارستانان  
 آموزش و پرورش  
 ISSN: 1686-9776



طرح جلد: حسین نوروزی



وزارت آموزش و پرورش  
 سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
 دفتر انتشارات کمک آموزشی

# چه کسانی بهتر از شما

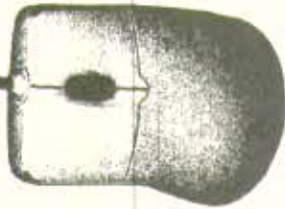
مدرسه، این روزها پر سر و صداست؛ پر از سرهای آکنده از شور و شغف دانش آموزان و صدای مهربان و صمیمی معلمان برای بادهی و بدگویی به آثار سال تحصیلی، جشن‌ها و دغدغه‌های مربوط به تعلیم و تربیت آینده‌سازان این سرزمین و در پی آن مطرح می‌شوند و تقریباً همه‌ی افرادی که به نوعی - این موضوع آری به‌صورت من‌صفانه و فراجور - جایگاهی که برای این عقیده می‌بایست به اظهار نظرهای گوناگون می‌پردازند. شما به عنوان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عضوهای جامعه‌ی آموزشی و پرورش‌کننده به‌طور مستقیم با این چالش‌ها و دغدغه‌ها مواجه هستید. برای طرح ایده‌ها و نظریات خود، جایگاهی در اختیار دارید که محله‌ی رشد آموزش و همایونی تحصیلی بی‌شماری است. سنت‌های مصوبه می‌باید که دست‌نخورده استفاده‌ی مناسب از آن و از الهی دیدگاه‌های علمی و تجربی خود، امتحان رسانند به فرصت‌های بی‌اندازه آموزشی از آن می‌توانید استفاده کنید. دانش‌آموزان آن‌ها را هم آورید و چه کسانی بهتر از شما؟ به عنوان نمونه یکی از دغدغه‌های همیشگی در حرفه و هنر معلمی، از آن‌ها روش‌های نوین یا لا‌یرون‌ترین بخش می‌باشد بدهی و یادگیری در دانش‌آموزان است. اگر بخواهیم آموزش و پرورش جهان را امروز کنیم، به وضوح مشاهده خواهیم کرد که متاسفانه دانش‌آموزان و معلمان خود را از کارهای متنوعی را برای رسیدن به نتیجه مطلوب در این زمینه‌ها اجتناب کرده می‌کنند. ما اختلاف داریم!

به تعداد معلمان موفق در سراسر کشور، تجربه‌های تدریس خوب وجود دارد. البته معیارهای بسیاری برای شناخت معلم موفق وجود دارد و یکی از این معیارهای شناخت هر معلمی نحوه‌ی تدریس و انتخاب روش تدریس مناسب است.

بسیار از رویه‌های دیگر به این مسئله نگاه کنیم، بر اساس تقسیمات کشوری، این استان‌ها دارای حدود ۷۰۰ منطقه‌ی آموزشی است که هر کدام از آن‌ها تعداد دانش‌آموز و فضای آموزشی شرایط متنوعی دارند. حال اگر فرض کنیم در هر کدام از این مناطق آموزشی، فقط یک معلم موفق وجود داشته باشد (البته این فرض است و مصحح هستیم تعداد این عزیزان بسیار بیشتر است) و این دوستان همکار، روش تدریس موفقیت‌آمیز خود را توسعه دهند و این بین محله از سال کنند. در صورتیکه سال تحصیلی با ۷۰۰ مطلب در قالب مقاله، خاطره، آزمایش، اردو، ... همه‌چیز می‌تواند که حتی بزرگ از شیوه‌ها و فنون مناسب برای رسیدن به اهداف تعلیم و تربیت خواهد بود. این سادگی‌ها و تجربیات، نقد مناسب و پیشرفت تحصیلی آن‌ها به به دنبال کارها داشتند. نادان‌داری می‌کنیم که این موضوع علاوه بر معلمان هم در این بخش‌ها را هم که توانایی از این شیوه‌ها را در اختیار دارند، شامل می‌شود.



روى خطوب ❶



# ارتباط با شبکه

امير صالحى طالقانى

کتابخانه ی ملی

<http://www.nli.ir>

کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌ها و گنجینه‌های جهان است که حدود یکصد سال از تأسیس آن می‌گذرد. با گسترش وسایل ارتباطی و اطلاع‌رسانی، این کتابخانه نیز به عنوان یکی از جامع‌ترین مراکز اطلاع‌رسانی، اقدام به بهره‌گیری از ابزارها و وسایل نوین کرده است و خدمات مناسبی را در اختیار مراجعه‌کنندگان خارجی و داخلی قرار می‌دهد. پایگاه ویژه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی پل ارتباطی خوبی برای دسترسی به این امکانات و اطلاعات است. برنامه‌های آینده این کتابخانه برای گسترش خدمات بسیار قابل تأمل است.

اکتشافات علمی

<http://www.exploratorium.edu>

پایگاهی با ۱۸۷۰۰۰ صفحه اطلاعات و قریب ۲۰ میلیون بازدیدکننده در سال که صدها موضوع علمی گوناگون را به نمایش گذاشته است. در این پایگاه، کشفیات علمی و یافته‌های نوین فناوری در حوزه‌های مختلف علوم به وسیله آزمایش‌های ساده و فعالیت‌های تعاملی و جذاب ارائه و آموزش داده می‌شوند. جالب‌ترین ویژگی این پایگاه قابلیت انجام فعالیت‌ها و آزمایش‌ها به وسیله‌ی رایانه است. به طوری که شما و دانش‌آموزانتان می‌توانید پشت رایانه بنشینید و تمامی فعالیت‌ها و آزمایش‌ها را گام به گام انجام دهید و نتیجه‌گیری کنید. سرفصل‌های اصلی این پایگاه عبارتند از: علوم، طبیعت، هنر و فناوری. برای آشنایی بیشتر درباره‌ی این پایگاه می‌توانید جدیدترین بروشور آن را از این نشانی دریافت کنید.

<http://www.exploratorium.edu/about/Institutional>  
Brochure-05.pdf

پیامبر اعظم (ص)

<http://www.payambarazam.ir>

در عصر فناوری اطلاعات، همه روزه گونه‌های نوین و برجسته‌ای از شیوه‌های بیان و تشریح افکار و نظریات ابداع می‌شود، سرعت انتقال آرا، گستردگی مخاطبین و ویژگی‌های این شیوه‌های نوین از یک سو، و تأثیرپذیری محتوای اطلاعات از فرهنگ‌ها از سوی دیگر، موجب ارتباط متقابل میان فناوری اطلاعات و فرهنگ‌ها می‌شود. از این رو پایگاه پیامبر اعظم (ص) برای بهره‌جویی از ظرفیت گسترده‌ی شبکه جهانی اینترنت در جهت جذب مخاطبین، در آستانه‌ی سالروز ولادت با سعادت آن پیامبر عظیم‌الشان، توسط مقامات علمی و فرهنگی کشور افتتاح شد.

مطالعات اجتماعی

<http://www.risstudies.org>

بررسی پیچیدگی‌ها، چالش‌ها و بحران‌های دنیای امروز و تأثیر سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران در روند جریان‌ات منطقه و جهان، ضرورت تصمیم‌گیری آگاهانه و انسجام سیاست‌ها را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. در این میان، وجود یک جایگاه مؤثر برای تحلیل‌گزینه‌ها و سیاست‌ها و ارائه راه‌کارهای کارشناسانه غیرقابل انکار است. در این رابطه، پژوهشکده مطالعات راهبردی، به عنوان پیشگام فعالیت‌های تحقیقاتی در حوزه‌ی مطالعات راهبردی و امنیت ملی، فعالیت رسمی خود را از سال ۱۳۷۶ آغاز کرده است. پایگاه پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی با نگرشی راهبردی، به منظور فرهنگ‌سازی و توسعه‌ی ادبیات مطالعات راهبردی در سطوح علمی و اجرایی و همچنین ایفای نقش مؤثرتر در تصمیم‌سازی‌های راهبردی و ارائه گزارش‌های تحقیقاتی در حوزه‌ی علوم انسانی راه‌اندازی شده است.

در سال جدید، به مدد الهی، روش های پیامبر اکرم (ص) برای هدایت مردم را، به اجمال و در حد وسع، معرفی خواهیم کرد. شایان ذکر است که پیشوایان گرامی اسلام، به ویژه رسول خدا (ص)، به اقتضای شرایط مختلف، راه های گوناگونی را برای ارشاد مردم به کار می بردند. گاه با وعظ، گاه محبت، گاه قهر، گاه اغماض، گاه تکریم، گاه دعا...

پیامبر واعظ است و قرآن کریم مرعظه و موعظه و وعظ، «حصول این نصیحت و وعظ، هم عبارتست از هدایت و رحمت و شفافیت که فرمود: «یا ایها الناس فذجناکم موعظة من ربکم و شفاه لمانفی الصدور و هدی و رحمة للمتوسلین»<sup>۱</sup> لقمان حکیم نیز به میراثی بسیار نایبی می نمود: «فرزندش را به تو حید و بی شریک موعظه می کرد: اذقال لقمان لابنه و هو یعظهُ

است: «گو تو ادعای الناس بعیر الیستکم»<sup>۲</sup> سومین شرط موعظه و امر به معروف، شایسته معروف است. چه چیزهایی عز دین الهی پسندیده و فضیلت است تا به آن امر و تشویق کنید. بعضی سادات اندیشمندان خرافاتی را معروف و قایل امر انگشته اند و فرزندان مردم را به سوی آن می خوانند. غیر شرح حال حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) نوشته اند که گهگاه عقاید خود را به محضر

## پیامبر اعظم (ص) و هدایت مردم

# به سوی حق

روش ۱: رویکرد بشارت و امر به معروف

محمد حسن مکارم

رویکرد بشارت و امر به معروف کم‌دی، به هنگام تولد، محمود عبادتی است از قوه و استعداد. بین آنچه هست، تا آنچه می‌تواند شود، راه بسیار است و یک عمر، وقت دارد تا قوای نهفته‌ی خویش را به فعلیت برساند. از این روست که مقوله‌ای به نام تربیت مطرح می‌شود. آدمیرا در تربیت پدید است و پیامبران الهی که آنگاه به امور همتی بوده‌اند، برای تربیت او، به ظهور رساندن استعدادهايش معترف شده‌اند.

### وعظ

یکی از راه‌های تربیت، به کارگیری وعده‌ی پاداش و بشارت به جزای حیر است. پیشوای الهی نصیحت می‌کند و مطمئن است که مخاطب او نصیحت می‌پذیرد و رشد روحی و معنوی می‌نماید. قرآن از زبان هود (ع) می‌فرماید: «أبلغکم رسالات ربی و انالکم ناصح امین»؛ پس پیامبر ناصح و کلام و احکام الهی موعظه نصیحت است.

یا بنی لا تشکر بالله ان الشکر لظلم عظیم»<sup>۳</sup> باز می‌فرماید: «قل انما اعظکم بواحد»<sup>۴</sup> ان تقوموا لله متنی و فرادی»<sup>۵</sup>

### آداب موعظه

موعظه خوب، دلی دارد و باید تا آن‌ها ملایست و شفقت باشد تا تأثیر گذارد. آن‌گاه که موسی و هارون (ع) مأمور شدند برای ارشاد فرعون روانه گردیدند، خدا ایشان فرمود: «فقلوا له فوالا لیسنا لعله ینذکر او یخشی»<sup>۶</sup> بنابراین، وعظ با عجله و تا آن‌ها خشونت می‌تأثیر است. هم‌چنین واعظ خود باید وعظ‌پذیر باشد، تا بتواند انگ و اسوه‌ی راستین برای مخاطب باشد، همان‌طور که آمده است: «اتأمروا الناس بالبر وتسنون انفسکم» امر به معروف مری و بشارت او به فلاح و دستکاری وقتی برتری تأثیر گذار است که او خود بر پوایی همین مسیر نباشد و همه‌ی حرکات و سکناتش منتهی عبرت دیگران قرار گیرد، چرا که عز حدیث

امام زمان عصر خویش امام هادی (ع) آمده است می‌نموده تا به صحبت آن‌ها عمل کند. اما ضروری است گهگاه معتقدات خویش را با عقاید صحیح دینی مطابقت دهد، و محقق علمای بزرگ را در آن کند. می‌داند کسی دینی و قرآنی‌تر پس نشود و بعد عهدیم بود. آن‌چه می‌گفتیم، نظرات شخصی و تفسیر آیات به رأی خویش بوده است!

### نیاز به تشویق

بشارت به نیکویی‌ها از راه‌های تجربه شده‌ی تربیت و ارشاد به سوی حق است. نوحوان خودشان را دوست دارد و این خود دوستی باعث می‌شود در صدمه نیکویی شخصیت خویش بر آید و مورد ستایش اطرافیان قرار گیرد. اگر فردی تیرا می‌داند به موقع او را تشویق کند، اثر دینی که در او برای ادامه‌ی معروف و سفیج است، دوچندان می‌شود. او در خانه سینه‌ای از حدیث است. کسی که در حدیث

خود دست بکشد و به طرف خواست‌های مشوق خود (مربی)، گام بردارد.

همه‌ی ما معلمان بارها دیده‌ایم که یک دست‌نوازش بر سر دانش‌آموز، او را تا آخر مطیع و دنباله‌رو معلم می‌کند. یک کلنمه «آفرین» و «احسنت» در میان همسالان، او را دلگرم و حرف‌شنو می‌نماید. تحسین و تشویق و بشارت به پاداش موجب تقویت روحی است. نه فقط خردسالان که سالخورده‌گان نیز با تشویق نیرو می‌گیرند. امید در دل آن‌ها زنده می‌شود و به این عمل، عکس‌العمل قابل توجهی نشان می‌دهند.

### تشویق در قرآن

قرآن مجید مالا مال از وعده به بهشت و بشارت به پاداش است و مؤمنان را به رقابتی سالم و سعادت‌آمیز وامی‌دارد. در این جا به ترجمه‌ی گوشه‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

ای پیامبر! مؤمنان را به جهاد تشویق کن، اگر بیست نفر شکبیا در میان شما باشد، دو بیست نفر از کافران را مغلوب می‌کند، و اگر صد نفر باشد، هزار نفر؛ به سوی مغفرت الهی از یکدیگر سبقت بگیرید؛ اگر کسی حسنه‌ای انجام دهد، ده برابر پاداش می‌گیرد؛ اگر در راه ما قدم نهید، حتماً راه‌ها را به شما نشان می‌دهیم؛ خداوند مؤمنان را به بهشت‌هایی با نهرهای جاری و نعمات گوناگون وعده می‌دهد؛ خداوند ایمان‌آوردگان را به خلافت در زمین وعده می‌دهد؛ جزای اعمال آن‌ها را به نحو احسن می‌دهیم؛ هر که ذره‌ای خیر مرتکب شده، آثار آن را می‌بیند؛ اجر اعمال آن‌ها را می‌دهد و از فضل خود بر اجر آنان می‌افزاید؛ هر چه بخواهند نزد خدایشان حاضر است و این پاداش محسنتین است.

### سیره‌ی عملی پیامبر (ص)

برای آشنایی بیشتر با روش پیامبر (ص) در به کارگیری راه بشارت و تشویق برای

ارشاد مردم به سوی حق، تنها به چند نمونه تاریخی اشاره می‌کنیم:

۱- در ماجرای «یوم الदार» و دعوت خویشاوندان به اسلام، پیامبر اسلام (ص) لب به امر به معروف می‌گشاید و از راه ترغیب و تحریض و نصیحت وارد می‌شود، آن‌جا که می‌گوید: رهبر هیچ قومی به افراد خود دروغ نمی‌گوید... هیچ کس از مردم برای اطرافیان خود چیزی بهتر از آنچه من برای شما آورده‌ام، نیاورده است؛ من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام؛ به فرمان خدا، شما را به سوی خدا می‌خوانم؛ کدام یک از شما پشتیبان من خواهد بود، تا برادر و وصی و جانشین من میان شما باشد؟

۲- پذیرش صلح و صلح‌نامه در معاهدات مختلف، خوددلیل بر روحیه‌ی مسالمت‌جویی و برخورداری از خلق نیک و موعظه‌گری است. در امضای صلح‌نامه‌ی حدیبیه، به خاطر پیش برد امر هدایت و ارشاد مردم، با ملایمت تمام رفتار می‌کند و با نماینده‌ی قریش، «سهیل بن عمرو» مباحثات می‌کند. از جمله مفاد صلح‌نامه که در حقیقت، رسالت پیامبر (ص) بر آن بود، می‌گوید: امضاء کنندگان متعهد می‌شوند اموال یکدیگر را محترم شمارند؛ حمله و خدعه را ترک کنند؛ کینه را از قلب خود نسبت به یکدیگر ترک کنند. از جمله نتایج درخشان این پیمان‌نامه این که: در صلح حدیبیه ۱۴۰۰ نفر همراه پیامبر بودند، ولی دو سال بعد برای فتح مکه ۱۰۰۰۰ نفر با او همراه شدند.

۳- پیامبر اکرم (ص) در سال هفتم بعثت خود با سران جهان آن روز مکاتبه کرد و آنان را به دین حق و ترک شرک فراخواند. به ایران، روم، حبشه (اتیوپی)، مصر، یمامه و شام، بحرین و حیره (اردن) نامه نوشت. اگر مخاطب او مسیحی و اهل کتاب بود، بر آیه «یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم» تکیه می‌نمود، و اگر مشرک بودند، بر دست کشیدن از شرک و بت‌پرستی و رجوع به توحید. به آنان می‌فرمود: اگر ایمان آوردید، اجر مضاعف دارید (پاداش ایمان خود و پاداش

ایمان ملت خود) و نامه را با عبارت «سلام علی من اتبع الهدی» شروع می‌کرد که پیام صلح و هدایت است. او این چنین امر به معروف، یعنی امر به اسلام می‌کرد. جز خسرو پرویز، همگی تحت تأثیر نامه او قرار گرفتند و تحقیق نمودند و احترام کردند. پیامبر بالغ بر ۱۸۵ نامه تبلیغی و یا یمانی داشت که در کتاب‌هایی مثل «مکاتیب الرسول» گردآوری شده است.

۴- پیامبر رحمت، پس از فتح مکه، با این که مردم انتظار انتقام را می‌کشیدند و بعضی از مسلمین هم شعار «الیوم یوم الملحمه» را سر می‌دادند و خواستار جنگ با مکیان بودند، فرمود: من نیز مانند برادرم یوسف که به برادران ستمگر خود گفت لا تظرب علیکم الیوم یغفر الله لکم (امروز ملامتی بر شما نیست، خدا شما را می‌آمرزد)، همه شما را عفو کردم. سپس در سخنانی تاریخی فرمود: اسلام افتخارات جاهلی و قبیله‌ای را از بین شما برداشت؛ همگی از آدم به وجود آمده‌اید؛ عربیت ملاک شخصیت شما نیست؛ همه مانند دندانه‌های شانه مساوی‌اند؛ مسلمان برادر مسلمان است و...

خلاصه آن که: حضرتش، به فرموده علی (ع)، به سان «طیب دوا‌ری» بود که مرهم‌های شفابخش خود را آماده کرده بود؛ راه می‌افتاد تا قلب‌های کور و گوش‌های ناشنوا و زبان‌های لال بیماران سرگردان را بهبود بخشد. <sup>۸</sup> تاسی پیامبر اعظم (ص) به روش بشارت و تشویق برای همه‌ی ما عبرت‌انگیز است، روشی که ملازمه آن شفقت و رحمت نسبت به مخاطب است.

### پی نوشت:

- ۱- اعراف ۶۸
- ۲- یونس ۵۷
- ۳- لقمان ۱۳
- ۴- ساء ۲۶
- ۵- طه ۴۴
- ۶- بقره ۲۴
- ۷- فروغ ابیدت، جعفر سبحانی، ج ۳، دارالتبلیغ، قم ۱۳۷۵
- ۸- نهج البلاغه، ترجمه دشتی، خطبه ۱۰۸



منصور ملک عباسی

هویت فردی و هویت ملی (۱)

# هویت

ویژگی‌های فردی که بخشی از هویت آدمی را تشکیل می‌دهد، وجود آن‌ها از اراده‌ی آدمی خارج است؛ شکل و رنگ، تولد، نام خانوادگی، جنسیت، رنگ پوست و مو و چشم و استخوان‌ها و ویژگی‌های روحی و استعدادهای ذاتی آدمی پس‌شده‌اند. تغییر و زایش به سال می‌رسد.

لیکن همه‌ی چینی و هویت ما از این بخش غیر ارادی و غیر انسانی خلاصه نمی‌شود. اتفاقاً امروزه می‌توان برخی ویژگی‌های فرهنگی که در آن‌ها تغییری نداشته، ناخودآگاه تغییر داده، مثلاً یاد کرد می‌تواند باعث کشور دیگری را اختیار کند و یا راه خود را از کشور دیگر بگذرد. این برخی از صفات و ویژگی‌های فرهنگی است که در تاریخ و به‌ویژه تاریخ ایران و اسلامی شکل می‌گیرد و بخش اعظم هویت واقعی هر کشوری را رقم می‌زند.

از این رو باید گفت به‌طور محض و عاقل

هویت چیست و چگونه شکل می‌گیرد؟  
 هویت را می‌توان ساده‌تر گونه‌ای می‌توان تعریف کرد: مجموعه‌ی ویژگی‌هایی که هر فرد را از دیگری متمایز می‌سازد.  
 برخی از این ویژگی‌ها طبیعی است و فرد از آن‌ها آرم به آن‌ها دست می‌بندد و متصرف می‌شود. برخی، جسمی و ویژگی‌هایی است که از بدو تولد در فرد وجود داشته و خود نقشی در ایجاد آن‌ها نداشته‌اند.  
 دسته‌ی اول ویژگی‌ها، سنت‌ها، انواع ارادی و انسانی و نوع ذوق و متغیبه‌های انسانی، نوع غیر ارادی و غیر انسانی است.

همه‌ی سنه‌ها و شاید هزاران دانش‌آموز، ساعت‌های بسیاری از بهترین سن خود را در اختیار آن معلم‌ها قرار می‌دهند و غالباً، انتظار متقابل ما از یکدیگر در حد تحقق اهداف کتاب‌های درسی است، اما حتی اگر همه‌ی اهداف دانشی و مهارتی و فنی و فنی‌های تدریس ما در آنان تحقق نیابد، جادوهای روحی و شخصیتی ما به‌طور ناخودآگاه در وجود آنان تأثیر عمیق و ماندگاری خواهد داشت. از این رو لازم است در شکل‌گیری هویت نسلی که در اختیار داریم، آگاهانه عمل کنیم.



ویژگی‌ها نگرینست و آن‌ها را شناخت. این بخش از هویت ما خود دارای چنین ویژگی‌هایی است:

۱- آرام آرام شکل می‌گیرند و نه یک‌باره.

۲- با افزایش سن، هویت افراد از یک قوام و ثبات برخوردار می‌شود.

۳- با ارزش، کم ارزش، بی ارزش و ضد ارزش بودن ویژگی‌های اکتسابی بر هویت افراد تأثیر می‌گذارد.

۴- هویت افراد همان‌گونه که به آرامی شکل می‌گیرد، می‌تواند به آرامی نیز تخریب شود و دگرگون گردد.

۵- از آن‌جا که خود در ساخت و تکوین هویت خویش نقش دارد، به همان میزان مسؤول سر نوشت خود است.

۶- خداوند بر اساس هویت اکتسابی فرد، آنان را مورد سؤال قرار می‌دهد.

کودکان از چه زمانی «بودن خود» را احساس می‌کنند؟

کودکان در سن ۲ تا ۳ سالگی احساس استقلال از مادر را تجربه می‌کنند.

از این گروه سنی لغات «من» و «مال من» زیاد شنیده می‌شود که به ما می‌فهماند، آن‌ها نه تنها خود را به عنوان یک فرد مجزا، بلکه صاحب دارایی مجزا می‌شناسند.

به این ترتیب هویت هر کس با زمینه‌های خدادادی، از همان اوان کودکی در او شکل می‌گیرد.

کودک برای آن‌که بتواند سخاوتمند باشد، باید مفهوم مالکیت را کاملاً درک کند. مالکیت که نوعی اعلام وجود و هویت کودک است، در نزد او بدین معنی است که او می‌تواند مالک شئی باشد، آن را به دیگران قرض دهد و سپس حق دارد

## اگر همه‌ی اهداف دانشی، مهارتی و نگرشی حوزه‌ی تدریس مادر آنان تحقق نیابد، جاذبه‌های روحی و شخصیتی ما به طور ناخودآگاه در وجود آنان تأثیر عمیق و ماندگاری خواهد داشت

آن را پس بگیرد». درک کامل این مفهوم به زمان زیادی نیاز دارد و اغلب تا سال‌های پیش از دبستان طول می‌کشد. تقریباً نیمی از کودکان سه ساله وسایلشان را آن‌هم برای مدت کوتاهی در اختیار دیگران قرار می‌دهند.

فرزندان مادر دوره‌ی ابتدایی دائماً با کسب تجربیات تازه و آموزش‌های رسمی مختلف بر گستره‌ی دانش و مهارت‌های خود می‌افزایند و تفاوت‌های فردی (هویت استثنایی) خود را علیرغم نظام یکسان آموزشی وسعت می‌بخشند.

دختران در اواخر دوره‌ی ابتدایی و پسران در اواخر دوره‌ی راهنمایی به سن بلوغ می‌رسند و با رشد فکری و شخصیتی، کم‌کم شعله‌های استقلال خواهی در آنان فروزان می‌شود و به مرزهای خودشناس و تشخیص هویت نسی خود نزدیک می‌شوند.

دانش‌آموزان حرف شنو و مطیع دیروز که دست در دست پدران و مادران و مربیان خود داشتند، و به آنان بسیار وابسته بودند، در آغاز راه نوجوانی، کم‌کم دست از دست اولیای خود می‌کشند و رویه‌های استقلال

طلبانه‌ای در پیش می‌گیرند. این حالت‌ها باید بسیار مبارک تلقی شود، زیرا نشان از فهم «خود» است.

پدران و مادران و مربیان نباید برخی مخالفت‌های جدید و رفتارهای استقلال طلبانه را نشان سرکشی و عصیان نوجوان خود بدانند، چرا که آن‌ها بر اساس شرایط جدید جسمی، عاطفی، ذهنی خود عمل می‌کنند. پدران و مادران بویژه معلمان باید برای رفتار و کردار خود نوعی استدلال داشته باشند، زیرا نوجوانان در این دوره به سادگی تبعیت نمی‌کنند و حس علت‌جویی در آن‌ها تقویت می‌شود. در روایات و مضامین مذهبی ما نیز به این دوران و نحوه‌ی سلوک با نوجوانان که کم‌کم متوجه هویت و خویش‌شناسی می‌شوند، بسیار سفارش شده است که؛ «در هفت سال سوم از عمر کودکان لازم است آنان را وزیر خود گردانید و با آنان در امور مربوط مشورت نمایید»

در دوره‌ی راهنمایی چستی و هویت دانش‌آموزان ما چگونه شکل می‌گیرد و به کیستی بدل می‌گردد. این موضوعی است که در شماره‌ی بعد به آن خواهیم پرداخت.

### منابع:

- ۱- عواطف و هویت نوجوانان و جوانان/ حسین لطف‌آبادی/ نسل سوم/ ۱۳۸۰
- ۲- هویت ملی/ جعفر ربانی/ انجمن اولیا و مربیان/ ۱۳۸۳
- ۳- اخلاق و تربیت اسلامی/ میر محمود ساعی/ دانشگاه پیام نور

# خارج از کتاب بیرون از کلاس



مروری بر عمل  
تعارض میان  
معلم و دانش آموز  
در دوره‌ی حساس بلوغ

حسن بصیری

تعلیم و تربیت، مقوله‌ای ژرف و چالش‌انگیز است که در زمان‌های خاصی، توجه صاحب‌نظران و گاه عموم مردم را به خود معطوف می‌دارد و اغلب اوقات، نوک پیکان انتقادهای تندی محتوای کتاب‌ها و معلمان نشانه می‌رود. گاهی شاهد دوره‌هایی هستیم که آفت تحصیلی بزرگان شنیده می‌شود و نظریه پردازان و اولیای امور در پی یافتن عمل کننده

سبب شناسی های معقول و گاه نامعقولی دست می زنند. به طور مثال گاهی آن چنان با اغراق به پدیده ی بلوغ می نگرند که ذهن مخاطبان در انتظار تغییر ناگهانی و کورکورانه ی عملکرد تحصیلی یا رفتاری فرزندان خود، زمان را از دست می دهند و بیهوده در انتظار اصلاح خود بخودی آن ها می مانند. جالب تر از آن، دانش آموزانی هستند که خود را در مسیر سیل و برانگیز بلوغ، ناتوان حس می کنند. گاهی معلمان نیز مورد انتقاد مسوولین و یا اذهان عمومی واقع می شوند و صحبت از بی انگیزگی آن ها به میان می آید. از سوی دیگر، معلمان که انتقادهای را عادلانه نمی بینند، اوضاع را این گونه توجیه می کنند:

- دانش آموزان نسل شده اند.

- بچه ها اصلاً اهمیت نمی دهند.

- بچه های امروز عوض شده اند.

بعید است که این گونه تعارضات در گذار زمان، رشد چندانی را در پی داشته باشند، از این رو می باید در سبب شناسی، به رویکردهای علمی، نظری دقیق انداخت و در بعد کلان یا خرد، به رفع نقایص آن همت گماشت و از تعامل علوم گوناگون به نتایج علمی تری دست یافت. دیدگاه ترکیبی در مجموعه ی نظام آموزش و پرورش به برنامه ریزان و مجریان آن، این کمک را خواهد کرد که اگر به نتیجه ی کاملاً مطلوبی هم دست نیابند، لاف با آگاهی از چند متغیره بودن یک پدیده، بیشتر فکر کنند و پیکان انتقاد را به سوی این و نشانه نگیرند. بیایید یک موقعیت ساده و تعارض انگیز را در نظر بگیریم.

دانش آموزی درس نمی خواند و معلمی که از به حرکت واداشتن او ناتوان شده است، علل گوناگون و پیچیده ای را در مورد آن مطرح می کند. مسوولان نظام آموزشی، مباحث کلان تری را پیش می کنند و مسوولان مدرسه از ناکارآمدی کتاب ها، مباحث ارزشیابی، تعارضات اجتماعی، تغییرات سریع ارزشی نسل جدید و جز آن سخن می گویند؛ ولی یک اشکال کوچک مانع از آن می شود که نتیجه ی مطلوب به دست آید و آن این است که مباحث، به غلط خلط شده و در هم تنیده شده اند. زیرا اصولاً رفتار فردی و گروهی تفاوت های قابل ملاحظه ای دارند و اگر به گروه های گوناگون، شخصیت فردی داده شود یا بالعکس، هر گونه اعمال نظری از جانب مسوولان بی نتیجه خواهد ماند. بنابراین، تجزیه و تحلیل و ریشه یابی اقت تحصیلی یک دانش آموز، یافت تحصیلی خیل عظیمی از دانش آموزان تفاوت محسوسی دارد، اگر چه در نقاطی، همپوشی به چشم می خورد: اگر از این تفاوت غفلت شود، معلم برای برانگیزاندن دانش آموز ناکام خواهد ماند. به عنوان مثال اگر بخواهیم بی انگیزه بودن وی را به رکود اقتصادی، پیدا نکردن شغل در آینده و مثل آن ربط دهیم - که البته تا حدودی مرتبط است - در آن صورت با یک استدلال ساده - پیدا نکردن

شغل، هم معلم و هم دانش آموز را دچار سفسطه و درماندگی خواهد کرد و ناگزیر از ادامه ی وضع موجود خواهند بود. اگر افرادی که نقش خاصی بر عهده دارند، با تعارضات نقش ها و عوامل مؤثر بر کارآمدی یا ناکارآمدی نقش آشنا نباشند، پیش از پیش مایوس خواهند شد. به طور مثال برخی از نقش ها، در مفهوم کلی و تعریف خود با یکدیگر اختلاف دارند. مانند تعارض یک دانش آموز با معلم خود که او را مستبد و خودرأی می پندارد و با برخی از نقش ها که به ناچار رو در روی هم می ایستند، مثل نقش وکیل مدافع با مدعی العموم. بنابراین تعارض درون گروهی بین افراد، در برخی مواقع نه تنها غیر عادی نیست بلکه بسیار طبیعی است. تحولات اقتصادی و اجتماعی و افزایش روز افزون آگاهی نسل ها، خود به خود تعارض آور است و نسل قدیم را به چالش مبارزه می کشاند و واکنش نسل قدیم به رفتار و طرز تفکر نسل جدید، محک خوبی برای کارآمدی نظام آموزشی به حساب خواهد آمد. توجه به این مطلب، کج رفتاری دانش آموزان در دوره های خاصی، خود نشانه ی رشد است. دانش آموزانی که در دوره ی راهنمایی تحصیل می کنند از تعلیمات اجباری و امر و نهی های تمام ناشدنی والدین رها شده و با توان ذهنی عجیبی که در سنین بلوغ به آن دست می یابند - تفکر انتزاعی - بیش از هر دوره ی دیگری، اطرافیان خود را به شگفتی می اندازند و معلمان این دوره ی تحصیلی را با مسوولیت خطیری مواجه می سازند. آن ها به قابلیت های ذهنی خاصی می رسند که همه چیز را دگرگون شده و با تغییرات اساسی می خواهند اما محدودیت های شمارند و به ناچار، رفتارهای واکنشی نوجوان آغاز می شود و سایرین از این تغییرات، آشفته شده و به معلمان او چشم می دوزند. اما مگر از یک معلم چقدر می توان انتظار داشت تا روان کاوی را مانند یک روانشناس، خواسته های اجتماعی و تعارضات جمعی اش را چون یک جامعه شناس، پرسش های این جهانی و آن جهانی اش را مثل یک فیلسوف و جز آن بشناسد و با ظرافت مطبوعی، وجود او را صیقل داده و انسانی در فراسوی مرزهای خویش به بار آورد؟

با تمام انتظارات و انتقادهای در می یابیم که برخی معلمان موفق تر، کارآمدتر، محبوب تر و برخی دیگر - علی رغم تلاش و زحمت زیاد - کمتر مورد توجه و لطف دانش آموزان قرار می گیرند. آن هایی که از نقش خود لذت نمی برند، در صدد رفع این نقیصه بر می آیند و گاه با این که روش های گوناگونی را می آزمایند نتیجه ی مطلوبی نمی گیرند.

به موقعیت ساده ی قبل باز می گردیم و یک دانش آموز بی انگیزه را در مقابل معلم او قرار می دهیم.

این معلم چه می کند؟

آیا برای دانش آموز وی، کتاب جذابیستی ندارد؟ آیا عصر آن کتاب ها گذشته است؟ آیا او مشکل درونی دارد؟ آیا نیازی به دعوت

والدینش حس می‌شود؟ آیا دانش‌آموزی که در کنار او نشسته است او را بی‌انگیزه کرده است؟ آیا روش تدریس معلم مشکل دارد؟ ... از مباحث کلاسی تا خورد می‌توان به بحث نشست و سوالات بی‌شماری را مطرح کرد.

اما این معلم از کجا شروع کند و با این دانش‌آموز چه کند؟ آیا روش‌های تشویق را نمی‌داند و اگر بداند موفق خواهد شد؟ آیا روش‌هایی وجود دارند که با اطلاع یافتن از آن‌ها به مشکل جیره شود؟ طبیعتاً هیچ یک از سؤال‌ها به تنهایی مبین مشکل فعلی یا راهگشای دقیقی نخواهند بود. البته علم روانشناسی،

راه‌های جدیدی را پیشنهاد کرده و اطلاع یافتن از آن‌ها کمک خواهد کرد؛ اما معلم مذکور نیازش با این چیزها برطرف نمی‌شود. او باید از دید ترکیبی برخوردار باشد و به جمیع موارد اشراف داشته باشد. چرا که از یک سو با کلاس - گروه - سروکار دارد و رفتار خود را باید مطابق با گروه تنظیم کند و از سوی دیگر با فرد - یک دانش‌آموز که وجودی منحصر به فرد دارد - مواجه است. این تقابل - تقابل گروه و فرد - چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟

آیا توجه به یک دانش‌آموز او را در مقابل سایرین قرار نمی‌دهد؟ - کینه و حسد دیگران - این توجه ناچه زمانی باید ادامه یابد تا او بدون وابستگی به معلم و تشویق‌هایش به طور خودجوش شروع به حرکت کند؟ آیا معلم فرصت آن را خواهد داشت تا در هر زمانی، به یکی از این گونه افراد توجه کند؟ و اگر موفق شود آیا تصمیمی وجود دارد که دانش‌آموز دیگری - خودآگاه یا ناخودآگاه برای جلب محبت و نظر معلم ... به چنین رفتارهایی دست نرزد؟

### از کجا شروع کنیم؟

به درون خود مراجعه کنید و از نیروی درونتان استمداد کنید. نباید حقایق افراد را فدای نظریه‌ها کرد! به تجارب شخصی خود هنگامی که دانش‌آموز بوده و یکی از معلمان تأثیر مثبتی بر روی شما گذاشته است، بازگردید.

اگر در برابر دانش‌آموز خاصی در مانده شده‌اید یا نگاه به چشمان وی در خواهید یافت که خطوط کلی مسیرتان در کجاست. هیچگاه جریان موج کلاس را متوقف نسازید و اهداف خود را در گذار لحظه‌ها جستجو کنید. به یاد داشته باشید که هیچ‌انگیزی مشخصی وجود ندارد که طبق آن عمل کنید. انعطاف‌پذیر باشید و در شرایط گوناگون، روش‌های مختلف را بیازمایید. در کلاسی که از فرط بی‌انگیزگی به سکوت و رحوّت انگیزی کشیده شده بود، ناگهان به

## اگر افرادی که نقش خاصی را برعهده دارند، با تعارضات نقش‌ها و عوامل مؤثر بر کارآمدی یا ناکارآمدی نقش‌ها آشنا نباشند، مایوس خواهند شد

ذکر تشبیهی پرداختیم که در آن، مفهوم سختی‌ها به شکل تلفیق شده‌ای بازگو شده بود و منشأ حرکت شده، از کنار خیابان که گذشته‌اید اجوی‌های کثیف و مملو از لجن و ... وقتی که نگاه می‌کنند، می‌بیند که یک سبزه‌ی سبز که چکه با چه زحمتی خودش را از درز سیمانی جوی بیرون آورده است و در سبزه‌ی سبز شریعت‌زندی می‌کند ... امید این گونه است ... زندگی این چنین است ...

به حرکت و دانش دیگران را بدهی متعددی دارد. گاهی به یک حسرت کوتاه و پر مغز، گاهی به یک قطعه‌ی ادبی و گاهی به یک نگاه از روی مهر.

بنابر این هیچگاه مسائل گوناگون را

در هم گره نزنید. واقع‌گرایی بیشترین کمکی است که به هر فرد می‌کند. سرزنش افراد آن‌ها را از حرکت باز می‌دارد. استقنابات غیر معقول از خود یا دیگران نیز چنین است. به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان - استعداد، هوش، علاقه و انگیزه‌ی کم یا زیاد در هر یک از آن‌ها - توجه داشته باشید. اگر با وجود تلاشی که می‌کنید می‌بینید که دانش‌آموز خاصی، پیشرفت نمی‌کند از سرزنش او و یا خردتان بهره‌بیزید. از سوی دیگر در مقابل پیشرفت ناگهانی و غیرمستطوره‌ی دانش‌آموز، از واکنش ابراهیمی - هیجان و وجد - پیش از حد - اجتناب ورزید. چرا که با این عمل، به یک‌باره سدی در برابر موفقیت‌های او خواهید شد! تشویق‌های زیاد، میل و شوق به دانش را خاموش می‌سازید.

برای به حرکت در آوردن دانش‌آموزان ثناب بورزید، چرا که زمان، رفته رفته شمارا از وضعیت ایشان آگاه‌تر خواهد ساخت.

همان طوری که واضح است، انسان‌ها در مسین پایین‌تر به توجه بیشتری نیاز دارند؛ لذا در خارج از کلاس به روابط دانش‌آموزان اهمیت دهید. گاهی اوقات یک احوال‌پرسی صمیمانه در فضای مدرسه، اثرات غیرقابل‌توصیفی بر جدی می‌گذارد. از این رو در صورتی که به روابط سالم انسانی پی‌ر دارید، نتیجه خود به خود حاصل خواهد شد. به طور مثال احترام غیر مشروط به دیگری، رشد وی را به دنبال خواهد داشت. احترام غیر مشروط به معنای اهمیت دادن به هر انسان، صرف نظر از مسائل جنسی و حاشیه‌ای است. - برای حدایت بخشیدن به میحت درسی خود نیز، قالب‌ها را بشکنید. از موارد خارج از کتاب بهره‌بیرید. به یاد داشته باشید که سن بلوغ، دوران شکسته شدن قالب‌هاست و مقاومت ناآگاهانه در برابر این تعبیرات، تنها بر دشواری مسأله می‌افزاید.

زمستان سال ۶۱ بود. در ششی سرد و برفی، صدای زنگ، مادر را به حیاط خانه کشاند. دوستان پسرش میثم با چند نفر از سبجی‌های مسجد محل بودند. بعد از احوال‌پرسی، گفتند: میثم در عملیات والفجر مقدماتی در منطقه‌ی فکه تیر به سینه‌اش خورده و... داشتند مقدمه‌چینی می‌کردند تا مادر را آماده شیدن خبر شهادت تنها فرزندش کنند. وسط حرف‌شان آمد که؟ دم در بد است بفرمایید داخل؛ نگران میثم نباشید. خداوند یک روز او را داد و یک روز هم باید می‌گرفت. بعد با گوشه چادر، اشک‌های چشمان مهربانش را پاک کرد.

چند ساعت بعد، بچه‌ها و اهالی محل رفتند و او را با دنیایی از خاطره تنها گذاشتند. موقع وضو گرفتن یادش آمد، برای تولد تنها فرزندش چقدر با خدا بیامرز کریم آقا نذر

کرده بودند و با چه سلام و صلواتی میثم به دنیا آمده بود. روز ازدواج میثم را فراموش نمی‌کرد و بخصوص این که هر سال شب تولد خانم حضرت زهرا (س)، میثم کلی قربان صدقه‌اش می‌رفت و با اهدای هدیه‌ای ابراز محبت می‌کرد.

یک شب قبل از اولین «روز مادری» که بدون میثم فرارسید، خواب جگر گوشه‌اش را دید که می‌گفت: مادر چرا از من چیزی نمی‌خواهی؟ این جا من و دوستانم دستمان خیلی باز است. این خواب را از همان سال جدی گرفت و احساس کرد رویای صادقه بوده است.

هر سال چند روز به روز مادر مانند چیزی

از پسرش می‌خواست، از امور مادی گرفته تا مسائل معنوی و بعد از مدتی حاجتش را برآورده می‌دید. این ماجرا آن قدر تکرار شده بود که هر سال خواسته خود را در دفترچه کوچکی می‌نوشت و چند روز بعد از تولد حضرت زهرا (س) به مرادش می‌رسید.

امسال وقتی که در روز مادر چشم از جهان فرو بست، فاطمه نوه‌ی بزرگ پسرزن به دنبال دفترچه کوچک و آبی رنگ او رفت. مادر بزرگ در آخرین برگ دفترچه با خطی سبز نوشته بود: دلم خیلی برایت تنگ شده میثم، می‌خواهم دستم را بگیرم و مرا هم ببری پیش خودت و...

# این جادوستان باز است

علی اکبر بهشتی

نصویرساز: طاهر شعبانی



■ معلم موفق از دید شما چه معلمی است؟

● من معتقدم که چهار رکن برای یک معلم وجود دارد: دانش، پیش، روش، منش.  
معلم باید دانش درسی را که دارد عرضه می‌کند، داشته باشد و دانش خود را تازه کند و تکرار کننده نباشد. و باید مخاطب خود را به خوبی بشناسد. باید نیازهای جسمی و عاطفی دانش‌آموز خود را به خوبی بشناسد. ویژگی بعدی پیش است و منظور از آن، فراست و بصیرت و زیرکی است که معلم به آن نیاز دارد و باید بداند که چه طور از یک اتفاق و مسئله برای پیش بردنش استفاده کند. معلم باید دریافت سریع و صریح و زیبا و متناسب داشته باشد.  
عصر سوم روش است. معلم باید روش‌های مناسب برای تدریس را بداند و روش مند نباشد. کم نیستند معلمان که دانشمندند، آگاهی مند نیستند. و آخرین خصوصیت منش است. منظور از منش، رفتار انسانی است، چگونه زندگی کردن چگونه صحت کردن.

■ با توجه به این که شما هم معلم و هم مؤلف هستید،

ارتباط بین معلم و مؤلف را چگونه می‌بینید؟

● هر کس که از گذرگاه معلمی به تألیف نرسیده باشد، نویسنده بسیار کمی در تألیف خواهد داشت. چرا که مخاطب خود را تجربه نکرده و حس نکرده و رهاورد یافته‌های خود را در تألیف نیابورده است. کسی که تنها مؤلف باشد، شاید تنها به یافته‌هایش بپردازد، نه یافته‌هایش، پس لازم است که هر دو ما هم جمع باشد. البته هر معلمی مؤلف نیست و هر مؤلفی هم معلم. خوشحانه ما همواره در تألیف، از معلمان و تجربیات آن‌ها استفاده فراوان برده‌ایم.

■ چه خلأهایی را در دوره‌ی راهنمایی احساس

می‌کنید؟ بویژه در زمینه‌ی درس ادب فارسی و انشا که جزو برنامه‌ریزان، مؤلفان و مدرسان آن‌ها نیز هستید

● در یک نگاه عدم توجه راهنمایی، دوره‌ی بروز آموزش ماست، مرز میان دوره‌ی ابتدایی و دوره‌ی متوسطه و انفا احساس‌ترین دوره‌ای است که طی آن، فرزندان ما کودکی را پشت سر می‌گذارند و به سن بلوغ می‌رسند و به دلیل تحولاتی که در بعد جسمی، عاطفی، روانی، شناختی و اجتماعی آن‌ها اتفاق می‌افتد، یا

اشاره

مطلع شدیم که در ادامه‌ی تحولاتی که در کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی به نام «بخوانیم» و «بنویسیم» اتفاق افتاد، کتاب‌های فارسی دوره‌ی راهنمایی نیز در حال تغییر و تحول است. از این رو با دکتر محمدرضا سنگری کارشناس مسوول گروه زبان و ادبیات فارسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی و سردبیر مجله‌ی رشد آموزش زبان و ادب فارسی به گفت‌وگو نشستیم.

# چشم‌های ما هم درس می‌دهند

## نگاهی به تألیف کتاب‌های فارسی جدید در گفت‌وگو با دکتر محمدرضا سنگری

مجموعه‌ای از نیازهای ریشه‌ای مواجه می‌شوند. واقعت این است که در دوره‌ی ابتدایی و راهنمایی بایسته‌های موردنیاز فرزندانمان را برای ورود به عرصه‌ی زندگی اجتماعی به آن‌ها نمی‌دهیم.

اگر چه کتاب‌های فعلی دوره‌ی راهنمایی کتاب‌های بسیار خوبی هستند و پدیدآورندگان آن‌ها تلاش و زحمات زیادی را متحمل شده‌اند، اما کاشی‌هایی در آن‌ها مشاهده می‌شود. از جمله؛ دانش‌آموز دوره‌ی راهنمایی کتاب را بیسبی خود نمی‌داند. کتابی موفق است که مخاطب بتواند خود را در آن بیاند، و احساس کند که محتوای آن نادنیای او منطقی و همه‌جانبه است. اما کتاب‌هایی ما فاقد این ویژگی بودند. کمی دو عمده‌ی دیگری که به چشم می‌آمد، این بود که؛ در مجموعه‌ی آموزش‌های خودمان امواجوانی را برای بچه‌ها مطرح نکرده‌ایم. به همین دلیل در کتاب‌های جدید، بخشی تحت عنوان

«فضل شکفتن» خواهیم داشت و در آن دنیای نوجوانی و بلوغ را با زبان خودشان و بسیار ساده و خفیف مطرح خواهیم کرد.

■ برنامه‌ریزی جدید درسی فارسی دوره‌ی راهنمایی چه ابعاد و ویژگی‌هایی دارد؟

● برنامه‌ریزی جدید حاصل مجموعه تلاش‌های سازمان‌دهی شده‌ی طولانی است که برای اولین بار و بایچه‌گیری از همه‌ی توانایی‌های ملی شکل گرفته است؛ به حقی این که طبق معمول گذشته، تألیف مجموعه‌ای از مؤلفان انجام دهند، آن را به صورت یک طرح کشوری در آورده‌ایم. به این ترتیب که در سرگروه‌های زبان و ادبیات فارسی همه‌ی دست‌ها دعوت کردیم در این طرح مشارکت کنند. سپس بر دانش به‌شوه‌ی کار، آرا، ست، پیدا، و... اگر تحولی می‌شود تجربه‌هایی موفق گذشته را



○ ممکن است بعضی ها سؤال کنند، شما کتاب‌هایتان را تا کی تغییر می‌دهید؟ پاسخ این است: تا زمانی که جامعه تغییر می‌کند

○ واقعیت این است که در دوره‌ی ابتدایی و راهنمایی، بایسته‌های موردنیاز فرزندانمان را برای ورود به عرصه‌ی زندگی اجتماعی به آن‌ها نمی‌دهیم

### حسین نامی ساعی

آن‌ها تنظیم کردیم و پرسش‌هایی را درباره‌ی ویژگی‌های مطلوب کتاب درسی در اختیارشان قرار دادیم و پاسخ‌هایشان را جمع‌آوری کردیم.

گروه سوم، صاحب‌نظران عرصه‌ی تعلیم و تربیت بودند. کسانی که صاحب فکر، ذوق و اثر در عرصه‌ی ادبیات کودک و نوجوان بودند. از آن‌ها نیز خواستیم اول، بگویند کدام یک از متن‌های کتاب‌های قبلی را هنوز به یاد دارند، تا بتوانیم دلایل آن ماندگاری را تجزیه و تحلیل کنیم. دوم این که خواستیم مشخص نمایند از مجموعه‌ی مطالعاتشان چه در درون کشور و چه در بیرون کشور، چه مواردی قابل‌گنجاندن در کتاب درسی خودمان است.

■ آیا همه پرسش‌های شما تنها شامل محتوای کتاب‌ها می‌شود؟

● خیر، در حوزه‌ی ساختار هم بود. از جمله این که؛

جریانی عقیم و ناکام خواهد بود. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «هر کس از تجربه‌ها احساس بی‌نیازی کند، نگاهش نسبت به آینده کور خواهد شد.»

بنابراین یکی از اصلاح‌برنامه‌ریزی‌های جدید، بهره‌گیری از همه‌ی تجربه‌های موفق گذشته است؛ از جمله بهره‌گیری از تجربه‌های معلمان سراسر کشور. ما یقین داشتیم که معلمان و دانش‌آموزان بسیاری هستند که می‌توانستند ما را در تولید کتاب و برنامه‌ی درسی جدید یاری نمایند و متأسفانه تاکنون به توانمندی‌هایشان آن‌طور که باید، توجه نشده است. از این رو فرم‌هایی را تنظیم کردیم و در اختیار سه گروه قرار دادیم. گروه اول دانش‌آموزان بودند که نزدیک به ۲۰ هزار نفر آنان را در کل کشور با موضوع درگیر کردیم و از آن‌ها پرسیدیم: «اگر قرار باشد کتابی برای شما نوشته شود، دوست دارید در کتاب شما چه چیزهایی باشد؟»

گروه دوم، دبیران بودند. فرم‌هایی را نیز برای

کتاب‌چه‌ویژگی‌ها و ساختاری باید داشته باشد، چگونه کتاب‌سازی شود، چه پوستارهایی داشته باشد.

پس از طرح این پرسش‌ها، شورای برنامه‌ریزی خودمان را شکل دادیم و شورای برنامه‌ریزی پس از جلسات مستمر و موفق و فشرده، برنامه‌ریزی درس فارسی راهنمایی را تنظیم کرد و پس از تدوین راهنمای برنامه‌ی درسی، نوبت به تألیف رسید.

■ آیا در مرحله‌ی تألیف هم شیوه‌ی متفاوتی را به کار بردید؟

● بله، از همه‌ی استان‌های کشور خواستیم که متن‌های مناسب، درس‌های مناسب و رهنمودهای مناسب را تدارک ببینند. پس از آن، همایش‌هایی را برگزار کردیم و در این همایش‌ها به آموزش آن‌ها پرداختیم تا بتوانند کتاب درسی چه ویژگی‌هایی دارد و چگونه نوشته می‌شود...

در طی برگزاری پنج همایش، که دو همایش در سطح تهران و سه همایش در سطح کشوری بود و البته در تهران برگزار شد، تمام سرگروه‌های کشور مشارکت کردند و حاصل کار آن‌ها، تدوین یک منبع غنی بود که شاید برای تألیف ۲۰ کتاب کفایت می‌کرد. اما ما فقط سه کتاب نیاز داشتیم؛ فارسی اول، دوم و سوم راهنمایی. در آخرین مرحله، ۸۵۰۰ متن با نزدیک به ۶۰۰۰۰ صفحه جمع‌آوری شده بود. که این‌ها را مطالعه می‌کردیم و در همایش‌ها از سرگروه‌هایی خواستیم درباره‌ی آن‌ها بحث و گفت‌وگو کنند و متن‌های برتر را گزینش نمایند.

متن‌های حلف شده را کنار می‌گذاشتیم و از متن‌های انتخاب‌شده متن‌های درسی تهیه می‌کردیم. جالب است بدانید که در این متن‌ها اکثریت قریب به اتفاق معلمان نقش داشتند و به جرأت می‌توان گفت که اولین کتاب‌های ملی در کشور هستند که تألیف شده‌اند، به طوری که در دبای دانش‌آموز، دبیران، علاقه‌مندان در جامعه و صاحب‌نظران در آن دیده می‌شود. به این ترتیب، بیش از ۹۰۰۰ ساعت کار و تلاش به نتیجه رسید و موفق شدیم کتاب فارسی اول راهنمایی را آماده کنیم.

■ لطفاً درباره‌ی اجرای آزمایشی بیشتر توضیح بدهید.

● مفهوم اجرای آزمایشی این است که کتاب به شکل محدود در کشور تدریس می‌شود تا بتوانیم از کتاب ارزشیابی دقیق‌تری داشته باشیم؛ ضعف‌های احتمالی کتاب را بشناسیم، نقاط قوت را تقویت کنیم و کتاب را پیراسته و آراسته برای اجرای سراسری آماده کنیم.

## ■ آیا این تغییرات مختص دوره‌ی راهنمایی است یا

دوره‌ی متوسطه را هم شامل می‌شود؟

● همان‌طور که تغییرات در دوره‌ی ابتدایی، به دوره‌ی راهنمایی کشیده‌شد، بعد از دوره‌ی راهنمایی هم آن شده‌اند تا به تغییرات کتاب‌های دوره‌ی دبیرستان باندیشیم. تغییر، جریان مستمر جامعه‌ی ما هست. ممکن است بعضی‌ها سوال کنند که: شما کتاب‌ها پندان را تا کی تغییر می‌دهید؟ پاسخ این است: تا زمانی که جامعه تغییر می‌کند. اگر روزی به جامعه‌ای رسیدیم که راگدوم و ربات‌گونه بود، آن روز پایان تغییرات کتاب‌های درسی هم خواهد بود. انسان در حال تحول مستمر است و رشد جامعه‌ها هر روز شتاب بیشتری می‌گیرد. به قول یکی از جامعه‌شناسان بزرگ: اگر مجموعه‌ی تمدن پنج هزار ساله انسان در ۲۴ ساعت فشرده کنیم، بزرگترین حادثه‌ها در پنج دقیقه‌ی آخر اتفاق افتاده‌اند. این یک واقعیت است و که کم باید بگویم در ثابتهای آخر اتفاق افتاده‌اند. لحظه‌به لحظه، جهان عوض می‌شود اما تغییر می‌کند و نیازهای جدید مواجه می‌شود. متناسب با این تحولات ما هم باید در برنامه‌ی درسی خودمان تغییر ایجاد کنیم. البته این به آن معناست که در اصول خودمان دست کاری نکنیم. مبنای پایه و اساس ثابت و پدیدارند. چیه که می‌موند قابل تغییر است.

## ■ آیا کتاب‌های دیگر دوره‌ی راهنمایی هم تغییر خواهد کرد؟

● من یکدفعه جلدی را در هدایات کتاب‌های درسی از گذشته حس کرده‌ام. چندین بار هم یادداشت‌ها و بزرگواری که منویبت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را به عهده دارند، در این زمینه گفتگو کرده‌ام. همان مدیریت هم زمان یکی از افتخاری کتاب‌های درسی است. یعنی امسال به تألیف کتاب فارسی می‌پردازیم و سال بعد دینی، سال بعد علوم و بعد ریاضی و... این بسیار زیاد است. باید نوعی هم‌زمانی در تغییر وجود داشته باشد تا امکان ارتباط عرضی درست وجود داشته باشد و اگر مطلبی در یک کتاب آورده شده، ارجاع به کتاب دیگر داده شده باشد. باید این حلقه‌های مفقوده را از لایه‌های کتاب‌ها برداریم.

## ■ ساختار و محتوای کتاب جدید چگونه است؟

● کتاب جدید به دو کتاب تبدیل شده است. در دوره‌ی

ابتدایی یک کتاب دو جلدی داریم به نام‌های «انجواپه‌ا و ابویسیمه». در کتاب «انجواپه‌ا» مهارت‌های شفاهی پرداخته شده است. مثل سخن گفتن، گوش دادن، و خواندن و در کتاب «ابویسیمه» مهارت‌های کتبی تقویت می‌شود. در دوره‌ی راهنمایی هم ما به دو کتاب رسیده‌ایم. فعلاً «ان‌ها را گذاشته‌ایم» خواندن و نوشتن. البته ممکن است نام دیگری برای آن‌ها در نظر گرفته شود. مثلاً: «فارسی یک» و «فارسی دو». در کتاب «ان‌ها» پنج مهارت آموزش داده می‌شود: مهارت خواندن، سخن گفتن، گوش دادن، تفکر و نقد کتاب. مشخصاً بر ۹ فصل است و سه ساعت در هفته در هر کلاس و نسبتاً مابین شش تا هشت درس می‌شود و در پایان می‌آید. بعد از سایش، فصل و سه تمرینش و سبسی پرداخته است و تطبیق‌ها و نظریات‌های طبعاً در موجودات در آن آورده شده است. فصل دوم فارسی و نوشتاری است. همان چیزی است که تحت عنوان «جشن ترم و فارسی» از آن یاد می‌کنیم. ما باید جامعه‌ها را به سمت تولید علم هدایت کنیم و پیش‌بریم و جشن ترم و فارسی را در جامعه جدی بگیریم. فصل یعنی فرهنگ ادب هم در دوره فرهنگ و ادبیت خودمان می‌پردازد. فصل چهارم «فصل شکفتن» است. این فصل، دبای بلوغ و مسائل دوره‌ی نوجوانی را برای بچه‌ها بیان می‌کند. فصل بعدی «امپرووری و ادب» است که این ادب به مفهوم «جوانی الهی» است. فصل بعدی «سازها و پدیده‌ها» است که شخصیت‌ها در آن مطرح می‌شوند و برای نوجوانان انگیزشی می‌شود. فصل هشتم «بزرگداشتن» است. ویژگی‌های یک زندگی زیبا و خوبی‌های آن، در این فصل مورد توجه قرار گرفته است. فصل هشتم «سرمزین من» نام دارد. بچه‌ها باید سرمزین خودشان را بشناسند و آن را دوست داشته و برای خدمت به سرمزین خود آماده باشند. توجه به ارزش‌ها و گذشته‌های بزرگوار وطن و ویژگی‌های این فصل است. آخرین فصل به «ادبیت جهان» اختصاص یافته است. به دانش‌آموزان می‌گوییم چرا بچه‌ها در جاهای دیگر چه خبر است.

فرانس و حد حجاز نکات زبانی و ادبی مطرح می‌شود. تمرین داده می‌شود. نوعی زبانی داریم. هم قضایی به عنوان کار گروهی پیش‌بینی شده است تا

فرزندان ما به سمت کار گروهی بروند. در آینده چش کلان‌ها پندان نیز بر این اساس تغییر خواهد کرد و انگوی شنیدن موجود که معلم یک سو و دانش‌آموزان سوی دیگر و پشت سر هم می‌شناسند. تغییر خواهد داشت. بچه‌ها باید از هم یاد بگیرند و به هم یاد دهند. در کنار کتاب «خواندن»، کتاب نوشتن است که شکل نوشتاری آموزش‌های کتاب فارسی «خواندن» در آن گنجانده شده است. این کتاب نوعی سمت دادن به نوجوانان خواهد بود. مثل راحت داده‌اند و آسان‌تر به کتاب موضوع بسیار ضروری تقویت کرده‌اند. همچنین، پرداختن به شیوه‌های نگارش، مطالعه و فرهنگ کتاب خوانی از ویژگی‌های کتاب نوشتن است.

## ■ آیا حجم کتاب نیز تغییر کرده است؟

● ما مطالعه‌ی خوبی درباره‌ی هم‌خوانی و مدارش‌ها به‌تولیدی دهی و جسمی بچه‌ها داشته‌ایم. کتاب شامل ۲۱ درس است و هر هفتی در آن وجود دارد که صرفاً برای تقویت مهارت «خواندن» آورده شده است. معلم‌ها باید فعالیت‌ها را در کتاب «انجواپه» نشانند و کتاب «انجواپه» معلم را محتوا مطالعه کند تا بداند چه قسمت‌هایی از کتاب برای تقویت چه مهارتی است.

به نظر می‌رسد کتاب حجم مناسبی دارد. البته باید منتظر اجرای آزمایشی و گزارش‌ها باشیم.

## ■ آیا دوره‌های خاصی برای آموزش معلمان این کتاب در نظر گرفته شده است؟

● یکی از حلاله‌های جدی در کار تغییر و تألیف پوشش آموزشی مناسب در جامعه است. در دوره‌ی ابتدایی این کار را انجام و همه معلمان را تحت آموزش قرار داده‌ایم. در دوره‌ی راهنمایی هم برای معلمان که اجرای آزمایشی دارند، دوره‌ی آموزشی خواهیم داشت. پس از تست آنها، آموزش لازم وارد کلاس خواهد شد. معلمان بعد از آموزش‌ها فرآیند خواهد شد. همه‌ی دبیران در راهنمایی تحت پوشش قرار گیرند. برای این دوره‌ها و مسائل کمک آموزشی رفیق کتاب‌ها، معلمان، فیلم و نور و... به نظر گرفته شده است.





■ کتاب راهنمای معلمان برای دو کتاب «خواندن» و نوشتن چه ویژگی‌هایی دارد؟

● برای اشاعه‌ی بیشتر، در گام اول تولید کتاب راهنمای معلم را به استان‌ها واگذار کرده‌ایم. راهنمای هر یک از درس‌های این کتاب به یک استان محول شده است تا روش‌های تدریس و آموزش آن درس را ارائه دهد.

در گام بعدی، کتاب را هم‌اکنون در اختیار تعدادی از معلمان خواهیم گذاشت تا براساس آن مطالب را به دانش‌آموزان عرضه کنند و عکس‌العمل آن‌ها را ببینند.

■ انشاء در کتاب جدید چه جایگاهی دارد؟

● اگر انشاء را به معنی آفریدن بدانیم، یعنی اثری که مخلوق و فرآورده دوق و ذهن دانش‌آموز است، چنین انشایی بی‌نیاز از آموزش نیست. در گذشته، معلم موضوعی را بر تخته می‌نوشت و زمانی را در اختیار دانش‌آموز قرار می‌داد تا درباره‌ی آن بنویسد. در کتاب جدید، در پایان هر درس یک انشاء داریم. و سه نکته را در آن‌ها رعایت کرده‌ایم: نکته‌ی اول، موضوع انشاء که با درس ارتباط دارد. در نتیجه ذهن دانش‌آموز برای نوشتن چیزهای مرتبط با موضوع انشاء آماده است.

نکته‌ی دوم، دانش‌آموز پیش از نوشتن انشای اصلی برای خارج شدن از بن‌بست نوشته‌های کوتاهی را تعریف می‌کند.

نکته‌ی سوم، موضوع انشاء مطرح شده توضیحاتی دارد. مثلاً گفته شده، برای نوشتن این انشاء می‌توانید به این دو کتاب مراجعه کنید. می‌توانید از پدر و مادر بپرسید و... در نتیجه نوشتن انشاء جهت‌دار و هدایت شده است.

■ آیا شیوه‌های نوشتن نیز آموزش داده شده است؟

● بله، در این زمینه آموزش کاملی ارائه شده است. از قبیل این که «من را چگونه آغاز کنیم، چگونه پایان بدهیم، چگونه بحث‌ها را سازمان‌دهی کنیم و... همچنین، انواع نگارش نیز مطرح شده است. مثلاً، ویژگی یک نامه، یک داستان، یک سفرنامه، یک خاطره، یک یادداشت روزانه و...

■ چرا شیوه‌های آموزش دستور زبان در دوره‌های مختلف مثلاً راهنمایی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی متفاوت است؟ بعضی جاها سنتی و بعضی جاها اصطلاحاً مدرن است؟

● من وارد حوزه‌ی تخصصی نمی‌شوم. نظام دستور زبان ما در گذشته مبتنی بر زبان عربی بوده است. در حالی که زبان فارسی، زبانی است با ساختاری متفاوت از زبان عربی. نخستین واژه‌هایی که انسان‌ها بکار برده‌اند مربوط به پدیده‌های اطراف و نیازهای اولیه‌ی عاطفی و مادی زندگی‌شان بوده است. مانند: مادر، پدر، خواهر، ماه، ستاره و... همه‌ی ما انگلیسی خوانده‌ایم و واژه‌های مشترک ما با آن‌ها زیاد است. ما می‌گوییم مادر و آن‌ها می‌گویند «mother» ما می‌گوییم پدر و آن‌ها می‌گویند «father» ما می‌گوییم دختر و آن‌ها می‌گویند «daughter» ما می‌گوییم برادر و آن‌ها می‌گویند «brother» ما می‌گوییم ستاره و آن‌ها می‌گویند «star» و...

یعنی قرابت زیادی بین آن‌ها وجود دارد. اما وقتی که فارسی را با زبان عربی مقایسه می‌کنید، ما می‌گوییم «گاو» و آن‌ها می‌گویند «بقره» که هیچ شباهتی ندارند. ما می‌گوییم «دختر» و آن‌ها می‌گویند «بنت». ما می‌گوییم «مادر» و آن‌ها می‌گویند «ام». ما می‌گوییم «پدر» و آن‌ها می‌گویند «اب».

ما می‌بینیم که تناسب چندانی با هم ندارند و اصولاً زبان فارسی با زبان عربی از یک شاخه نیست. ساخت زبان ما از نظر نحوی نیز با زبان عربی متفاوت است، که بحث آن بسیار گسترده و فنی است و در این جا مجال طرح آن نیست.

ما در نظام جدید دستور زبانمان که مبتنی بر زبان‌شناسی است، سراغ زبان امروز آمده‌ایم نه سراغ زبان گذشته. سراغ زبان آمده‌ایم نه شعر.

در کتاب‌های جدید در ادامه‌ی دستور دوره‌ی ابتدایی دستور دوره‌ی راهنمایی تدوین شده است و در ادامه‌ی دستور دوره‌ی راهنمایی، دستور دوره‌ی متوسطه تدوین می‌شود. در نتیجه دیگر هیچ ناسازگاری در بین این دستورها نخواهد بود.

■ شیوه‌ی ارزشیابی در کتاب جدید به چه شکلی است؟

● ما خوشبختانه داریم به سمت ارزشیابی

توصیفی و کیفی پیش می‌رویم. ارزشیابی کمی مشکلات زیادی را بوجود آورده است. امیدواریم روزی بتوانیم به تدریج از حوزه‌ی ارزشیابی کمی خارج شویم. نوعی نگرانی و اضطراب در میان دانش‌آموزان شایع شده، که به کمتر از نمره‌ی بیست رضایت نمی‌دهند و متأسفانه بیست پرستی، بت آموزش و پرورش ما شده است. در صورتی که ۱۹ هم همان برادر ۲۰ است. ۱۸ خواهر ۲۰ است و این‌ها نباید اسباب شکستن روحیه بچه‌ها شوند.

■ آیا درس‌هایی در کتاب آورده شده است که برای مطالعه بیشتر باشد؟

● خیر، اما ای کاش می‌توانستیم و کتابی بود که بخش‌هایی داشته باشد که دانش‌آموزان بتوانند آن را به‌طور آزاد و با خیالی راحت مطالعه کنند.

تجربه نشان داده است که صفحات مطالعه‌ی آزاد را معلم و دانش‌آموز نمی‌خوانند، و به همین دلیل هزینه‌های اقتصادی بی‌بهره‌ای را تحمیل می‌کند، که مجبور به حذف و نیاوردن آن‌ها هستیم.

■ آیا معرفی کتاب و نویسنده در کتاب گنجانده شده است؟

● همان‌طور که در دوره‌ی ابتدایی نیز وجود داشت، برای ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی مجموعه‌ای از کتاب‌ها معرفی شده‌اند. همچنین عده‌ای از نویسندگان با آثار و متن‌هایشان در کتاب معرفی شده‌اند.

■ تفکر و خلاقیت در این کتاب چه جایگاهی دارد؟

● تمام کتاب سرشار از خلاقیت و ابداع و نوآوری است. مادر این کتاب‌ها درس آزاد داریم که درس ناتواست است و خود دانش‌آموزان آن‌را می‌نویسند و پس از نوشتن آن، نام خود را در کنار نویسندگان می‌نویسند. تمرین‌ها همه خلاق‌اند و به صورت «واگرا، همگرا» می‌باشند. که به کتاب و خارج از کتاب برمی‌گردند و مربوط به کتاب و خارج از کتاب می‌شوند. کنجکاوی، کشف و یافتن، روح کتاب‌های جدید است. بویژه در کتاب «نوشتن» فعالیت‌های خلاقانه بسیاری پیش‌بینی شده است.

# فرهنگ و تمدن اسلام و ایران

جعفر ربانی



**نویسنده: دکتر علی اکبر ولایتی**  
**ناشر: انتشارات سنا**  
 (به سفارش سازمان دانش آموزی)  
**محل و سال نشر: تهران ۱۳۸۴**

در راهی نهاده اند که به بالندگی این فرهنگ و تمدن خواهد انجامید. در این میان، ایرانیان علاوه بر این که نقش مهمی در شکوفایی و پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی داشته اند در جنبش دوره‌ی بیداری اسلامی در دوره‌ی معاصر نیز از پیشگامان بوده‌اند، چنان که انقلاب اسلامی را به مثابه‌ی تجربه‌ای نوین در عصر انقلاب‌ها از دل فرهنگ و تمدن اسلامی خویش به جهان عرضه کرده‌اند.

در اینجا توجه شما خوانندگان گرامی را به پاره‌ای از نوشته‌های این کتاب جلب می‌کنیم. یکی از عوامل رکود فرهنگ و تمدن اسلامی تخریب است که برای درک تأثیر آن در فرهنگ اسلامی باید به تعریف و تبیین دقیق آن پرداخت. تخریب چندین معنای دارد که از آن جمله می‌توان به استیلا، سحوق، نابودی، حمود و برنابیدن فرهنگ و ارزش‌های حقیقی و معنایی اشاره کرد.

تخریب در حوزه‌ی اندیشه و تفکر رخ می‌دهد و اگر در زمینه‌ی گرایش و رفتار ظاهر شود محمود نام دارد. در مفاهیم قرآنی نیز از تخریب به عنوان مرحله‌ی نه‌مانعی برقی شناخت حقیقت یاد شده است: «ثم قست قلبکم من بعد ذلک فهی کالصحارة او اشد قسوة» (بقره ۷۶). از دید قرآن کریم این گروه آن‌هایی هستند که از حوزه‌ی اندیشه و تفکر فاصله گرفته‌اند و هدایب را پدید شده‌اند. پس حجب علت غده پسرش حق و گرایش به کمال و سعادت واقعی است و متعاقباً مانعی جدی در راه شکوفایی اندیشه‌ی دینی و ایجاد تعامل مثبت عطری و عینی، معرفت، حکمت، حکومت، مدیریت و سیاست و حتی تمدن معیشت است.

در بخش هشتم و نهم آمده تحلیلی است از علل رکود در راهی تمدن اسلامی و در برابر آن جنبش بیداری اسلامی در جهان عرب و ایران، در عصر حاضر.

به‌طور کلی، دکتر ولایتی کوشیده است در این کتاب گزارشی از چگونگی شکل‌گیری فرهنگ و تمدن اسلامی و فراز و فرودهای آن در گذر تاریخ به دست دهد و نشان دهد که مسلمانان به تنهایی گذشته صاحب فرهنگ و تمدن درخشان بوده‌اند و هزاران دانشمند در علوم گوناگون به تمدن جهانی عرصه کرده‌اند، بلکه هم‌اینک بر گام

کتاب فرهنگ و تمدن اسلام و ایران با هدف آشنا شدن دانش‌آموزان، دبیران و پژوهشگران این حوزه با تاریخ و تمدن اسلامی، به قلم دکتر علی اکبر ولایتی وزیر خارجه اسبق جمهوری اسلامی ایران تألیف شده است و می‌تواند به عنوان کتابی مکمل برای درس‌های تاریخ مورد استفاده قرار گیرد. دکتر ولایتی چنان که خود می‌نویسد، در اثر آشنایی با اندیشمندان مجلس دانش‌آموزی<sup>۱</sup> و مشاهده‌ی فعالیت‌های فکری و فرهنگی آنان، در زمینه توجه به هویت ملی و دینی خود اقدام به تألیف کتاب نموده است. وی کوشیده است تا تدوین این کتاب دوره‌های شکوفایی، رکود و خمیزش دوره‌ی تمدن اسلامی در عصر حاضر را در ۹ بخش تحلیل نماید.

در بخش اول کتاب کلیات و چکیده‌ای از تاریخ و فرهنگ صدر اسلام، در بخش دوم چگونگی انتقال علوم از تمدن‌های دیگر به جهان اسلام، در بخش سوم نقش مسلمانان در شکوفایی علمی چون ریاضیات، نجوم، فیزیک و مکانیک، طب و کیمیا؛ در بخش چهارم سازمان‌های اداری و اجتماعی و در بخش پنجم چگونگی انتقال علوم از تمدن اسلامی به تمدن غربی آورده شده است.

دوران رکود تمدن اسلامی که حدوداً سده‌های پنجم تا هشتم هجری را در برمی‌گیرد، متأثر از عللی است که در دو دسته‌ی بیرونی و درونی، در بخش ششم به آن پرداخته است: در بخش هفتم دوره حکومت صفویان و عثمانیان و گورکانیان، به منزله‌ی دوره‌ای بالندگی دوره‌ی تمدن اسلامی بررسی شده است. و بالاخره آنچه

چه می شد اگر دانش آموزان دوره ی راهنمایی به همان خوسی که با هم حرف می زنند، مطلب می نوشتند؟! هر وقت از وضعیت نوشته های شاگردانم و نقایص آنها کاملاً مأیوس می شوم، به سراغ کوره و مربا می روم و درس را با طرح این تکلیف آغاز می کنم: مراحل درست کردن یک لقمه کوره و مربا را بنویسید. بچه ها می پرسند نمره هم دارد؟ ...

بعد از ۱۰ یا ۱۵ دقیقه دستورالعمل هایی را که نوشته اند، جمع می کنم. بچه ها سر جایشان وول می خورند و می خندند و با بغل دستی هایشان بچ بچ می کنند؟ حالا با این تکلیف مسخره چه می کند؟

من خیلی جدی، یک شبیه مربا، یک قالب کوره و یک تکه نان درمی آورم. بچه ها می پرسند: «می خواهید چه کنید؟» می گویم: «می خواهیم یک لقمه کوره و مربا درست کنیم.»

دیگر بچه ها مطمئن شده اند که عقل از سرم پریده و به دفت روی میز هایشان خم می شوند تا ببینند جدا چه می کنم. من به طور تصادفی یکی از نوشته های بچه ها را درمی آورم، و دستورالعمل او را بلند می خوانم و عمل می کنم:

- ۱- کوره را بر می داریم
- ۲- مربا را بر می داریم
- ۳- آنها را روی نان می گذاریم
- ۴- نان را لقمه می کنیم
- ۵- می خوریم.

همان طور که من عیناً طبق دستورالعمل آنها پیش می روم، صدای خنده شان بلند می شود. جزئیاتی را که جا انداخته اند؛ باز کردن قالب کوره، باز کردن در ظرف مربا و... برایشان آشکار می شود. وقتی خنده ها تمام شد، با آنها درباره ی علمی نوشتن و اهمیت چگونه نوشتن در موضوعات علمی در کلاس درس و هر جای دیگر که این بحث ها مطرح می شود، گفت و گو می کنم.

تجربه ی این درس برای بچه ها ماندگار است. آنها فکر می کنند نوشتن مثال درس های دیگر است و اغلب فراموش می کنند که در درس علوم باید چیزی بنویسند.

در حالی که اغلب آنها به خوبی از عهده ی بیان شفاهی خواسته هایشان بر می آیند، اما، کم تر می توانند به وضوح و با دقت منظور و هدف خود را در تکالیف نوشتنی مطرح نمایند. گاهی اوقات، با این که می دانند و می فهمند که چه چیزی از آنها خواسته شده

است، فکر می کنند، سؤال کننده از مقصود آنها اطلاع دارد و نیازی به نوشتن جواب ها نیست.

این فعالیت را می توان تعمیم داد و از آنها خواست دستورالعمل بستن بند کفش، درست کردن هواپیمای کاغذی، باز کردن یک قوطی و یا فعالیت های مشابهی را بنویسند.

من با هزینه ی اندکی که برای این کلاس صرف کردم، موادی تهیه کردم و چندین بار این شیوه را به کار بردم. از آن پس گزارش های آزمایشگاه بچه ها دقیق تر، طولانی تر و با ذکر جزئیات بود. حالا هر وقت بخواهند با پیش فرض هایی از معلومات خواننده، سروته گزارش را هم بیآورند، زیر برگه ی آنها سه حرف کوتاه ولی تأثیر گذار «ن-ک-م» را می نویسم تا «روش نان، کوره و مربا» پادشان نرود.

بی نوشت:

۱. استادبار آموزش علوم دانشگاه ایالتی اوهایو Donna Farland
۲. سه حرف ابتدای: نان و کوره و مربا

منبع:

مجله ی online آموزش علوم (Science scope April/May 2006)

# آموزش علوم با کوره و مربا

دونا فارلند<sup>۱</sup>  
ترجمه ی: شیباملک



# حلوه‌هایی از تمدن ایران در گذر تاریخ

اشاره

تاکنون در مدارس به ویژه دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، در تدریس تاریخ ایران ست بر این بوده است که بعد از شرح جنگ‌های خارجی و کشمکش برای رسیدن به قدرت از زمان مادها تا دوره‌ی معاصر، بیشتر یکی از جلوه‌های فرهنگ مانند ساختن تندیس‌ها و قصرهای سلطنتی، از تخت جمشید گرفته تا قصر گلستان و پاره‌ای از سکه‌های ضرب شده و سایر هنرهای دستی (صفحات ۶۵ و ۶۹ کتاب تاریخ پایه‌ی اول) توسط شاهان مختلف را خیلی خلاصه برای دانش‌آموزان شرح داده‌اند. در صورتی که تمدن یک کشور جلوه‌های گسترده‌تری دارد. آن چه تحت عنوان میراث فرهنگی بیان‌کننده‌ی هویت ملی هر قوم و ملتی است، کلیه‌ی عناصر عینی و ذهنی است که سل اندرسل خط سیر خود را پیموده و بخش‌هایی از آن به ما رسیده است. این عناصر فرهنگی تمدن‌ساز عبارتند از: انواع علوم، فلسفه، هنرها، ست‌ها و روش‌های مختلف زندگی، صنعت، کشاورزی، ادبیات، موسیقی، آموزش و پرورش و... البته پدیدآوردن بناهای بزرگی چون تخت جمشید یا طاق کسری و معبد آناهیتا و... که مبین هنر معماری و مهارت انسان‌های باذوق در دوره‌های مختلف تاریخ بوده، در حور تحسین است. اما به نظر می‌رسد، از جنبه‌های دیگر فرهنگی تا حدی غافل مانده‌ایم. اگر به خاطر محدودیت حجم کتاب‌های درسی تاریخ، نمی‌توانیم تاریخ طب، صنعت، کشاورزی و آموزش و پرورش را برای دانش‌آموزان بازگو کنیم، می‌توانیم از طریق نشریات، اطلاعاتی در اختیار معلمین دوره‌ی راهنمایی و همه‌ی علاقه‌مندان قرار دهیم. از این رو سعی داریم تحولات علم طب، کشاورزی، عرصه‌های مختلف و بالاخره آموزش و پرورش را از زمان‌های دور تا پایان عصر ساسانی مرور نماییم. سپس در مقاله‌های بعدی، به دانشمندان ایرانی مسلطان که در ایجاد تمدن جدید اروپا سرنوشت‌ساز بوده‌اند، اشاره کنیم و به عنوان حسن ختام، جلوه‌هایی از غنای فرهنگی ایرانیان را در بر مایی ساختمان‌های عظیمی چون تاج محل در هندوستان در معرض دید شما خوانندگان فرهیخته قرار دهیم.

طب در ایران باستان

از دوره‌ی اساطیری تا دوره‌ی تاریخی

در داستان‌های اساطیری ایران به ویژه شاهنامه‌ی حکیم فردوسی آمده است که چون رودابه مادر رستم به باردار و زدن فرزندش او دشوار شد، طبق توصیه‌ی سمیع، رودابه با دارویی بیخوش شد و رستم به وسیله‌ی عدل جراحی از پهلویش خارج کردند. در تاریخ روم باستان آمده است که ژولیوس سزار، قبضه روم به وسیله‌ی جراحی متولد شد و او را از پهنوی مادرش به دنیا آورد. از این رو جیورجی در حدود ۱۹۱۰ سال قبل، سزار با این روش به دنیا آمد، از آن زمان تاکنون در تاریخ پزشکی که نه و سله‌ی مورخین اروپایی نوشته شده، نوشته‌ای شده را «سزارین» (casearian) گفته‌اند. در صورتی که چند هزار سال قبل از آن در ایران، رستم، پهلوان ایرانی با این روش زاده شد و در واقع این عمل جزء افتخارات تاریخ طب و جراحی ایران است و شایسته است که آن را ارتسمیه نام بدهد، به سزارین.

ایرانیان باستان بیماری‌ها را آفریده‌ی اهریمن می‌دانسته‌اند. در این رو طبق متون مربوط به اوستا، طبک ایرانی هزاران سال قبل غیر از داروهای گیاهی شفا بخش، از تلقین کلمات و اورادتی که موجب خشنودی «هورامزدا» بود، برای معالجه بیمار استفاده می‌کردند و این همان روشی است که امروز، گفتار درمانی و روان‌درمانی نام گرفته است. در تاریخ اساطیری ایران آمده است که هورامزدا برای فروشاندن هر مرض جداگانه یک ست (گشاه) خلق کرده است. این نظریه در فردیست و بکمه به صورت یک بهیضت عینی در آمده است که «در هر منطقه گیاهانی وجود دارند که می‌توانند در معالجه‌ی بیماری‌های آن منطقه استفاده شوند.

طب ایران از دوره‌ی هخامنشی تا پایان دوره‌ی ساسانی

در دوره‌ی ماد و هخامنشی طب ایران بر سه پایه زیر استوار بود:

۱- ست‌های اوستایی ۲- طب هندی، یونانی

۳- فیلیوزا (Fillozau) خاورشناس فرانسوی که مطالعات وسیعی



گزنفون مورخ یونانی می‌نویسد که در دوره‌ی کوروش، پزشکان زیادی در پارس بودند و انواع معجون‌ها و شربت‌ها و داروها و عصاره‌های مفید را تهیه می‌کردند. چنانچه هر یک از رعایای رنجور به وسیله آن پزشکان معالجه می‌شدند، از طیب معالج قدرانی می‌شد.

### پزشکی ایران در دوره‌ی ساسانی

مدارکی از طبابت در دوره‌ی اشکانی در دست نیست و چون آن‌ها تحت تأثیر تمدن یونان و روم بودند، احتمالاً طبیبان یونانی به ایران می‌آمدند. ولی در دوره‌ی ساسانی با تأسیس دانشکده‌ی جندی شاپور (گندی شاپور) تحول بزرگی در ترویج علم صورت گرفت. این دانشکده در شهر جندی شاپور به فاصله سال‌های (۲۴۱-۲۷۱ میلادی) در زمان شاپور اول ساسانی بنا گردید و ابتدا مرکز نگهداری اسرای رومی بود که در جنگ «الرین» با شاپور اول به اسارت ایرانیان در آمده بودند.

محل دقیق این شهر، مشرق شوش و جنوب شرقی دزفول و شمال غربی شوشتر در محل فعلی دهکده‌ی شاه‌آباد است. این دانشکده مرکز تجمع طبیبان ایرانی، هندی، بیزانسی (روم شرقی) بود و پزشکان بیزانسی اکثراً مسیحی بودند. این دانشگاه زمانی گسترش بیش‌تری یافت که «ژوستی نین» امپراتور بیزانس مدارس آتن و روم شرقی را تعطیل کرد و دانشمندان، پزشکان و فلاسفه آن‌جا به دانشگاه جندی شاپور آمدند.

«ابن قفطی» در «اخبار الحکما» می‌نویسد که نحوه‌ی علاج بیماران در ایران بر طب یونانی و هندی بیزانسی برتری یافت. یکی از رؤسای دانشکده‌ی پزشکی جندی شاپور «برزویه طیب» است که برای تکمیل معلومات خود در زمینه‌ی پزشکی به هند رفت. «ابن مقفع» در کلیله و دمنه شرح زندگی برزویه طیب را به قلم خودش آورده، که خلاصه آن چنین است: «پدر من از لشکریان بود و مادر من از خاندان علمای دین زرتشت. اولین نعمتی که خداوند به من ارزانی داشت، دوستی پدر و مادر بود و شفقت ایشان بر حال من. چون سن من به هفت رسید طبابت را نیز تحصیل کردم تا به آن‌جا که شهرتی یافتم و به معالجه بیماران کوشیدم. پوشیده نماند که علم طب در تمام دنیا نزد همه‌ی خردمندان ستوده است. در کتب طب به نزد اهل خرد آورده‌اند که فاضل‌ترین اطبا آن است که بر علاج مردم از جهت ذخیره آخرت بکوشد من هر جا بیماری یافتم که امید صحت او می‌رفت او را معالجه کردم و در نتیجه‌ی کمک ایزد، درهای روزی بر من گشوده گشت و مواهب بزرگان و فرمانروایان بر من متواتر شد...» در اثر تعالیم برزویه و نصایح او بود که برای طبابت در دوره‌ی ساسانی قواعد و سنت‌های نیکو وضع گردید که در حکم سوگند بقراط و دستورات و قوانین نظام پزشکی در عصر ماست. در آن دوره کسی را بهترین طبیب می‌دانستند که کتاب زیاد خوانده باشد و مریض را به دقت معاینه

در طب دوره‌ی اوستایی انجام داده، می‌گوید: در سنت‌های دوره‌ی اوستایی شفای بیماران از سه طریق میسر می‌شد. یکی آن‌که بهبود با کارد حاصل می‌شد که در اصطلاح امروزی، به آن «جراحی» گویند. دیگر آن‌که بیماران را با گیاهان دارویی معالجه می‌کردند که آن‌را «پزشکی» می‌گفتند و بالاخره مداوا با کلام‌های الهی (سخنان ایزدی) که به وسیله مؤبدان و کاهنان با هدف بالا بردن روحیه‌ی بیمار انجام می‌شد و منجر به نتیجه‌ی نیکو می‌گردید. در سنت‌های باستانی ایران، مؤبدان به مردم توصیه می‌کردند که برای جلوگیری از شیوع بیماری‌ها، آب و خاک را آلوده نسازند و این موضوعی است که در قرن بیست و یکم تحت عنوان حفظ محیط زیست مورد توجه است.

### طب هندی و یونانی در دوره‌ی هخامنشی

در دوره‌ی هخامنشی، طبیبان پارسی به هند می‌رفتند تا با انواع شیوه‌های معالجه‌ی بیماری‌ها آشنا شوند. آن‌هایی که پس از مطالعات زیاد و سفر به هند شایسته‌ی احراز شغل طبابت می‌شدند، از جانب طبیبان پیشکسوت اجازه‌نامه و شهادت‌نامه‌ی شغل پزشکی می‌گرفتند. مردم موظف بودند که اول به یک طبیب پارسی مراجعه نمایند و اگر در محل زندگی آن‌ها طبیب ایرانی نبود به طبیب هندی یا یونانی مراجعه می‌کردند. در دوره‌ی هخامنشی پزشکان هندی و یونانی و حتی مصری به ایران آمدند. آن‌ها در درجه‌ی اول برای معالجه درباریان به پارس می‌آمدند، ولی در مواقعی که فرصت می‌یافتند مردم عادی را نیز معاینه می‌کردند. کوروش هخامنشی یک طبیب مصری را برای معالجه‌ی چشم خود به پارس دعوت کرد. پیچ خوردگی پای دارپوش به کمک «دموکدس» طبیب یونانی معالجه شد. طبیب اردشیر دوم، فردی یونانی به نام «کتزیاس» بود. در آن زمان طب ایرانی از یونانی پیشی گرفت. زیرا جراحان و طبیبان هندی نیز به ایران می‌آمدند و در امر پزشکی به ایرانیان تعلیم می‌دادند. در آثار تاریخی یونانی‌ها فقط نام پزشکان یونانی مقیم ایرانی ثبت شده و بنا به گفته‌ی این‌ندیم در الفهرست، علت آن‌که نامی از طبیبان هندی به میان نیامده، آن است که؛ اسکندر بعد از فتح استخر، مرکز حکومت هخامنشی، همه‌ی مدارک مکتوب را سوخت و دستور داد از علم هر چه کتاب بود به یونانی ترجمه شود و آن‌ها را به آتن و کتابخانه‌ی اسکندریه فرستاد. بی‌جهت نیست که نظامی در اسکندرنامه گوید:

خرندامه‌ها را از لفظ دری به یونان زبان کرد کسوت‌گری

کنند، شریکین سخن و شکیب و مهریاد باشند. والا ترین پرشک و ری بود که با اقی رضای خدا مردم را اغوا کند نماید. و دلگیری آن به یون و حال دنیا کمتر باشد.

پس ترین پرشک کمی بود که جز به همان به چیزی دلگیری نداشته باشد. در کتب منتشره در حدیثی شهبور از سلامت جسم و روح و قلب و جانی و جسمی گفتگو شده است. چهل و هشتم، شهبور است و هر روز را جزو امراض روحی منظور کرده اند و امراض جسمی را نیز نتیجه امراض روحی دانسته اند. در دانشکده‌های حدیثی شهبور در بردن برودت، حرارت رطوبت و امراضی که در نتیجه آن بروز می‌کند، پس اسباب طب بحث‌هایی شده است. در این دانشکده آمیزه‌ای از طب یونانی، ایرانی و هندی به وجود آمده بود. از میان جوانان خوشنوع کسانی مانند جرحی پس خوشنوع استاد طب و رییس دانشکده و بیمارستان حدیثی شهبور بود و بعد فرد دیگری از این خاندان مانند جناب ایل فرزند بخششوع که همه مساجد ایرانی بودند از اعضای هندی دعوت کردند تا به ایران بیایند، تحریکات خود را در حدیثی شهبور تدریس کنند و به دستور آن‌ها کتاب‌هایی را از زبان مساجد بت به فارسی بپذیری ترجمه نمودند. سجد اقدامات آنان بود که سبب پایه‌ریزی علم طب اسلامی در بیت‌الحکمه (خانه دانش) بغداد شد. طب اسلامی ترکیبی بود از عقاید آل بخششوع و آل مسویه که طبیعت ایرانی بودند و عقاید حبسی ارجاییوس، انقراط و حکمای اسکندریه. با توجه به این اصول اسلامی العلم عجلان، علم الادیان و علم الایدان، علم طب به موازات علم دین و خداشناسی پیشرفت می‌کرد و پوشش‌هایی که در بلاد اسلامی تعلیم می‌دیدند دین و وجدان اخلاقی در معالجه‌های بیماران مدنظر قرار می‌دادند.

منابع

- ۱- کلید و ذمه، ترجمه نصرالله منشی به تصحیح محبتی مینوی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۱.
- ۲- پزشکی در ایران باستان، با دداشت‌های استاد پور داود، مدرج در تاریخ اجتماع ایران، نوشته راوندی، جلد اول.
- ۳- مجموعه مقالات اقبال آشتیانی به اهتمام دکتر دبیرسیافی، مدرج در تاریخ اجتماع ایران، نوشته راوندی، جلد اول.
- ۴- تاریخ اجتماع ایران از آغاز تا اسلام مرتضی راوندی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۵.
- ۵- دو جلد کتاب ایران‌شهر، نشر به کمیسیون ملی سازمان بونستکو، تهران، ۱۳۲۲.
- ۶- تاریخ ادبیات ایران از آغاز تا عهد سلجوقی، دکتر ذبیح‌الله صفا جلد اول، تهران، نشر اندیشه، ۱۳۷۳.
- ۷- ایران از آغاز تا اسلام نوشته گرشمن ترجمه محمد معین، نگاه، ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۵.

«خانواده و تعلیم و تربیت نوجوانان» به نظر عنوانی کلیشه‌ای می‌آید که شاید کم‌تر خواننده‌ای را ترغیب به دنبال کردن مطلب بنماید، ولی لطفاً ادامه دهید! در سایت RMLE (پژوهش در آموزش و پرورش دوره‌ی راهنمایی) بخشی وجود دارد تحت عنوان ارتباط ما والدین، که در آن، کارشناسان تعلیم و تربیت به پرسش‌های والدین و معلمان، در زمینه‌ی مسائل نوجوانان ۱۰ تا ۱۴ سال پاسخ می‌دهند. تا قبل از سرکشی به این قسمت، تصورم این بود که هیچ‌جا به اندازه‌ی ما ایرانی‌ها نگران تعلیم و تربیت جوانان خود نیستند. اما با مروری بر تعدادی از پرسش‌ها و پاسخ‌های این سایت، به نظر می‌رسد که باید در این تصور تجدید نظر کرد.

برای مثال، دو عنوان از مباحث مطرح شده را مرور می‌کنیم:

پسرها و کتاب: جفری ویلیامز<sup>۱</sup>

دغدغه‌ی بسیاری از پدر و مادرها این است که چگونه این دو با هم جمع می‌شوند. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد، پسرها تمایل بیشتری از آنچه بزرگسالان گمان می‌کنند، اهل مطالعه هستند و راه‌های مختلفی برای ترغیب بیشتر آن‌ها به کتاب‌خوانی وجود دارد.

ما (جفری ویلیامز و دستیارش) بر روی گروه‌های مختلفی از پسرها، با روش‌های متنوعی در طی یک سال مطالعه کردیم. یافته‌های تحقیق ما نشان می‌دهد که پسرها مطالعه را، خارج از فعالیت‌های مدرسه‌ای یا روش‌های حالت و پیچیده‌ای دنبال می‌کنند، به گونه‌ای که بسیاری از بزرگسالان متوجه آن نمی‌شوند. آن‌ها اغلب در مقابل مطالعه در مدرسه مقاومت می‌کنند.

همه‌ی پسرها، از جمله دانش‌آموزان موفق، اذعان داشتند که با کتاب خواندن در مدرسه حس می‌کنند حجتی بر عرصه‌ی بی‌حکمی یکی از پسرها زیرکانه گفت: «من ترجیح می‌دهم بگردم مطالعه

# آن‌ها هم نگرانند

ترجمه ی: شیبیا ملک

متوجه شدیم که ارتباط با نویسندگان و شخصیت‌ها برای پسرها اهمیت زیادی دارد. بویژه دوست داشتن با کسانی که علائق مشترکی دارند، ارتباط برقرار کنند. مطالعه‌ای که بویژه به ایجاد رابطه با دیگران مثلاً اعضای خانواده کمک می‌کند، برای نوجوانان بسیار ارزشمند تلقی می‌شود.

## پرسش‌ها و پاسخ: ادوارد بریز<sup>۱</sup>

سؤال: دختر ۱۳ ساله‌ی من ساعت ۲/۳۰ بعد از ظهر به خانه می‌رسد و من تا ساعت ۵ سرکار هستم. آیا درست است که در این مدت تنها باشد؟

جواب: نتایج تحقیق در این زمینه بسیار روشن است. هرگاه نوجوانان برای مدت بیش از ۲ ساعت تنها بمانند، دچار مشکل می‌شوند. اگر قرار است نوجوانان زمان طولانی تنها بمانند، باید مرتباً با او تماس تلفنی داشته باشید یا از همسایه‌ها و یا یک دوست خواهش کنید به او سر بزنند. فعالیت‌های فوق برنامه‌ی بعد از مدرسه، فرصه‌ای است برای بروز توانمندی‌های او، او را درگیر چنین فعالیت‌هایی نمایند.

دختران نوجوان آن‌قدر بزرگ هستند که بتوانند گهگاه از کودکان خردسال نگهداری کنند و یا در دبستان‌ها در ساعت بعد از مدرسه (نوبت عصر) به مربیان آموزشی کمک کنند....

کردن کاری ابلهانه است، تا این‌که خودم ابله به نظر برسم! این اظهار نظر، دلیل اصلی مقاومت بچه‌ها در مقابل فعالیت‌های کتاب‌خوانی در مدرسه است.

خارج از مدرسه پسرها متن‌های کوتاه می‌خوانند، مطالبی که با خواندن آن احساس توانمندی و موفقیت می‌کنند. آن‌ها متن‌های الکترونیکی مثل مطالب سایت‌های اینترنتی و یا متون تصویری مانند داستان‌های مصور (Comics) و یا مان‌های مصور (فتورمان) مطالعه می‌کنند. آن‌ها مطالب هیجان‌انگیز و ترسناک و واقعیت‌های عجیب را ترجیح می‌دهند، چرا که به راحتی می‌توانند درباره‌ی آن با دوستانشان صحبت کنند. آن‌ها با متن‌های کلیشه‌ای نظیر ماجراهای پلیسی راحت‌تر کنار می‌آیند؛ چرا که مطلب برایشان آشناست.

## پیشنهادهایی به والدین

والدین باید به خواندنی‌های مورد علاقه‌ی فرزندان خود توجه داشته باشند و آن‌ها را تشویق نمایند. تحقیقات نشان می‌دهد انجام آنچه از عهده‌ی آن برمی‌آید اعتماد به نفس نوجوانان را تقویت می‌کند و آن‌ها را برای چالش‌های بعدی مشتاق‌تر می‌سازد.

پسرها دوست دارند مطالبی درباره‌ی مسائل روزمره‌ی زندگی بخوانند. از جمله مطالب درباره‌ی ورزش، تیم‌های ورزشی، دستگاه‌های برقی منزل، رویدادهای روز و...

والدین باید انواع مختلفی از مجله‌های مناسب ورزشی، کتاب‌هایی درباره‌ی طرز کار وسایل خانگی و داستان‌های مصور فراهم کنند.

با پسرهای نوجوانان در مورد مطالبی که خوانده‌اند، بدون داوری صحبت کنید، آن‌ها برای این گفت‌وگو که به نوعی محک‌زدن مطالعاتشان است، ارزش قائلند.

صحبت کردن راهی برای برقراری ارتباط است. در این تحقیق

بم نوشت:

1. Jeffrey D. Wilhelms
2. Edward Brazee

منبع:

www.nmsd.org



نمونه پرستار: زلاله هوشیار

اشاره

در سال جاری قصد داریم، ضمن معرفی تعدادی از نویسندگان ایرانی و غیر ایرانی، نمونه‌هایی از آثارشان را که به فضای کلاس و مدرسه و روایت‌های حالب و بدیع درباره‌ی هنر معلمی اختصاص داده‌اند، تقدیم خوانندگان گرامی نمایم.

# رستم‌ها و سهراب‌ها

**سپوزمی زریاب**

**به انتخاب: حبیب یوسف‌زاده**

سپوزمی زریاب

خانم زریاب، به سال ۱۳۲۹ هـ ش در شهر کابل، پایتخت افغانستان متولد شد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و دبیرستان، از دانشکده‌ی علوم انسانی دانشگاه کابل، موفق به اخذ دیپلم تدریس زبان فرانسه شد. سپس به فرانسه عزیمت کرد و پس از دریافت فوق لیسانس در رشته ادبیات مدرن<sup>۱</sup> به کشورش بازگشت و مدت‌ها در هنرستان‌ها و مدارس افغانستان به تدریس مشغول بود.

از جمله

- ۱- شریک شریک رنگ‌ها (مجموعه داستان کوتاه، کابل، ۱۳۶۲)
- ۲- دشت قایل (مجموعه داستان کوتاه، کابل ۱۳۶۷) این مجموعه به زبان فرانسوی ترجمه و در پاریس به چاپ رسیده است
- ۳- در کشوری دیگر ارمان، کابل، ۱۳۶۷)

وی از زمان دانش آموزی به نوشتن داستان روی آورد و داستان‌های خود را با نام سپوزمی زریفوف - که نامی آشنا برای دوستداران آثارش است - در مطبوعات به چاپ می‌سپرد. پس از ازدواج با نویسنده‌ی نامی کشور افغانستان، زهنورد زریاب، داستان‌هایش را با امضاء سپوزمی زریاب منتشر می‌کند. از این نویسنده‌ی نااستعداد، کتاب‌های مختلفی به چاپ رسیده است.



شبی از شب های امتحان سالانه بود. ورق اصلاح می کردم. برق نداشتیم. چراغ تیلی کنارم دود می کرد. بوی غذا و بوی تیل در اتاق پیچیده بود، می دانستم که به زودی این بوی سرددم می سازد.

هر شب که برق نمی بود و چراغ تیلی را روشن می کردم، سرددم می شدم و وقتی می گفتم که سرم را درد گرفته، کسان دور و پیشم این سرددی را باور نمی کردند و آن را به نازدانه بودن من حمل می کردند.

من هم برای این که از این سرزنش به دور باشم، رفتم آشپزخانه، مخفیانه اسپرینی را در دهانم گذاشتم و سرش نیم گیلان آب نوشیدم. دوباره آمدم روی دو زانو نشستم و اصلاح کردن ورق ها را از سر گرفتم. من معلم دری استم.

دلم از جواب های شاگردانم خون بود. هر ورقی را که اصلاح می کردم، می دیدم که نتیجه یک سال کارم به یک صفر تقرب کرده است، دلم فشرده می شد.

یکی از سوالاتم این بود:  
«معروف ترین قصه ی حماسی شهنامه کدام است.»

یکی شان نوشته بود تیلی و منجنون، دیگری نوشته بود: شیرین و فرهاد، دیگری نوشته بود: خسرو و شیرین، یکی دیگر نوشته بود ویس و رامین و یکی دیگر هم سیاه موی و جلالی را از آخرین کارهای پیرطوس قلمداد کرده بود و شاید هم او را زیر خروارها خاک بعد از سال ها و قرن ها به لرزه آورده بود و در مورد کارهای خودش به شک انداخته بودش. این کار هم از هرکس و ناکس بر نمی آید، جز از شاگردان خیره ی من که نام و نشان تمام عشاق را از بر می دانند.

من هم زیر هر یک از این جواب ها، صفری باص کلان و کینه نوزانه می نوشتم و دلم را خالی می کردم.

چراغ تیلی کنار من همچنان دود می کرد و من عصبانی از خودم، می پرسیدم که چطور شده است که حداقل یکی از شاگردانم به

### این داستان،

**اشاره ای لطیف و هنرمندانه دارد به حالات روحی یک معلم و دغدغه ها و حسرت هایی که بر دل دارد. نویسنده، با ذوقی ستودنی توانسته است، اوضاع اجتماعی و جنگ های داخلی افغانستان و هجوم بیگانگان را به داستان رستم و سهراب شاهنامه پیوند بزند و مظلومیت جامعه ی خویش را به تصویر بکشد.**

**فهرست کلمه های دشوار در پایان آمده است.**

معلمان نشسته بودیم و معلمان هم گوش اندر گوش کنار هم نشسته بودند و ارزش و اهمیت مضامین که تدریس می کردند یکبارگی به نظرشان عظیم شده بود و ورق های امتحان سالانه را با جدیت بررسی می کردند، مخفیانه به همه شان یکی پشت دیگر چشم دوختم.

معلم علوم دینی با چادر سفید و رنگ پریده اش همان طور که ورق های امتحان را اصلاح می کرد، سرش را با یاس تکان می داد و چادرش با آن یکجا تکان می خورد. زیر لبش چیزی می خواند شاید هم به خاطر آن همه اشتباه که شاگردانش در مورد خدا مرتکب شده بودند از او طلب آموزش می کرد.

معلم جغرافیا که از همه خسته تر می نمود، خودش را بین خطوط کج و معوج نقشه ها گم کرده بود. زن سیاه چهره ای بود.

به نظرم آدمی می آمد که پوستش را آفتاب سوخته و با وجود پودری که به رویش می مالید، باز هم این سیاهی و سوختگی نمایان بود. به نظرم می آمد که معلم جغرافیا تمام این سرزمینهایی را که شاگردان، سرحدات آن ها را به دلخواه خودشان بی هیچ جنگ و جدل و خون ریزی تغییر داده بودند و سخاوتمندانه بخشی از یک سرزمین را به سرزمین دیگر بذل کرده بودند، با پای پیاده طی کرده است.

معلم تاریخ که زن چاقی بود، همیشه شکایت می کرد که هیچ نمی خورد؛ اما بسیار چاق می شود. قیافه ی عجیبی داشت؛ هیچ چیز در آن قیافه خواننده نمی شد. شاید تدریس درباره ی آن همه کشتار تاریخ از آتیلا تا نرون، از نرون تا چنگیز از چنگیز تا جهانسوز از جهانسوز تا زندان های نازی و از زندان های نازی تا شکنجه گاه های امروزی سنگدلش ساخته بود و شاید هم به خاطر فراموش کردن آن همه کشتار به خوردن و آشامیدن رو آورده بود. بی تفاوت همان طور که در بالاپوش سیاهی که روی شان هایش انداخته بود و هر چند لحظه بعد جلفوزه یی<sup>۵</sup> را از جیبش می کشید با وسواس پوست

خاطر تسلی خاطر من نوشته که «رستم و سهراب». بعد در دلم گفتم که شاید آموختن نام و نشان این همه عشاق عالم، هر چه حماسه بوده از ذهن شاگردان من زدوده.

جدول نمره ها با خط کشی های افقی و عمودی و خانه های کوچک و مربع شکلش دلم را تنگ می ساخت. ورق ها را گذاشتم و با احتیاط شروع کردم که نمره هایم را در جدول برسانم. ماشین حساب کوچکم را که وقتی یک دوستم دیده بود که بین اعداد مذبحخانه تقلا می کنم و هیچ عملیه ی حسابی را با صحت به آخر نمی رسانم، به من هدیه داده بود، گرفتم، نگاه مهربان دوستم زیر نظرم لرزید و ۱۵ تقریری<sup>۱</sup> را جمع ۱۱ تحریری<sup>۲</sup> می کردم و بر آن ۹ کارخانگی را می افزودم و حاصل آن ها را ۴۵ می یافتم. ۴۵ به نظرم زیاد می آمد، شاید اشتباهی روی عددی می فشردم، نمی فهمیدم. اعتمادم از ماشین کوچکم سلب می شد و با وسواس بیشتر از انگشتانم مدد می گرفتم و در دل از سرزنش مسؤول بخش نمره ها می ترسیدم. بادم آمد که روز پیشتر وقتی در مکتب<sup>۳</sup> در اتاق

می‌گردد، در ذهنش می‌گذشت و پوستش را  
بازی حیاتی برپایش می‌انداخت. با قلم  
سرخ زیر جواب‌های سؤال‌هایش اعدادی  
می‌نوشت. شمرداتی می‌داد و سرپوشه  
تاریخ آینده را تعیین می‌کرد.

معلم ریاضی، زن مدخلقی بود و شاید  
همه بصر او، دست و پا زدن میان اعداد  
خسته‌اش کرده بود و آن همه عملیه‌های  
حسابی سرگشته‌اش ساخته بود. جواب  
سؤال‌ها را نیز بر روی کاغذ دیگری می‌نویس  
می‌کرد. یک‌ساز معلم دردی که زن شده و  
خندان بود و چون هر روز ده‌بار شعرهای  
زیبای دردی را می‌خواند و چون از سخت  
حوشش شاگردانش یاد می‌گرفتند و بار هم  
اشعار را تکرار می‌کرد و لذت می‌برد و این  
طور خواندن شعرهای زیادی دردی همیشه  
سرحال نگاهش می‌داشت، قافیه‌خندید.

همه سرها بلند شد. معلم حقرافیا  
دوشش<sup>۱</sup>، از سرزمین‌های بی‌سروحد و  
حدود نفس زانل متوقف ساخت و معلم  
تاریخ از میان آن همه خون که در تاریخ ریخته  
بود راهی برای خود باز کرد و ایستاد. معلم  
ریاضی عملیه‌ها و میزان‌ها را نیمه‌کاره  
گذاشت. سرش را بلند کرد و متوجه معلم  
دردی شد.

معلم دردی همان‌طور که می‌خندید گفت:  
- اول سؤال را می‌خوانم و بعد جواب را  
نشانان می‌دهم.

سؤال را خواند:

- در ردی عنصری چه می‌دانید؟

و شاگردش هم هر چه به ذهن عاجزش  
فشار آورده بود، چیزی حرفه‌ای عنصری  
که خدا می‌داند در کدامین یک از دویابهایش  
تحلی کرده بود، چیزی به ذهنش نیامده بود.  
قلم را گرفته و چهره‌ی عنصری را نقاشی  
کرده بود:

مردی با دستار بزرگ، چشمان کوچک،  
بیبی که تنها به دو نقطه تقلیل یافته بود و یک  
ذهن کجی که شاید عنصری گاهی برای  
خواندن اشعارش از آن استفاده می‌کرد.

شاگرد کنار شیشه‌ی تصویر خوشه بود  
عنصری، و عنصری هم چشم‌هایش را شاید  
از حجابت به زیر انداخته بود.

معلم دردی همچنان قافیه می‌خساید،  
ورق امتحان را - تصویر پیرمرد حجل که  
بسیار هم ناشیانه کشیده شده بود، به  
همگی مانده نگاه می‌داد.

د هشت اذنه‌ی اذنی معلم‌مان از خنده  
می‌لرزید، معلم بی‌ذهن و زبانی در آمد و نا  
تواضع بی‌جا و بی‌سبب از حجاب جدول  
شمردهایش را به مسئول بخش، که در  
چوکی نشسته بود و نمی‌دانم چرا همه را  
زیر چشمی می‌دید، داد و در گوشه‌ی بی  
نش.

مسئول بخش، عینک‌هایش را از  
دستگول<sup>۲</sup> کشید، و شروع کرد به سبک و  
سنگین کردن اعداد جدول. یک‌بار یا او زیر  
صدای کرد.

- معلم جمع ۳۵ و ۱۴ چند می‌شود؟  
۴۴۹ یا

رنگ از رخ معلم بی‌ذهن و زبان پرند و  
به تنه پنه‌فتاد. همه به حتی این که گوید  
که شاید ۹ از حجاب خوشه، لانه‌ی شهابت  
پیدا کرده و او زرتیران و تقصیر آمیزی گفت:  
- همه‌ی جدول‌ها را در شش با چراغ تیلی  
پاکتویس کرده‌ام.

مسئول بخش هم پیروزمندانه گفت:  
- همه با چراغ تیلی کار می‌کنند.

معلم بی‌ذهن و زبان مثل این که محراب  
شد. یک‌ساز همه‌ی خون بدانش سوزی  
چهره‌اش دوید، سرش را پایین کرد و چیزی  
نگفت.

از همان لحظه، هر وقتی که کنار چراغ  
تیلی می‌نشست، با وسواس و تردیدی بیشتر  
اعداد را در جدول برده‌ها می‌رساند تا مانند  
آن معلم بی‌ذهن و زبان همه‌ی خون بدانه  
سوی چهره‌ام برود و سره را پایین نیندازم.

همان‌طور که در میان اعداد ماشین  
کوچک حسرت و انگشتنه‌ی دست و پامی زده  
دختر چهار ساله‌ام دویده آمد، ورقی را که از

میان ورق‌های اصلی امتحان بالا رفته بود،  
در دست داشت. با عجله گفت:

- مادر عکس را کشیده‌ام. می‌بینی!  
من هم با همان گنجک‌هایی که نشر در  
قضاوت دیگران در مورد خودش به در شد  
دیگران در راه‌های خودش دارد، ماشین  
کوچک حسرت و جدول شمرد‌ها را کنار  
گذاشته، چراغ تیلی را زدیگ آورده، سره  
را بالا کرده تا تصویر بی‌انگه دجسرها را من  
کشیده بود بیست.

دخترم با نوک یاریک خود کز چیز زیادی  
نکشیده بود جز یک سرورگه. در قسمتی  
که قاعدتاً باید پیشی جا داشته باشد، دو  
چشم حیرت‌زده کشیده بود. امروز نداشته یک  
خط لرزان و عمودی که گویا بی‌من بود و  
یک نقطه‌ی نامرئی که شاید دهان بود. یک  
خط عمودی و لرزان به قطر نوک خود کنار،  
سره را به تنه‌ی کوچکم پیوسته بود.

تنام نسبت به سره بسیار کوچک بود.  
بعد از بیخ گردنه دو خط فوسی پانس آمده  
بود و در دو طرف، در جوانی که در حبابی  
فور رفته بود از زیر دامنه دو خط دیگر به  
قطر نوک خود کز بیرون شده بود که گویا  
بهریم بود.

گوش اصلاً نداشته. شاید هم دجسره  
می‌دانست که بدون گوش راحت‌تر می‌شود  
زیست، این لطف را در حق من کرده بود و  
برایم گوش نکشیده بود.

در دلم وحشت کردم. به نظرم آمد که  
شاید دخترم مرا در همین قیافه می‌بیند، اما  
چیزی نگفتم. خندیده دخترم برای این که  
توضیح بیشتری درباره‌ی اثرش داده باشد،  
گفت:

- در جیب هدایت شیرینی است  
دست‌هایت در جیب‌هایت است که برای ما  
شیرینی بدهی.

شیرینی‌ها را تنها دخترم دیده‌ام. تو نسبت  
از این که دخترم حتی در لزش به من استغ  
شیرینی داشت، در در خوشحال شده  
توضیحات دخترم هنوز که مثلاً به پایت

نرسیده بود که دختر کوچک ترم آمد، تصویر را از دستش فایده و گریخت. فریاد دختر چهار ساله ام بلند شد و بعد در انتهای تاریک اتاق به هم افتادند و با مشت و لگد به یکدیگر حمله کردند. تصویر از وسط پاره شد. هر دوی شان می گریستند و همدیگر شان را با کینه ی لجام گسیخته یی می زدند. از جایم برخاستم، از هم جدایشان کردم و گفتم: - آدم کسی را نمی زند، خردکلان را نمی زند، کلان خرد را نمی زند. هیچ کس، هیچ کس را نمی زند.

و از همان نصایح که همه ی مادران عالم از بدو خلقت به گوش فرزندان شان می خوانند، به گوششان خواندم و می دانستم که این نصایح هیچ وقت، هیچ جایی را نمی گیرد و فرزندان تا وقتی کوچک اند با مشت و لگد به جان هم می افتند و چون بزرگ شوند، با گلوله و خنجر و از همین است که فرزندان ناخف آدم زمین خدا را همیشه باز بچه ی جنگ و ستیز خود می سازند و دامن پاکش را با خون همدیگرشان می آلاینند.

دختر کوچک ترم، همچنان از حلقومش فریاد می زد، بغلش کردم. سرش را به سینه ام فشردم، اشک هایش را با دامنم پاک کردم و گفتمش که وقتی برق آمد، موتورکی<sup>۱</sup> برایش می دهم تا در دهلیز به تنهایی بازی کند و از این وعده ها زیاد.

دختر چهارساله ام در کنج تاریک اتاق ایستاده بود و حق حق می کرد و با پشت دست چشمانش را می شقید<sup>۲</sup>، با مهربانی گفتمش: - بس کن.

به اندوه هنرمند راستینی که قدر اثرش را کسی نمی داند، کسی ارجی نمی گذارد. گریه آلود گفت:

- دیدی که رسمم را پاره کرد... دیدی؟ دردش را درک کردم. نمی دانستم چگونه تسلیش بدهم، با این همه گفتم:

- همین حالا دوباره سرمش<sup>۳</sup> می کنم، چراغ تیلی را گرفتم و رفتم به اتاق دیگر، روک های<sup>۴</sup> الماری<sup>۵</sup> را باز کردم و در

جستجوی تیوب سرش دستم را داخل روک کردم. هر چه فطی<sup>۶</sup> و بوتل<sup>۷</sup> در روک بود نادیده لمس کردم تا تیوب سرش به دستم خورد. گرفتمش و آمدم.

هر دو، من و دخترم اثر را با احتیاط و تأمل ترمیم کنندگان آثار عتیقه سرش کردیم و روی ناق ارسی گذاشتیم تا خشک شود.

دختر چهار ساله ام هنوز حق حق می کرد و وقتی پی برد که من به هر قیمتی باشد حاضرم آرامش کنم، ضربه کاریش را زد و گفت:

- یک افسانه نو می گویی؟

گفتم:

- ها، می گویم.

و در ذهنم به کاوش پرداختم. دیگر افسانه نو در ذهنم نمانده بود. همه ی افسانه ها را گفته بودم و افسانه های دیگری هم خودم حق و ناحق ساخته بودم. دیگر چیزی باقی نمانده بود.

در حالی که دخترم را در کنار دیگرم که ورق ها و جدول های نمره ها نبود، روی دوشک می نشاندم، تمام آنچه را در ذهن داشتم بررسی کردم. افسانه ی نو نداشتم. یک بار اندیشه یی مانند برق در ذهنم جهید. با خود گفتم حالا که شاگردانم به پرسش من پاسخ نداده اند، خودم می دهم و حماسه ی پیرطوس را، رستم و سهراب را خودم برای دخترم می گویم.

دختر کوچک ترم وعده ی مرا و آمدن برق را و گرفتن موتورک را فراموش کرد و با پاهای کوتاهش دویده آمد رویه رویم چهارزانو نشست و به یکبارگی به حجم بسیار کوچک و دل انگیزی تبدیل شد. حجم کوچک و دل انگیز دلم را لرزاند. با چشمان گردگرد و سیاهش که روشنی چراغ تیلی را همراه با شیطنتی منعکس می کرد، سویم دید و چون تازه سر زبان آمده بود، به سختی گفتم:

- به مام اوشانه<sup>۸</sup> بگو.

گفتم:

- خوب.

و شروع کردم به قصه ی رستم و سهراب.

همان طوری که قصه می گفتم، به نظرم

می آمد که از آن اتاق تنگ و تاریک که چراغ تیلی ما مذبوحانه تلاش می کرد، گوشه و کنارش را روشن کند و از آن فضای آمیخته با

بوی نئوع آور تیل بیرون می رویم و راهی دشت های سرسبز و زیبای سمنگان می شویم. از پشت رستم می دویم و آواز

تاپ تاپ سم های رخس با تپه های زمردین و عطر آگین سمنگان دل های ما را می لرزاند.

زیبایی تهمینه چشم های ما را خیره می سازد و باز تهمینه را می بینم که گران ترین پیشکش بشر، عشقش را به پای رستم می ریزد. نسیم

تپه های سمنگان گیسوان ما را می نوازد. باز رستم را می بینم که می خواهد از سمنگان

برود و آرامش را در گوشه ی دیگری از خاک خدا، بین فرزندان بی قرار آدم، برقرار سازد.

سهراب نوزاد، عاطفه ی شیرین مادری و برادری را در ما برمی انگیزد. برق بازوبندی

چشمان ما را خیره می سازد. گذشت سال ها و سال ها را در دو لحظه فشرده می سازیم.

سهراب را جوان و آراسته می یابیم. پرهیز و وفای تهمینه را با تحسین و اعجاب می بینم و بعد هم قهقهه افراسیاب، دشت های

سرسبز سمنگان را به نظرمان مکدر می سازد. آسمان صاف و آبی سمنگان را به نظرمان ابرآلود و سیاه می سازد. افراسیاب

را می بینیم که به تخت طلایش با نخوت تکیه زده و و پیاله های ده منی را در حلقش سرازیر می کند و به ساده دلی رستم پیر می خندد و

پسرش سهراب جوان را قربانیش تعیین می کند. دل دختر چهار ساله ام می سوزد،

می ترسد مبادا افراسیاب برنده شود. پره های بینی اش می لرزد و کناره های جزیره ی چشمانش را آرام آرام آب می گیرد.

دختر کوچکم بی خیال به عشق و پرهیز تهمینه، به وظیفه ی خطیر رستم و به توطئه نامردانه ی افراسیاب با انگشتان کوچک پاهایش بازی می کند و نمی داند که از آن انگشتان کوچک و گوشه تالود چه گناهی سر

زده بوده که با کف دست کوچکش به آن‌ها می‌زند و می‌گوید:

می‌زنمان گمشو... می‌زنمان گمشو.

و تهدید و دشنام را که گویی جزء لاینفک زندگیست خواهد بود. از حالا با انگشت کوچک و گومتانود پاهایش نوبین می‌کند.

در چشمان دختر چهار ساله ام می‌دیدم که همه‌ی جهان را فراموش کرده، همه‌ی ذهنش متوجه‌ی دهان من است تا چه سروبوشی برای رستم و چه سروبوشی برای سهراب تعیین می‌کند.

دلهره در چشمانش خنابه کرده بود. می‌ترسید مادامه راستی رستم پرش را بکشد، می‌ترسید مادامه راستی تهمینه در سوگه پرش دو دستی به سرش براند و مویه کند. من که پایان قصه را می‌دانستم، بی‌حیا بودم.

می‌دانستم که افراسیاب برنده می‌شود. وقتی به آن‌جا رسیدیم که رستم پشت عرق آلود سهراب را به زمین می‌سایند و خنجرش را به سینه حواش جانی می‌دهند، دختر چهار ساله ام همه‌ی تحسین آمیخته به یک نوع محبت را که تا آن لحظه در دلش برای رستم جمع کرده بود، با یک دشنام به رستم بیرون ریخت و گفت:

«بچه‌ی خود را کشت! مثل آدمکش! قاتل!»

این کلمه‌ی آخر به دهی دخترم کلاسی می‌کرد. نمی‌دانستم این کلمه را از کجا آموخته بود. ولی گویا این کلمات حالا جزو کلمات روزمره مان شده است. شاید هم دختر چهار ساله ام در کودستان یا دوستان کوچکش به شلف و تفسیر این کلمه نائل آمده بود. نمی‌دانم. این را گفت و بغضش ترکید. سر کوچکش را روی زانوسم گذاشت. موهایش را نوازش کردم.

عجیب بود. مثل این که این کلمه‌ی دخترم نکته‌ی تاریکی را در بازه‌ی رستم برابم روشن ساخت و برای بار اول، رستم را به نظرم از آن بالا و بالاها تا سطح یک قاتل عادی پایین آورد.

رستم سقوط کرد و از همان لحظه، تازه هم برای بار اول، یک قاتل به نظرم بی‌گناه آمد:

یک بار دخترم همان‌طور که همه‌ی کینه‌اش را نسبت به رستم در جوده میرا کش ساخته بود، سرش را بلند کرد و گفت:

«کاش که رستم را پیدا کنیم نگاهتکاش کنیم... نگاهتکاش کنیم»

این کلمات آخری را با صدای هشی به هم فشرده‌ی ادا کرد. دخترم را می‌شناختم؛ این نوع کینه‌اش بود. شانزدهم برای بار اول لذت شوم انتقام و سوسه‌اش گرفته بود. در حالی که ناظر چشم بر حق دخترم بودم، از خود پرسیدم:

«رستم را نگاهتکاش کنیم یا افراسیاب را؟ رستم را یا افراسیاب را؟»

دلم گرفت. به یاد آمد که تا افراسیاب‌ها بتوانند به بخت‌های طلالی شان تکیه براند و پیاله‌های ده‌می به سلامتی همدیگر در خلق شان سرایز کنند، باید رستم‌های قاتل و بی‌گناه اگر هم باز و بندهای پسران شان را ببینند، آن‌ها را سادیده انگارند و سهراب‌هایشان را به شهادت برسانند و بعد با باری از حرمان و حسرت، عیش سهراب‌های شهیدشان را به دهش کشند و از شمال تا جنوب و از جنوب تا شمال، قذیل و بر سرگردان باشند. و در تهمینه‌های پرهیزگاران آخر عمر، موهای سپید و چادرهای سیاه، بازوسد در دست بین رستم‌های قاتل و سهراب‌های شهید به آه و حسرت به عظیم برین و دشوارترین فناوری بشینند.

رستم‌هایشان قاتل، سهراب‌هایشان شهید. هر زده دختره، یکیش همان‌طور که تهدید و دشنام را ادا انگشتن کوچک پاهایش تمرین می‌کرد و دیگری همان‌طور که مرگ آدمی دلش را به درد آورده بود، روی قاتلین به خواب رفته بودند.

چراغ سیمس هم‌چنان می‌سوخت و مذبوحانه تلالش می‌کرد تا نج و کنار تاریک اتفاق را روشن کند. جدول نمره‌هایم نسبه کاره مانده بود.

میل سوزان گریس در من صدا شده بود. سرزنش بخش جدول نمره‌ها را از یاد بردم. وزق‌ها را به ساعت جمع کردم و در

خریطه‌ی بالاستیکی اداختم. به نظرم آمد که شاید شاگردانه عیداً حواصه اندازد و سنگین افراسیاب را از شهبان حذف کند و شاید هم برای دشمنی حواصه‌ها و بی‌فحاشی من به وسایل عشق‌عاشق را موجه‌اند و نوشته‌اند. تصمیم گرفتم. قوت در قسمت سهراب‌هایش بود. قسمت سهراب‌هایش نجات‌بخش بود.

از حبابه برخاستم. دختر هانیم، ایکنی بعد دیگری در سهرای شاد نداخته است. کنار خود در آنها حسرت زده

چراغ سیمی هم‌چنان در دهی زده می‌سوزان به گریست را به صورت قطع سحری در لپهای حوضه احساس کردم.

توق را در فرود جمع کردم. میانه ام روی دیوار از من تکان می‌کرد.

یک بار مثل آدم‌های دست به جود شروع به گپ‌زدن کردم و گفتم:

«تهمینه! سهراب‌هایشان قاتل، سهراب‌هایشان شهید. در سوگه کاره‌هایشان بگیریم؟ ها؟»

«کلمه‌های دشوار»

- ۱- چراغ تیلی چراغ سیمی
- ۲- تقدیری شفاغی
- ۳- تحریری کنی
- ۴- مکتب مدرسه
- ۵- چله‌بوزه: چغور محبت چهل‌بوزه، نوعی نقلات؟
- ۶- دوش: دویدن، پرسم زدن
- ۷- چوش: صحنی
- ۸- دستکول: کیف دستی
- ۹- موزیک: ماشین اسباب‌بازی
- ۱۰- می‌شفید: مانند
- ۱۱- سرش چست
- ۱۲- دروک: کشو
- ۱۳- المار: کمد
- ۱۴- قطی: جمع
- ۱۵- بویل: بفری
- ۱۶- اوشته: اومه (به زبان کودخانه)
- ۱۷- خریطه: کبسه



# ایجاد انگیزه آغاز یادگیری

بهروز نصیری

حد اثرش را از دست می‌دهد و از خاصیت تقویت‌کنندگی آن کاسته می‌شود. علاوه بر تشویق‌های کلامی تشویق‌های کتبی در دفترچه و ورقه آزمون و... بر یادگیری اثر مثبت دارد.

۶- هنگام آموزش مطالب تازه، از مثال‌های آشنا استفاده کنید و هنگام کاربرد مطالب آموخته شده، از موقعیت‌های تازه استفاده نمایید. استفاده از مثال‌های ملموس و آشنا در هنگام آموزش، موجب سرعت یادگیری و افزایش سطح علاقمندی دانش‌آموزان می‌شود.

۷- از روش‌های مختلف آموزش در یادگیری دانش‌آموزان استفاده کنید. استفاده از بازی‌های آموزشی، بحث گروهی، داستان‌گویی، نمایش، پرسش و پاسخ و... می‌تواند دانش‌آموزان را به نحو مطلوبی در فرایند یادگیری شرکت دهد و انگیزه‌ی آنان را تقویت کند.

۸- از عواملی که موجب دلسردی دانش‌آموزان می‌شود خودداری کنیم. عوامل مختلفی می‌تواند منشأ دلسردی باشد، از جمله: اعتماد به نفس در نتیجه ناکامی در حل مسائل - گرفتن نمره کم به خاطر ندریس نامناسب معلم - بی‌توجهی به کوشش‌های دانش‌آموزان - مجبور ساختن دانش‌آموزان به رقابت با کسانی که از او تواناترند - مجبور ساختن دانش‌آموزان به ساکت و آرام نشستن در کلاس و گوش دادن به سخنرانی‌های معلم و...

۹- به دانش‌آموزان تکالیفی ارائه دهید که نه خیلی ساده و نه خیلی دشوار باشند. در نظر گرفتن سوالات و تکالیف در حد و توان دانش‌آموزان و پاسخ مناسب از طرف آنان، می‌تواند احساس موفقیت و حرکت و پویایی را در آن‌ها تداوم بخشد.

۱۰- از ایجاد رقابت و هم‌چشمی در بین دانش‌آموزان خودداری کنیم. رقابت عمدتاً به موفقیت در معدودی از دانش‌آموزان و شکست اکثریت آن‌ها منجر می‌شود. بهتر این است که معلم پس از طرح سؤال خود از دانش‌آموزان معین استفاده نماید و سپس سایر تقویت‌ها را در مورد آن‌ها بکار گیرد.

انگیزش یا تحریک از عوامل اصلی یادگیری به شمار می‌روند.

روش‌های ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان

۱- ابتدا باید سعی کنیم در دانش‌آموزان ایجاد نیاز کنیم، زیرا تا نیاز - که یکی از اساسی‌ترین محورهای سازگاری خود با محیط محسوب می‌گردد - بوجود نیاید، هیچ حرکتی صورت نمی‌پذیرد، همچون ایجاد حس تشنگی برای حرکت به سوی نوشیدن آب.

۲- آنچه را که از یادگیرندگان انتظار داریم در آغاز درس به آن‌ها بگوییم. پژوهش‌های انجام شده نشان داده‌اند، موفقیت یادگیرندگانی که از هدف‌های درسی و آموزشی مطلع نمی‌شوند، کمتر از یادگیرندگانی است که معلم پیش از آغاز درس دقیقاً به آن‌ها می‌گوید که چه انتظاراتی دارد.

۳- از خاصیت انگیزشی مطالب استفاده کنیم.

معمولاً استفاده از محرک‌های تازه، تعجب برانگیز و پرمعنی، سطح برانگیزندگی را افزایش می‌دهد و سبب تحریک حس کنجکاوی یادگیرنده می‌شود. می‌توان با ارائه‌ی مسائل و مطالبی که از این ویژگی‌ها برخوردارند، در یادگیرندگان ایجاد انگیزه نمود. البته مسائل و مطالب ارائه شده نباید فراتر از حد توانایی دانش‌آموزان باشد زیرا ممکن است به احساس شکست و ناکامی منجر شود.

۴- مطالب از ساده به دشوار ارائه شود.

این روند موجب می‌شود، یادگیرندگان در فرآیند یادگیری مطالب ساده به اندازه‌ی کافی موفقیت به دست آورند و این کسب موفقیت اولیه انگیزه‌ی آنان را برای یادگیری بیشتر افزایش می‌دهد.

۵- در شرایط مناسب از تشویق‌های کلامی استفاده شود.

به کار بردن عبارات‌هایی چون «خوب»، «عالی»، «مرحبا» پس از عملکرد درست دانش‌آموز، از تدابیر مؤثر انگیزش است. مؤثرترین تشویق آن است که با رفتار و عملکرد درست دانش‌آموزان مرتبط باشد و میزان آن باید حساب شده باشد. زیرا تشویق بیش از

# معلمان ریاضی می پرسند؟

عملیات عددی صحیح

خسرو داودی

اشاره

طی ۹ شماره‌ی سال گذشته به بخشی از سئوال‌ها و ابهامات معلمان ریاضی پاسخ داده شد. در سال جاری نیز به تعداد دیگری از سئوال‌های مشترک که حاصل نشست‌های مختلف با معلمان محترم ریاضی دوره‌ی راهنمایی است خواهیم پرداخت.

۲۱- آیا با وجود تدریس مفاهیم مربوط به عددی صحیح در کتاب اول راهنمایی و تدریس جمع و تفریق، لازم است این درس‌ها در سال‌های دوم و سوم راهنمایی نیز تکرار شوند؟ (البته موارد دیگری نیز وجود دارد مثل درس توان، مختصات بردار انتقال و...)

■ در خصوص تدوین و سازماندهی کتاب‌های درس ریاضی دو نگرش کلی و متفاوت وجود دارد. در نگاه اول در هر پایه‌ی تحصیلی به تعداد کمی از مفاهیم، ولی با عمق زیاد پرداخته می‌شود. در نگاه دوم، مفاهیم بیشتر و با عمق کم در یک پایه‌ی تحصیلی گنجانده می‌شود، نه در سال‌های بعد به صورت یک حرکت جلزوس. تکمیل شوند و توسعه یابند.

هر کدام از این روش‌ها مزایا و معایبی دارد. برای مثال، در شیوه‌ی اول چون تعداد مفاهیم و موضوعات کمتر است، معلم و دانش‌آموز فرصت بیشتری دارند تا در مورد یک موضوع کار کنند. اما اشکال این روش در احتمال فراموشی مطالب و نبودن فرصت برای به یاد آوردن و تکمیل آن در سال‌های بعد است. در این حال اگر دانش‌آموز یکی از درس‌ها را یاد نگیرد، فرصتی برای جبران نخواهد داشت.

در روش دوم اشکال این است که تعداد موضوعات زیاد است و فرصت کمی برای پرداختن به آن‌ها وجود ندارد، اما حسن آن در نظر گرفتن زمان‌هایی برای جبران و توسعه‌ی تدریجی مفاهیم است.

به نظر می‌رسد کتاب‌های درسی فعلی ریاضیات دوره‌ی ابتدایی و



راهنمایی مبتنی بر روش دوم هستند. به همین دلیل تعدادی از مفاهیم در سال‌های بعد تکمیل می‌شود. از طرف دیگر مؤلفان کتاب‌ها (قبل از بازسازی کتاب‌های ریاضی) معتقد بودند، تدریس یک مفهوم ریاضی شامل ۴ مرحله است؛ آموزش مفاهیم، روش‌ها، کسب مهارت در انجام روش‌ها و در نهایت کاربرد آن مفهوم، در قالب مسأله و یا شکل‌های دیگر. در این رویکرد آموزشی مفاهیم عدد صحیح در جمع و تفریق و همچنین بیان روش‌ها در کلاس اول راهنمایی عنوان شده و در سال‌های دوم به کسب مهارت در کاربردها پرداخته شده است. به هر حال در پاسخ به سؤال مطرح شده می‌توان گفت: معلمان کلاس‌های دوم و سوم در ابتدای این درس‌ها می‌توانند وضعیت کلاس خود را ارزیابی کنند. دو حالت وجود دارد: یا عموم دانش‌آموزان مفاهیم و روش‌های درس عدد صحیح را یاد گرفته‌اند و یا با مشکل و ابهام مواجه هستند. در حالت اول نیازی به وقت‌گذاری زیاد نیست و معلم می‌تواند با سرعت بیشتری از تدریس آن قسمت عبور کند. اما اگر عموم دانش‌آموزان درس‌ها را به خوبی یاد نگرفته‌اند، این‌طور به نظر می‌رسد که مطالب کتاب با نیازهای آن‌ها انطباق دارد و معلم باید با فرصت کافی و سعه‌ی صدر به تکرار مفاهیم و تعقیب آن‌ها بپردازد. در مورد سایر موضوعات مثل درس توان نیز به همین ترتیب می‌توان عمل کرد.

۲۲- چه تفاوتی بین شیوه‌ی آموزش جمع و تفریق عددهای صحیح در کلاس اول و دوم راهنمایی وجود دارد؟ اساساً درس مختصرنویسی برای چیست؟

همان‌طور که ذکر شد، سازماندهی مطالب و محتوای کتاب‌های ریاضی در زمان تألیف براساس مفهوم، روش، مهارت و کاربرد (مسأله) بوده است. در کلاس اول راهنمایی بیشتر هدف درس عددهای صحیح به مفهوم و بیان روش جمع و تفریق در عدد متمرکز شده است. در کلاس دوم ضمن بیان مختصرنویسی به مهارت جمع و تفریق تأکید و در ادامه مفاهیم روش‌های مربوط به ضرب و تقسیم در عدد مطرح می‌شود. در کلاس سوم راهنمایی علاوه بر کسب مهارت در ۴ عمل اصلی روی مجموعه‌ی عددهای صحیح، بر ترکیب این عملیات و کسب مهارت در آن نیز تکیه شده است. بنابراین زمانی که به مهارت‌ها می‌پردازیم، مرحله‌ی مفهوم و روش را پشت سر گذاشته‌ایم و انتظار داریم دانش‌آموز با سرعت و دقت کافی پاسخ عملیات را بنویسد. به مثال زیر و تفاوت بیان آن در کلاس‌های اول، دوم و سوم راهنمایی توجه کنید:

$$(-17) + (+14)$$

۱- پایه‌ی اول راهنمایی: ابتدا دانش‌آموزان با توجه به عددهای ۱۷- و ۱۴+ تشخیص می‌دهند که از قرینه‌یابی استفاده کند. سپس عددهای داخل پرانتز را جابجا کرده و پس از تبدیل جمع دو عدد صحیح به



تقریب معمولی حاصل را به دست آورید.

$$\begin{aligned} & (1+1^2)+(1+1^2) \\ & = [(+1^2)+(1+1^2)] \\ & = 3 = (1^2+1^2) \end{aligned}$$

7 پایه‌ی دوم را هم بمانی. حالا توجه به اینکه مهارت مورد نظر است. انتظار داریم دانش آموز ابتدا عبارات را مختصر کرده، سپس فرمولی را استخراجی را همزمان انجام دهد:

$$3 = (1^2+1^2) + (1^2+1^2) + (1^2+1^2)$$

7 پایه‌ی سوم را هم دستی. انتظار داریم دانش آموز به آن سطح از مهارت رسیده باشد که عبارات را جمع مختصر کند و چه به طور معمولی محاسبه کرده و پاسخ را به طور ذهنی بگوید و یا فرمولی را با مهارت انجام دهد:

$$\begin{aligned} & 3 = (1^2+1^2) + (1^2+1^2) + (1^2+1^2) \\ & 3 = (1^2+1^2) + (1^2+1^2) + (1^2+1^2) \end{aligned}$$

علاوه بر آن بتواند جمع و تقریب چند عدد را به طور ذهنی و با دقت و مهارت انجام دهد. در جمع و تقریب دو عدد در کلاس دوم راه‌هایی نقل مختصر نویسی و درک این موضوع اهمیت زیادی دارد.

هدف از درس مختصر نویسی این است که دانش آموز در عملیات عددی صحیح درک کند که عملیات یک عدد در سمت چپ است و معنی و مثبت بودن آن را تشخیص دهد به عبارات دیگر پس کدام عدد دارد یک عبارت جمع و تقریب فقط عمل جمع را بسازد یعنی در عبارات زیر یک به حاصل جمع 3 عدد معنی و 2 عدد مثبت:

$$2+3+5 \quad 2+7$$

عددهای معنی عبارتند از:  $(-2)$  و  $(-3)$  و  $(-4)$  و عددهای مثبت  $(+5)$  و  $(+7)$  هستند. در واقع عبارت را به صورت بالا ببیند:

$$(4+7)+(3+5)+(2+1)$$

برای رسیدن به این فرآیند لازم است به دو نکته توجه کند. اول عددهای مثبت را می توان بدون علامت نوشت:

$$4+5=9$$

2 در حالت  $(b-1)$  به شرط آنکه در نظر قدر مطلق (بدون در نظر گرفتن علامت‌ها) باشد. علامت عبارت به طریق معمولی تدوین می شود:

$$a+(1-b) = a-b$$

با توجه به یاد این دو نکته باید قادر باشد عبارات زیر ساده و مختصر کند. هم چنین برای عمل دادن به این فرآیند و بهبود بیشتر است حاصل‌های عمل جمع به صورت عبارات معنی مختصر یادآوری شود. به مثال‌های زیر توجه کنید:

1) حاصل جمع یا کمتر  $4+2=6$

مثال‌ها:  $3+3=6$  یا  $4+2=6$

$3+3=6$  یا  $4+2=6$

2) حاصل جمع یا فرته  $4+1=5$

مثال‌ها:  $6+6=12$  یا  $6+6=12$

3) حاصل جمع یا بیانی  $a+b=10+10$

مثال‌ها:  $7+4=11$  یا  $9+2=11$

امکان طور که ملاحظه می شود وقتی عدد و علامت تا هم خارج می شوند، علامت جمع گاهی ظاهر و گاهی حذف می شود!

4) حاصل فرته یا بیانی  $a+b = -a+(1-b)$

مثال‌ها:  $(7-1)-(16-17) = 7-16 = -9$  یا  $4+5 = 9$

اگر دانش آموزی بتواند در حاصلیت‌های بالا عبارت‌های مختصر شده را درستی به کار برد، قادر به تشخیص علامت یک عدد در عبارت‌ها خواهد بود.





# مقیاس نقشه

## یک مثال نارسا در کتاب درسی

محمد علی میرزایی - دبیر منطقه ۸ تهران

یکی از وسایل ضروری در جغرافیا نقشه است. نقشه بر حسب نیاز کاربران و کاربرد آن انواع فراوانی دارد که نقشه های عمومی، کاربردی و ویژه از آن جمله اند.

رکن اساسی نقشه، مقیاس است. مقیاس (Scale) به معنی اندازه گیری و فیا س کردن است و نسبت طول اندازه گیری شده روی نقشه به طول آن روی زمین را نشان می دهد. مثلاً در مقیاس ۱:۱۰۰۰

۱ واحد روی نقشه برابر با ۱۰۰۰ واحد روی زمین است. معمولاً امکان نمایش ابعاد واقعی زمین، روی نقشه امکان پذیر نیست. زیرا مساحتی به اندازه ی زمین، نیاز خواهد بود.

انواع مقیاس در نقشه با توجه به اهداف و نیاز استفاده کننده متفاوت است. بر این اساس مقیاس نقشه به بزرگ، متوسط و کوچک تقسیم می شود و مفادیر آن در منابع مختلف، متفاوت است. اما الگمن بین المللی کار توگرافی آن را بدین صورت تقسیم بندی نموده است:

● بزرگ، مقیاس بزرگتر از ۱:۲۵۰۰۰

● متوسط، مقیاس بزرگتر از ۱:۱۵۰۰۰ تا ۱:۱۰۰۰۰۰

● کوچک، مقیاس کوچک تر از ۱:۲۰۰۰۰۰

باید توجه داشت که مفاهیم بزرگ و کوچک در مقیاس نقشه با مخرج این کسرها نسبت عکس دارد. هر چه مخرج کسر کوچک تر باشد، دقت عوارض و پدیده ها بیشتر است. اما مساحت کمتری را پوشش می دهد. مثلاً در نقشه های جهان نما چون تعداد کشورها و پدیده های آن بسیار زیاد و امکان نمایش آن ها سخت است، معمولاً از نقشه هایی با مقیاس ۱:۱۰۰۰۰۰۰، ۱:۵۰۰۰۰۰۰ و غیره استفاده می شود.

نقشه های کوچک مقیاس بیشتر جنبه ی نمایشی دارند. در حالی که بزرگ مقیاس ها جنبه ی آموزشی و تحقیقاتی دارند. بنابراین همیشه رابطه ی مستقیمی بین مقیاس و محتوا و نوع کاربرد نقشه وجود دارد.

مقیاس ها به چند صورت بیان می شوند:

۱. مقیاس کسری
۲. مقیاس خطی یا ترسیمی
۳. مقیاس گفتاری یا لفظی
۴. مقیاس شبکه یا مرکب یا متغیر.

چون در کتاب جغرافیای پایه ی سوم راهنمایی مقیاس، به صورت کسری بیان شده است، ما نیز آن را بیشتر توضیح می دهیم. در مقیاس کسری صورت همیشه عدد یک و مخرج کسر، متغیر است. هر واحدی که صورت کسر داشته باشد، مخرج نیز همان واحد را خواهد داشت. مثال ۱: طول مسیلی در داخل شهر ۳ km است؛ اما روی نقشه ۱۰ mm نشان داده شده، مقیاس نقشه چقدر است؟

اجزای فرمول  $(e = \frac{d}{D})$  را به صورت زیر تعریف می کنیم:

مقیاس نقشه = e

فاصله دو نقطه روی نقشه = d

فاصله دو نقطه روی زمین = D

برای به دست آوردن مقیاس، ابتدا باید واحدها را یکسان کرد.

$$\frac{10\text{mm}}{3\text{km}} = \frac{10\text{mm}}{30000\text{mm}}$$

یعنی:

به عبارت دیگر، فاصله ی دو نقطه روی زمین را به واحد روی نقشه (میلی متر) تبدیل و صورت را بر مخرج تقسیم می کنیم تا مقیاس نقشه به دست آید.

$$e = \frac{10\text{m}}{30000\text{m}} = \frac{1}{3000}$$

مثال ۲: در نقشه ای با مقیاس  $\frac{1}{25000}$  فاصله ی شمال تا جنوب

تهران ۱۵۰ سانتی متر است. فاصله ی حقیقی شمال تا جنوب تهران چند کیلومتر است.

$$\frac{1}{25000} = \frac{150\text{cm}}{x\text{cm}} \Rightarrow x = 3750000\text{cm}$$

حالا این عدد را تبدیل به متر و سپس کیلومتر می کنیم.

لازم به توضیح است که در کتاب درسی برای تبدیل به متر، حذف صفر و برای تبدیل به کیلومتر حذف ۳ صفر پیشنهاد شده است که در این صورت عدد ۵ نیز خط می خورد و در ذهن دانش آموزان ایجاد ابهام می نماید. از این رو بهتر است از مثال بهتری استفاده شود.

### منابع:

- ۱- یمانی، مجتبی. مبانی نقشه ی جغرافی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- ۲- رضوانی، علی اصغر. نقشه خوانی و آشنایی با نقشه ها، انتشارات به نشر، ۱۳۷۹.
- ۳- زاهدی، مجید. کار توگرافی، انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- ۴- جنداری عبوسی، جمشید. نقشه و نقشه خوانی در جغرافیا، انتشارات پیام نور، ۱۳۶۹.
- ۵- جعفری، عباس. نقشه خوانی گیتاشناسی، انتشارات گیتاشناسی، ۱۳۶۹.

چکیده

در گذشته، جوامع عمدتاً می‌کوشیدند تا از راه پیش‌بینی و انتخاب استعدادها، گروه کوچکی از افراد را برگزینند و آموزش و پرورش لازم را در اختیار آنان قرار دهند. جوامع معاصر بر پرورش گروه وسیعی از افراد تأکید می‌ورزند و می‌کوشند تا از راه‌های قانونی اکثریت افراد واجد تعلیم را روانه‌ی آموزشگاه‌ها کنند. گفته می‌شود که در شرایط مناسب آموزشی نسبت بزرگی از افراد یک جامعه تقریباً در تمامی استعدادها و توانایی‌ها با کیفیت‌های مهم و مطلوب می‌توانند به سطح بالایی از رشد و توسعه برسند و در این میان آنچه بیش از همه خودنمایی می‌کند، کیفیت آموزش است.

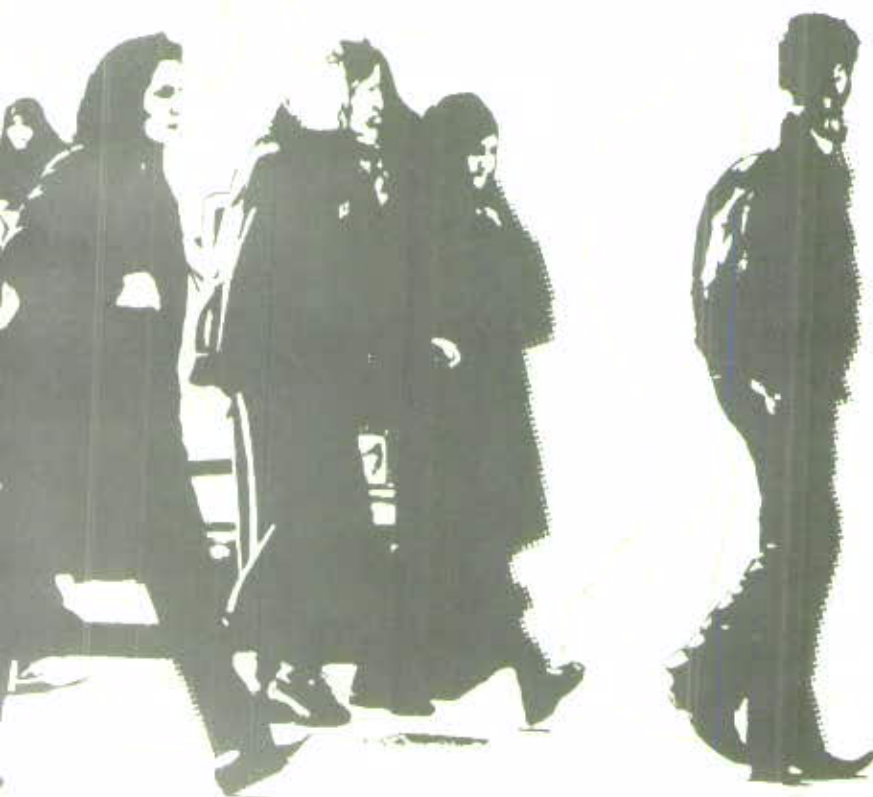
کیفیت آموزش را برحسب این که ارائه‌ی مطالب و توضیح و تشریح آن‌ها تا چه حد برای هر یادگیرنده به سطح بهینه نزدیک شود، تعریف کرده‌اند. اجزای اصلی تشکیل دهنده‌ی کیفیت آموزش شامل این موارد می‌شود: ۱- اشاره‌هایی که به یادگیرنده داده می‌شود. ۲- مشارکت یادگیرنده در فعالیت‌های آشکار و نهان. ۳- تقویتی که یادگیرنده دریافت می‌کند و بازخورد و اصلاح. وازه‌های کلیدی: آموزش، کیفیت آموزش، اشاره‌ها، مشارکت، تقویت، بازخورد و اصلاح.

فاطمه خوثینی

# آموزش برای همه

مقدمه

جامعه‌ای که به تعلیم و تربیت و آموزش مدرسه‌ای اهمیت می‌دهد و می‌خواهد افراد آن جامعه برای مدت زیادی در مدارس آموزش ببیند، باید وسایلی فراهم آورد تا آموزش و پرورش برای افراد جذاب و قابل استفاده باشد. جوامع امروزی دیگر نمی‌توانند به انتخاب مستعداها اکتفا کنند بلکه باید در جهت پرورش استعدادها بکوشند. گفته می‌شود که استعداد قابل شکوفا شدن است؛ یعنی اگر اکثر دانش‌آموزان را بتوان در یادگیری مجموعه‌ای از موضوع‌های درسی، مهارت‌ها و توانایی‌ها به سطح بالایی رساند، آنگاه این امر منجر به شکوفایی استعدادها می‌شود. ویژگی‌ها و توانایی‌های زیادی را که ما استعداد می‌نامیم، به پرورش دراز مدت نیاز دارند تا به سطح عالی برسند و تا می‌دانیم که هسته‌ی اصلی پرورش، آموزش است.



## آموزش برای همه (آموزش کیفی)

اکثر استعداد‌های اصلی که مادر زمینه‌ی فعالیت‌های آدمی شناخته‌ایم، ناگهان به وجود نیامده‌اند و تصادفی بروز نکرده‌اند و با در سن بلوغ کشف نشده‌اند. نوع‌آنی عمدتاً یک افسانه‌ی ساخته و پرداخته برسانه‌های گروهی است. جامعه‌ای که به تعداد زیادی افراد با استعداد نیاز دارد، نمی‌تواند تنها بر روش‌های جست‌وجو برای پیدا کردن این استعدادها بسنده کند. این جوامع باید این استعدادها را در دوران کودکی پرورش دهند و از راه‌هایی منظم به تربیت و گسترش آن‌ها در دوره‌های طولانی اقدام کنند. بنابراین جامعه‌ای که می‌خواهد بخش زیادی از شهروندان‌ش توانایی حل مشکلات را داشته باشند و اندیشه‌های جدید و پیچیده

را بیاموزند، باید در راه تشویق این کیفیت‌ها در سال‌های نخست کودکی گام بردارد و سپس با استفاده از روش‌هایی منظم به پرورش این کیفیت‌ها در دوران تحصیل اقدام کند. گفته می‌شود که در شرایط مناسب آموزشی نسبت بزرگی از افراد جامعه تقریباً در تمام استعدادها، توانایی‌ها یا کیفیت‌های مهم و مطلوب می‌توانند به سطح بالایی از رشد و توسعه برسند و در این میان آنچه بیش از همه خودنمایی می‌کند، کیفیت آموزش<sup>۱</sup> است.

ما به‌طور روزافزونی اطمینان حاصل کرده‌ایم که کیفیت آموزش می‌تواند بر آموختن تکالیف یادگیری تأثیرات نیرومندی داشته باشد. در این‌جا منظورمان را از کیفیت آموزش توضیح می‌دهیم. کارول<sup>۲</sup>

(۱۹۶۳)، کیفیت آموزش را برحسب این‌که ارائه‌ی مطالب، توضیح و تشریح آن‌ها و مرتب کردن عناصر تکلیف‌یادگیری تا چه حد برای هر یادگیرنده به سطح بهینه نزدیک شود، تعریف کرده است. فرض نهفته در این تعریف این است که اگر روش آموزشی برای هر دانش‌آموز به سطح بهینه برسد، دانش‌آموز در یادگیری خود موفقیت حاصل می‌کند. اگرچه درباره‌ی کیفیت آموزش بر روابط بین معلم و دانش‌آموزان تأکید فراوان شده، عوامل دیگری نظیر مواد آموزشی؛ تنظیم محتوا و هدف‌های آموزشی که در واقع تنظیم طرح درس یا نقشه‌ی تدریس است؛ در دسترس بودن منابع لازم و زمان برای به انجام رساندن امر آموزش نیز به کیفیت آموزش مربوط می‌شود.

## عناصر کیفیت آموزش

بنا به تعریفی که از کیفیت آموزشی ارائه کرده‌ایم، اجزای تشکیل‌دهنده‌ی کیفیت آموزش عبارت‌اند از: ۱- اشاره‌هایی که به یادگیرنده داده می‌شود، ۲- مشارکت یادگیرنده در فعالیت‌های آشکاره و نهان<sup>۳</sup>، ۳- تقویتی که یادگیرنده درباره‌ی یادگیری<sup>۴</sup> دریافت می‌کند. از آن‌جا که بخش اعظم آموزش در مدرسه آموزش گروهی است و کوشش‌های مربوط به آموزش گروهی یا مشکلات و اشتباهات همراه است، روش بازخورد و اصلاح را نیز باید جزء کیفیت آموزش به حساب آورد. در این‌جا چهار مؤلفه‌ی آموزش یعنی اشاره‌ها<sup>۵</sup>، مشارکت<sup>۶</sup>، تقویت<sup>۷</sup> و بازخورد<sup>۸</sup> و اصلاح را بیشتر توضیح می‌دهیم.



اشاره‌ها، دستورالعمل‌هایی را درباره‌ی آنچه که یادگیرنده باید یاد بگیرد و همچنین بر اهمیت‌هایی را مبنی بر این که وی در حریک یادگیری چه کاری نباید انجام دهد، در بر می‌گیرد. اشاره‌ها را به صورت‌های مختلف می‌توان ارائه کرد. در اکثر آموزش‌های گروهی در مدارس، ماهیت اشاره‌های اصلی کلامی است. البته لازم نیست که همه اشاره‌ها کلامی باشند. بعضی از آن‌ها ممکن است به صورت الگوهای تصویری باشند. و اشاره‌هایی هم ممکن است مدار جواس را به کار گیرند. اشاره‌هایی تنها از نظر شکل ظاهری متفاوتند، بلکه از لحاظ بیرونی بی‌تفاوت در نظر گرفته می‌شوند که جبهه‌ی دیگر اشاره معنی‌دار بودن آن است.

همچنین تکنولوژی آموزشی فنون مختلفی را تولید کرده است که به وسیله‌ی آن‌ها می‌توان گذشته و آینده‌ی راه‌های گوناگون آموزش داد. دیگر کتاب‌های درسی و سخنرانی معلم تنها راه یادگیری و آموزش نیست. برای این منظور، تعداد زیادی از مواد آموزشی، اشکال متعدد ارائه‌ی مطالب و روش‌های متنوع تدریس ابداع شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به‌طور کلی اعتقاد بر این است که هرچه مواد و روش‌های آموزشی متنوع‌تر باشد، احتمال این که همه‌ی دانش‌آموزان یک کلاس به اشاره‌های مورد نیاز خود دست یابند، بیشتر می‌شود.

بی‌شک اعتقادات معلمان درباره‌ی ماهیت ذهن آدمی بر روش‌های آموزشی آنان تأثیر دارد و بی‌معلم باید همیشه این مؤان را از خود بپرسد که برای چه منظوری و برای کدام دانش‌آموزان و تحت چه شرایطی باید به انتخاب روش آموزشی اقدام کند و بعد از پاسخ دادن به این سؤال‌ها روش آموزشی خود را انتخاب کند. بهترین تدبیر معلم در آموزش خود این است که در همه حال انعطاف‌پذیری عمل کند و در هر زمان از روش آموزشی متناسب با موضوع و هدف‌های درس و شخصیت یادگیرندگان خود استفاده کند (کت، ۱۹۷۲).

معلم آینده باید از حالت سنتی تغییر یافته و به چیزی تبدیل شود که او را مهندس آموزشی

می‌نامند زیرا روش‌های مرسوم آموزشی به ویژه روش سخنرانی و آموزش به وسیله‌ی کتاب‌های درسی معمولی، روش‌های ناقصی هستند، و می‌توان به صورت مکمل آموزش کلاسی از اشکال مختلف آموزش به کمک رایانه استفاده کرد. روش نظام آموزشی فردی (PSI) نیز مانند یادگیری به معنای یک روش فردی است که شامل یاد خود سریع و فراوان عمل می‌کند. یادگیرنده است. وقتی از کامپیوتر برای ارائه‌ی مواد به معنای استفاده می‌شود، به آن آموزش بر اساس کامپیوتر (CBI) گفته می‌شود. نوعی برنامه‌ی آموزشی مربوط به CBI وجود دارد که کلاس درس مجازی نامیده می‌شود به آن آموزش on-line می‌گویند. هرچند امروز پژوهش‌های انجام شده درباره‌ی آموزش on-line نشان داده است که این روش آموزشی به اندازه‌ی نظام‌های واقعی مؤثر است اما آموزش بر اساس رایانه، آموزش متصل (CT، IT، و ایجاد دانشگاه‌های مجازی که با نگرش‌های جدید به موضوع یادگیری و

### معلم آینده باید از حالت سنتی تغییر یافته و به چیزی مبدل شود که او را مهندس آموزشی می‌نامند

یاددهی نگاه می‌کنند، شامل همان مشکلاتی هستند که درباره‌ی نظام‌های آموزشی فردی ذکر شده است.

سازمان معتقد این فنون، آموزش حقیقی را نشان نمی‌دهد، زیرا در آن‌ها نقش معلم به حداقل می‌رسد. معروفیت CBI به عنوان یک فعالیت آموزشی کمکی است و نقش سنتی معلم را تهدید نمی‌کند. پژوهشگر از درباره‌ی استفاده از رایانه هشدار داده‌اند و گفته‌اند که آموزش

موفقیت‌آمیز به توانایی یک معلم زنده در ایجاد یک فضای احساسی وابسته است یعنی معنی که ایجاد علاقه کند، انتظار بگذراند، واکنش‌های دانش‌آموزان را هدایت کند، ارتباط‌های کلامی و غیر کلامی دانش‌آموزان را درگیر کند و همچنان برانگیزد؛ همچنان‌هایی در برخورد با محیط نقش مهمی ایفا می‌کند. وقتی ما تحریک مفیدی برای یادگرس می‌کنیم، همچنان‌هایی مثبتی مانند شادی، لذت و عشق را احساس می‌کنیم و این تأثیراتی است که یادگیری را تقویت می‌کند.

اهمیت هیجان‌ها و نقش معلم در ایجاد فضای عاطفی و هیجانی بسیار آن است که هنوز می‌توان از روش سخنرانی که پیشینه‌ی آن به پنج قرن پیش از میلاد می‌گردد، بازگشت داشت. شیوه‌های آموزشی استفاده کرد امید است که معلمان از تأکید زیاد بر انتقال دانش و اطلاعات به یادگیرندگان خود دوری کنند و در عوض بیشتر به پرورش مهارت‌های اندیشیدن در آن‌ها بپردازند و بر اساس پیشنهاد‌های نظریه‌ی سازندگی یادگیرندگان را برای شرکت فعال در بحث کلاسی آماده کنند. معلمان معتقد به نظریه سازندگی، یادگیری به دانش‌آموزان خود کمک می‌کنند تا دانش‌های خودشان را بسازند.

ضمناً سلوین (۲۰۰۳) بر این بحث بودن آموزش این موارد اذکر کرده است.

آینده اهداف آموزشی و دادن اشاره‌هایی به دانش‌آموزان ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ بر پیش‌بازها ۳۰ ارائه‌ی مواد آموزشی جدید ۲۰ هدایت و یادگیری دانش‌آموزان ۳۰ استقلال کار برای دانش‌آموزان

میزان مشارکت دانش‌آموز در صورتی به حد اعلا می‌رسد که او به درستی تقویت شود

۶- دادن بازخورد به آن‌ها و در نهایت فراهم آوردن فرصت‌هایی برای تمرین و مرور.

#### تقویت

طبق اکثر نظریه‌های یادگیری، یادگیری وقتی موفقیت‌آمیز است که با تقویت همراه باشد. معلمان از دیرباز لزوم تقویت کردن را شناخته‌اند و تقریباً همه‌ی معلمان در غالب جلسات آموزشی خود از تقویت استفاده می‌کنند. تا این همه، معلمان از نظر انواع تقویت‌هایی که به کار می‌برند، تعداد دفعاتی که از تقویت استفاده می‌کنند و مقدار تقویتی که به دانش‌آموزان مختلف در کلاس می‌دهند، باهم تفاوت زیادی دارند.

آن‌چه برای یک دانش‌آموز تقویت به حساب می‌آید، ممکن است برای دانش‌آموز دیگر جنبه تقویتی نداشته باشد و حتی این امکان وجود دارد که تحت شرایطی آن‌چه را که یک دانش‌آموز تقویت مثبت<sup>۱۱</sup> تصور می‌کند، دانش‌آموز دیگر از آن تصور تقویت منفی<sup>۱۲</sup> داشته باشد. به هر ترتیب احتمال دارد که یادگیرندگان مختلف در مراحل متفاوت یادگیری به انواع گوناگون تقویت کننده و حتی به مقادیر مختلف تقویت کننده احتیاج داشته باشند.

#### مشارکت

یادگیرنده باید از اشاره‌ها استفاده کند تا یادگیری عملاً انجام گیرد. دانش‌آموز باید در عمل یادگیری به صورت آشکار یا نهان

**آن‌چه را یک دانش‌آموز تقویت مثبت تصور می‌کند، دانش‌آموز دیگر از آن تصور تقویت منفی داشته باشد**

مشارکت<sup>۱۳</sup> کند. میزان مشارکت فعالانه در امر یادگیری یک شاخص عالی کیفیت آموزش برای توجیه یادگیری فردی دانش‌آموز محسوب می‌شود. این واقعیت تردیدناپذیر است زیرا میزان مشارکت دانش‌آموز در صورتی به حد اعلا می‌رسد که او به درستی تقویت شود و ظاهر آنها آنگاه به طور فعال در یادگیری شرکت می‌جوید که اشاره‌ها جالب و معنی‌دار باشند (کلمن<sup>۱۴</sup>، ۱۹۶۶).

هرگاه کیفیت کلی آموزش ضعیف باشد، تنها معدودی از دانش‌آموزان فعالانه در یادگیری شرکت می‌جویند و پس از کاهش میزان مشارکت فعال دانش‌آموزان در یادگیری انتظار می‌رود که مشکل حفظ انضباط و اداره‌ی کلاس پیش آید، که آنگاه باید از روش‌های مختلف تغییر رفتار بنا به نیاز استفاده کرد یعنی گه از روش‌های کاهش رفتار نامطلوب، گاهی از روش‌های افزایش رفتارهای مطلوب، گاه ایجاد رفتارهای تازه و گاهی نیز از روش‌های نگهداری رفتار بهره گرفت.

#### بازخورد و اصلاح

هنگامی که معلم خصوصی ماهری مطلبی را به یک دانش‌آموز می‌آموزد، امکان هرگونه تعدیل در فرایند تدریس، یادگیری وجود دارد. بنابراین در حالی که بازخورد<sup>۱۵</sup> و اصلاح در تعامل میان معلم خصوصی و دانش‌آموز پیوسته جریان می‌یابد، این فرایند ظریف به طور غیررسمی انجام می‌گیرد (مانند حرکات سرودست، اخم کردن و لبخند زدن...).

در اکثر شرایط یادگیری آموزشی گاهی یک معلم به گروهی از دانش‌آموزان معمولاً حدود ۳۰ نفر آموزش می‌دهد. در این شرایط حتی بهترین استفاده از اشاره‌ها، مشارکت و تقویت‌ها برای دانش‌آموزان مختلف اثربخشی متفاوت دارد. آن‌چه برای یک دانش‌آموز ممکن است بهترین اشاره باشد، احتمالاً برای دانش‌آموز دیگر چندان اهمیتی ندارد. مقدار مشارکت و تمرینی که برای یک دانش‌آموز کافی است، ممکن است برای دانش‌آموز دیگر ناکافی باشد و مقدار و نوع

تقویتی که برای یک دانش‌آموز مناسب است، ممکن است برای دانش‌آموز دیگر مناسب نباشد (بلوم<sup>۱۶</sup>، ۱۹۷۶).

در حالی که یک معلم حساس و بسیار ماهر ممکن است روش‌های اصلاحی متناسب با ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان کلاس را به کار گیرد، باز ممکن است با دشواری‌هایی مواجه شود. باید راهی یافت که بتوان کافی و مناسب بودن اشاره‌ها، مشارکت و تقویت را برای هر یک از یادگیرندگان معین کرد؛ مطابق نیاز یادگیرنده هر یک از آن‌ها را تغییر داد و اصلاح کرد. در حد آرمانی، این کار باید به صورت جزء اصلی فرایند آموزش-یادگیری در آید و مرتباً برای هر یک تکلیف و تجربه‌ی تازه‌ی یادگیری انجام گیرد. ما شک داریم که این آرمان به طور کلی دست‌یافتنی باشد مگر هنگامی که معلم بتواند به تک‌تک دانش‌آموزان رسیدگی کند یا فقط مسؤول معدودی دانش‌آموز باشد. از جمله شواهدی که توانستیم درباره‌ی تأثیر بازخورد و اصلاح بر یادگیری پیدا کنیم به تحقیقات انجام شده درباره‌ی روش یادگیری در حد تسلط<sup>۱۷</sup> مربوط می‌شود. در غالب پژوهش‌های مربوط به شیوه‌های یادگیری در حد تسلط کلاس‌های کنترل یا گواه و کلاس‌های یادگیری در حد تسلط که به وسیله‌ی یک معلم تدریس می‌شوند، از لحاظ پیشرفت در پایان دوره‌ی آموزشی مقایسه شدند. تفاوت عمده میان این نوع کلاس در استفاده از روش‌های بازخورد و اصلاح بود. روش‌های بازخوردی نوعاً شامل آزمون‌های مختصر تکوینی در پایان هر تکلیف یادگیری است و حکایت از این می‌کند که دانش‌آموز چه مطالبی را آموخته است و چه مطلبی را هنوز برای رسیدن به حد تسلط باید بیاموزد. در روش اصلاحی، مطالب به خصوصی را که دانش‌آموز نیاموخته است، آموزش می‌دهند و این کار به باری سایر دانش‌آموزان، کمک معلمان و حتی گاه توسط خود معلم انجام می‌گیرد.

آشکار است که نیرومندترین جنبه از مجموعه جنبه‌های کیفیت آموزش بدان گونه که ما در این جا آن‌را تعریف کرده‌ایم، روش

1. instruction
2. education
3. quality of instruction
4. Carroll
5. overt
6. covert
7. learning
8. cues
9. participation
10. reinforcement
11. feedback
12. Cobb
13. personalized system of instruction
14. computer - based instruction (CBI)
15. information technology
16. constructivism
17. Salvin
18. reinforcement
19. positive reinforcement
3. negative reinforcement
21. participation
22. Coleman
23. feedback
24. Bloom
25. mastery learning
26. Coleman
27. Keller
28. interaction
29. self correcting

منابع

۱- بلوم، بی. س. (۱۳۷۲). *ویژگی‌های نیمی‌یادگیری*. آموزشگاهی. (ترجمه علی اکبر سیف). تهران: مرکز نشر دانشگاهی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۸۲).

2- Bloom, B.S (1976). **Thought Processes of Students in Discussion**. In S.J. French (Ed.). New York: Harper and Brothers.

3- Carroll, J.B. (1963) Use of the Modern Language Aptitude Test in Secondary Schools. *Yearbook of The National Council of Measurement in Education*. 16:155-159.

4- Cobb, J.A. (1972). Relationship of Discrete Classroom Behaviors to Fourthgrade Academic Achievement. *Journal of Educational Psychology*. 63. 74-80.

5- Coleman, J.S. (1966a). **Equality of Educational Opportunity**. Washington. D.C.: U.S. Government Printing Office..

6- Coleman, J.S. (1966b). et al. **Equality of Educational Opportunity Supplemental Appendix**. Washington. D.C.: U.S. Government Printing Office.

7- Slavin, R. (2003). **Educational Psychology**. (7<sup>th</sup>ed). Boston: Allyn & Bacon.

نتیجه‌گیری

اگر قبول کنیم که انسان‌ها مساوی خلق شده‌اند یا می‌توانند در یادگیری به تساوی برسند، آنگاه خانه و مدرسه مسئولیت‌هایی به مراتب سنگین‌تر از آن‌چه تاکنون داشته‌اند، خواهند داشت. اگر تساوی یادگیری ممکن باشد، آنگاه نقش انحصاری مدارس باید به مقیاس وسیعی کنار گذاشته شود و به نقش رشد و تکامل دادن همدی‌افزاد بدل شود.

در جهت تحقق آموزش برای همه و تأکید بر آموزش کیفی اگر می‌توانستیم یک نظام آموزشی با حداقل اشتباه داشته باشیم، در این نظام آموزشی، اکثریت دانش‌آموزان به حد بالایی از یادگیری دست می‌یافتند. یعنی تقریباً آموزش برای همه میسر می‌شد و تفاوت‌های سطوح یادگیری و زمان صرف شده برای یادگیری به حداقل می‌رسید.

ویژگی‌های ورودی یادگیرنده اعم از شناختی و عاطفی و نحوه‌ی آموزش یعنی کیفیت آموزش با هر دوی این‌ها ارتباط هم می‌تواند در جهت بهبود یادگیری دانش‌آموزان تغییر داد. یک نظام آموزشی که در آن به معلم و دانش‌آموزان سازخورد داده میسر شود، می‌تواند اشتباهات یادگیری را بلافاصله آشکار کند؛ و اگر برای تصحیح اشتباهات از روش‌های مناسب استفاده شود، نظام آموزشی می‌تواند به صورت یک نظام خود اصلاحی درآید، آن‌گونه که اشتباهات پیش‌آمده در یک زمان پیش از آن‌که با اشتباهات بعدی در هم بیامیزد، اصلاح شود. حاصل کلام این‌که آموزشگاه‌ها با تقویم می‌توانند تغییرات مهمی در زندگی و مشاغل آتی دانش‌آموزان ایجاد کنند و محیط‌های آموزشی باید سعی کنند بتوانند اکثریت بزرگی از دانش‌آموزان را به حدی از یادگیری که تاکنون تنها از با استعدادترین آنان انتظار می‌رفت، برسانند. بنابراین بسیار روز افزون جوامع این خواهد بود که وقت و کوشش خود را صرف موضوع‌هایی کنند که مورد تأیید و نیاز دانش‌آموز، مدرسه و جامعه باشد.

باز خورد و اصلاح است. اگر چه ممکن است چنین روش‌هایی در کلاس‌های معمولی هم به کار رود، به نظر نمی‌رسد استفاده‌ی منظم و مرتب از این روش‌ها در کلاس‌های مراسم آموزشگاهی به حویلی کلاس‌های یادگیری در حد تسلط میسر باشد (کلمن، ۱۹۶۶).

وسیع‌ترین کاربرد روش یادگیری در حد تسلط نظام آموزشی کلمن است. در روش کلمن، هر دانش‌آموز باید پیش از شروع تکلیف بعدی، تکلیف قبلی را در حد تسلط آموخته باشد. هر دانش‌آموز با سرعت خود پیش می‌رود و نمره او در درس بر اساس تعداد تکالیف یادگیری که او آموخته است، تعیین می‌شود. بیشتر یادگیری از طریق مطالعات فردی دانش‌آموز صورت می‌گیرد در حالی که هر دانش‌آموزی در یادگیری و پیشرفت سرعت ویژه خود را دارد، آن‌ها که درس را به پایان برسانند، مطمئناً تمام تکالیف یادگیری آن درس را در حد تسلط یاد گرفته‌اند. یعنی دانش‌آموز، پیش از شروع یک واحد جدید، رفتارهای ورودی شناختی لازم برای یادگیری آن واحد را کسب کرده است.

محدوداً مطرح می‌کنیم ما کیفیت آموزش را بر حسب ویژگی خاص تعاملی بین آموزش و دانش‌آموزان تعریف کرده‌ایم. ما بر اشاره‌ها، مشارکت و تقویت به مثابه ویژگی‌های مهم در آموزش و تأثیرات آن‌ها بر یادگیری دانش‌آموز تأکید ورزیده‌ایم چون آموزش گروهی گرایش دارد به این‌که در مقابل دانش‌آموزان یک کلاس به گونه‌های مختلف حساس و پاسخ‌گو باشد ما بر استفاده از روش بازخورد و اصلاح، به مثابه وسیله‌ای برای حصول اطمینان از این‌که هر دانش‌آموز آموزش مناسب با نیازهای خود کسب خواهد کرد، تأکید کرده‌ایم (بلوم، ۱۹۸۲، ترجمه سیف، ۱۳۷۴).

حال این‌که چه کسی می‌تواند در یادگیری مدرسه‌ای توفیق حاصل کند به مقدار زیاد توسط شرایط مدرسه تعیین می‌شود. کیفیت آموزش عالم مهم تعیین‌کننده برای این پرسش است که چه کسانی می‌توانند خوب یاد بگیرند، تعدادی زیادی از دانش‌آموزان یا تعداد کمی از آنان؟



## اندیشه‌ی متاهیر (۱) مسأله‌ای از نیوتن

حسین نامی ساعی

اشاره

در این مجموعه مقالات که اولین شماره‌ی آن را پیش رو دارید برای آشنایی شما با اندیشه‌ی بزرگ‌ترین متفکران و دانشمندان ریاضی، فیزیک، شیمی و ... مسائلی را انتخاب و حل کرده‌ایم که البته فهم دقیق آن نیاز به دقت و توجه خاص دارد. شاید لازم باشد بعضی از مسائل را چندین مرتبه مطالعه کنید. به امید آن که مورد استفاده قرار گیرد.

مسئله: سه مرغزاری که به طور یکنواخت از سبزه پوشیده شده و

سرعت رشد سبزه‌ها نیز یکی است، دارای مساحت‌های  $3\frac{1}{3}$  هکتار،  $10$  هکتار و  $24$  هکتار هستند. مرغزار اولی برای تغذیه‌ی  $12$  گاو در مدت  $4$  هفته، و مرغزار دومی برای تغذیه‌ی  $21$  گاو در مدت  $9$  هفته کافی است. مرغزار سومی در مدت  $18$  هفته برای تغذیه‌ی چند گاو کفایت می‌کند؟

حل: اندازه‌ی رشد هفتگی سبزه در یک هکتار را نسبت به ذخیره‌ی اولیه‌ی آن، به وسیله‌ی مجهول کمکی  $y$  نشان می‌دهیم.

بنابراین در مرغزار اولی در مدت یک هفته، سبزه به اندازه‌ی  $y$  و  $3\frac{1}{3}y$  و

در مدت  $4$  هفته به اندازه‌ی  $y \times 4 = \frac{4}{3}y$  نسبت به ذخیره‌ای

که از اول در یک هکتار موجود بود، بزرگ می‌شود.

بنابراین که اگر مساحت اولیه‌ی مرغزار و میزان رشد سبزه در  $4$

$$\left(3\frac{1}{3} + \frac{4}{3}y\right)$$

هکتار در نظر گرفته شود، گاوها به آن اندازه سبزه خوردند که

معادل سبزه‌ی مرغزاری به مساحت  $y + \frac{4}{3}$  هکتار می‌باشد.

پس در مدت یک هفته  $12$  گاو یک چهارم این مقدار را و یک گاو در یک هفته  $\frac{1}{48}$  هکتار را خورده است یعنی:

$$\left(3\frac{1}{3} + \frac{4}{3}y\right) : 48 = \frac{10 + 4y}{144}$$

به طور مشابه مساحت مرغزاری که یک گاو را طی یک هفته غذا می‌دهد، از روی معلومات مربوط به مرغزار دومی پیدا می‌کنیم.

$$y = \text{رشد هفتگی در یک هکتار}$$

$$9y = \text{رشد ۹ هفتگی در یک هکتار}$$

$$9 \cdot y = \text{رشد ۹ هفتگی در ۱۰ هکتار}$$

مساحت قطعه‌ای که ذخایر سبزه‌ی آن برای تغذیه‌ی  $21$  گاو در مدت  $9$  هفته کفایت کند مساوی است با:  $10 + 9 \cdot y$

بنابراین مساحتی که برای تغذیه‌ی  $1$  گاو در مدت یک هفته کفایت می‌کند مساوی است با:

$$\frac{10 + 9 \cdot y}{9 \times 21} = \frac{10 + 9 \cdot y}{189}$$

از طرفی، هر دو مساحت تغذیه‌ی یک گاو باید یکی باشد:

$$\frac{10 + 4 \cdot y}{144} = \frac{10 + 9 \cdot y}{189}$$

با حل این معادله، مقدار  $y$  مساوی  $\frac{1}{12}$  به دست می‌آید.

حالا مساحت مرغزاری را تعیین می‌کنیم که ذخیره‌ی موجود سبزه‌ی آن برای تغذیه‌ی یک گاو در مدت یک هفته کفایت کند:

$$\frac{10 + 4 \cdot y}{144} = \frac{10 + \left(4 \times \frac{1}{12}\right)}{144} = \frac{5}{54} \text{ (هکتار)}$$

و بالاخره به حل مسأله می‌رسیم؛ تعداد مطلوب گاوها را به  $x$  نشان می‌دهیم و می‌نویسیم:  
برای مرغزار سوم:

$$\text{رشد هفتگی در یک هکتار} = \frac{1}{12}$$

$$\text{رشد ۱۸ هفتگی در یک هکتار} = \frac{18}{12}$$

$$\text{رشد ۱۸ هفتگی در ۲۴ هکتار} = \frac{18 \times 24}{12}$$

بنابراین مساحتی که برای تغذیه‌ی یک گاو در مدت یک هفته کفایت می‌کند مساوی است با:

$$\frac{24 + 24 \times 18 \times \frac{1}{12}}{18 \times} = \frac{5}{54}$$

در نتیجه  $x = 36$  می‌شود. یعنی؛ مرغزار سوم می‌تواند به  $36$  گاو در مدت  $18$  هفته غذا بدهد.

# درباره‌ی اعتماد به نفس

قدسی اعظم گلهایگانی

دافزایش قدرت تحمل آنان برای مواجه شدن با شکست‌های احتمالی فردی که اعتماد به نفس ضعیفی دارد در زندگی خانوادگی، اجتماعی و ... به دلایل مختلف در انجام فعالیت‌های خود با تحریک ناخوشایند و شکست‌ها و ناخامی‌هایی مواجه خواهد بود. والدین و مربیان باید از این نجارت ناخوشایند به‌یاد بگیرند که استفاده از استعدادهای ناخوشایند و ناخوشایند نوجوانان به سعی و تلاش دوباره، انگیزه‌های قوی‌تر و سعی‌های بیشتری را در پی خود می‌آورد. یعنی نوجوانان راه‌های جدیدی برای رسیدن به اهداف خود می‌یابند و سرریش نکند و شرایط ناخوشایند را به تجربه‌هایی سازنده در زندگی او بدل کنند.

## هفت تقویت رفتارهای مطمئن و مطلوب

توجه به تقویت رفتار کلامی و غیر کلامی یک فرد کم‌رو، همه اعتماد به نفس او را بیشتر می‌کند و هم حرارت او را در بیان مضمین افکار خود تقویت می‌نماید. تقویت رفتارهای مطمئن و مطمئن‌سازی جانشینان و نوآموزی احترامی یا در جشن حافظ یادگیرنده باشند.

## ۱) کنترل احساسات و عواطف

گاهی نوجوانان ما با شرایط و فعالیت‌هایی مواجه می‌گردند که آن‌ها را متاثر می‌سازد. در این مواقع نظارت و راهنمایی بزرگسالان گامی ضروری است.

## ۲) تقویت مهارت‌های اجتماعی

توانایی برقراری و حفظ ارتباط مثبت با دیگران، مهم‌ترین پیش‌نیاز اعتماد به نفس و احساس ارزشمندی اجتماعی نوجوانان می‌شود. باید تلاش شود که این افراد با تعدادی از همکلاسان خود رابطه‌ای دوستانه برقرار نمایند. از این چنین ارتباطی برای رشد و شکوفایی شخصیت و نیز نشاط آنان ضروری است. والدین و مربیان ضمن تشویق و ترغیب کودکان و نوجوانان نسبت به برقراری روابط دوستانه با همکلاسان خود، باید خصوصیات و ویژگی‌هایی که یک دوست خوب و معیارهای دوست‌یابی را ناراضی‌سازنده و مزاحم حال آنان بیان نمایند.

## ۳) آشنایی با الگوهای رفتاری مطلوب

وجود الگوهای رفتاری در انسان، انگیزه‌ای رشد، حرکت و تعالی وجود و کمال را ایجاد کرده و باعث شکوفایی شدن ابعاد مختلف شخصیتی او می‌شود.

علاوه بر معصومین (ع) که کاملاً بی‌گناه‌های قدرتی باقی نمانده انسان‌ها در همه‌ی زمان‌ها هستند، آشنایی با افراد موفق و مطالعه در باره‌ی بیرونی‌ها و شکست‌ها و همت والا و پشتکار آنان می‌تواند به تقویت کودکان و نوجوانان و رشد شخصیت آن‌ها منتهی‌سازد.

یکی از عمده‌ترین دلایل کم‌رویی کودکان و نوجوانان ضعف در اعتماد به نفس و احساس خود ارزشمندی است. خودشناسی و پذیرش مسئولیت اجتماعی از مهم‌ترین اهداف تربیتی در هر جامعه و یکی از مؤثرترین عوامل پیشرفت و شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌ها به‌شمار می‌آید. یک فردی قوی در گرو اعتماد به نفس قوی و استوار است. به قول مارتن (۱۹۵۴) ما برای سلامت روانی خود نیاز به احساس اعتماد به نفس مثبت و قوی داریم. تحقیقات انجام شده در مدارس ابتدایی نشان می‌دهد که پس از صرف تحصیسی و نگارش و دست به خود در رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.

فراک (۱۹۷۶) می‌گوید: هر قدر فرد احساس و نگارش مثبتی نسبت به خود داشته باشد، موفقیت بیشتری در امور تحصیلی از خود نشان می‌دهد.

## چند نکته‌ی مهم در پرورش و تقویت حسن اعتماد به نفس کودکان و نوجوانان

الف) در برخورد با آنان توانمندی‌های آن‌ها را باید مدنظر قرار دادند ضعف‌ها و ناتوانی‌های آن‌ها را

باید پویا به‌یاد آورند و باز خورد مثبت و سازنده به آنان بگریست. هر گونه احساس و نگارش مناسبت به آن بدون شک در رفتار می‌نماید تأثیر بسزایی خواهد داشت. اثر احساس و نگارش مناسبت به کودکان ممنوع است. ضعف و درمندی او باشد، متوجه به بی‌رحمی‌هایی توجهی نسبت به او با حمایت بیش از حد از وی خواهد شد که در هر دو صورت کودکان از حسن ارزشمندی و اعتماد به نفس لازم برخوردار نخواهد بود.

وجود بگوشی منفی نه تنها تأثیر سوء و بی‌ازدرد روی کودکان خواهد گذاشت، بلکه او را از خلاقیت و ابتکار عمل و نشاط و سرزندگی و امید و توکل و تحرک باز خواهد داشت.

## ب) فراهم کردن تجارب خوشایند از فعالیت‌های مستقل و آزاد

با پیش‌بینی و تنظیم برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی و نیز با سعی و تلاشی که از خود نشان می‌دهند و موفق به انجام آن می‌شوند انحصار برای نوجوانی که تجربه‌ی موفقیت در خانه و مدرسه را ندارد، حسن کارایی در آن‌ها تقویت می‌شود و این تلاش‌ها هر چه هدفمندتر باشد، نتایج مطلوب‌تری در پی خواهد داشت.

باید سعی شود فعالیت‌ها تا جای ممکن منجر به موفقیت گردند. این باید توجه کرد که افراد به دلیل تفاوت‌های فردی، در انجام یک فعالیت مشخص تلاش‌های مختلفی را از خود نشان می‌دهند. ارائه‌ی عنوان اولی و مربیان آن‌ها، باید بیشتر بر روی تلاش مستمر آنان تأکید کند. به‌رغم آن‌ها که به دست می‌آید.



# نیروی گرانش

حسن قلمی باویل علیایی



## آزمایش را چگونه انجام دهیم

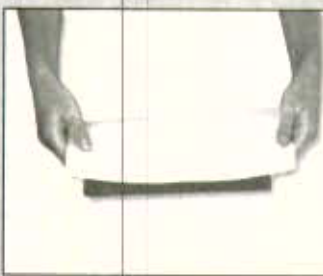
- ۱- دو سکه ۱۰۰ ریالی را در دو دست بگیرید.
- ۲- هر دو را همزمان از ارتفاع ثابتی رها کنید. کدام یک زودتر به زمین می‌رسد؟



- ۳- کتاب و سکه ۱۰۰ ریالی را همزمان رها کنید. کدام یک زودتر به زمین برخورد می‌کند؟



- ۴- کتاب را در یک دست و ورق کاغذ را در دست دیگر نگاه دارید. فکر می‌کنید کدام یک زودتر با زمین برخورد کند؟
- ۵- کتاب و ورق کاغذ را همزمان رها کنید. اول کدام به زمین می‌رسد؟ آیا پیش‌بینی شما درست بود؟



- ۶- ورق کاغذ را به روی کتاب قرار دهید. اگر آن‌ها را با هم رها کنید، کدام یک زودتر به زمین می‌رسد؟ سعی کنید علت پدیده را کشف کنید.

گرانش نیرویی در سطح زمین است که سبب سقوط اجسام می‌شود. این نیرو ثابت است و تأثیر یکسانی بر تمامی اجسام دارد و آن را «شتاب ثابت ناشی از گرانش» می‌گویند. نیروی گرانش بر روی اجسام کار انجام می‌دهد. برای آن‌که هواپیما و یا پرنده بتوانند پرواز کنند، باید بر نیروی گرانش غلبه کنند. برای آن‌که توپی را به هوا پرتاب کنیم باید نیروی بیشتر از نیروی گرانش به آن وارد کنیم. نیروی گرانش باعث می‌شود که توپ به سمت زمین باز گردد.

کوچکی و بزرگی اجسام، تأثیری به میزان کشش نیروی گرانشی ندارد. برای مثال شتاب گرانشی یک قیل با یک پریکسان است. در این فعالیت، شما فرصت خواهید داشت تا شتاب گرانشی اجسام با وزن‌های مختلف را مورد بحث قرار دهید.

آنچه که برای آزمایش نیاز است

- دو سکه ۱۰۰ ریالی
- یک سکه ۵۰ ریالی
- یک کتاب
- یک ورق کاغذ.

## Analyzing Your Results

1. How accurate were your predictions about which object would hit the ground first?
2. How did the mass of different objects affect the rates at which they fell?
3. Why did the sheet of paper and the book fall at different rates when dropped separately but at the same rate when dropped together?

منبع:

Super science projects about sound,  
Allan B. Cobb. 2005.

اشاره

طی ۹ شماره‌ی سال گذشته به موضوع ارشد و شخصیت نوجوان پرداختیم و مباحثی چون: مفاهیم، ضرورت‌ها، اصول، ابعاد و نظریه‌های رشد را مورد بررسی قرار دادیم و ابعاد مختلف رشد را جداگانه مرور کردیم.

مقدمه

با توجه به اهمیت تأثیر روان‌شناسی رشد در دوره‌ی نوجوانی، لازم بود ابتدا مفاهیم و چارچوب‌ها و به اصطلاح مباحث نظری مطرح شده با توجه به خواسته‌ها آنگاه‌ی از پیش نیازهای موضوع، بتواند مطالب کاربردی را دنبال کند. از این رو در سال تحصیلی جاری این بحث‌ها را با نوجوانان که وقت و هم‌چنان منتظر دریافت دیدگاه‌ها، تئوری‌ها، مشکلات و تجربه‌های شده هستیم، تا آن‌جا که در جهت

طرح مسائل عینی و عملی پیش برویم. هدف این بحث، از این‌جا یک توصیف و هنگی از روند شکل‌گیری نوجوانی در جامعه‌ی ایرانی است. باید دانست که نوجوانی در چه فضای شکل می‌گیرد و تحت تأثیر کدام آس‌ها و عوامل است. تا هم دنیای نوجوانی را بهتر شناسیم و هم رفتارهای مناسب آن نوجوان را تشخیص دهیم.

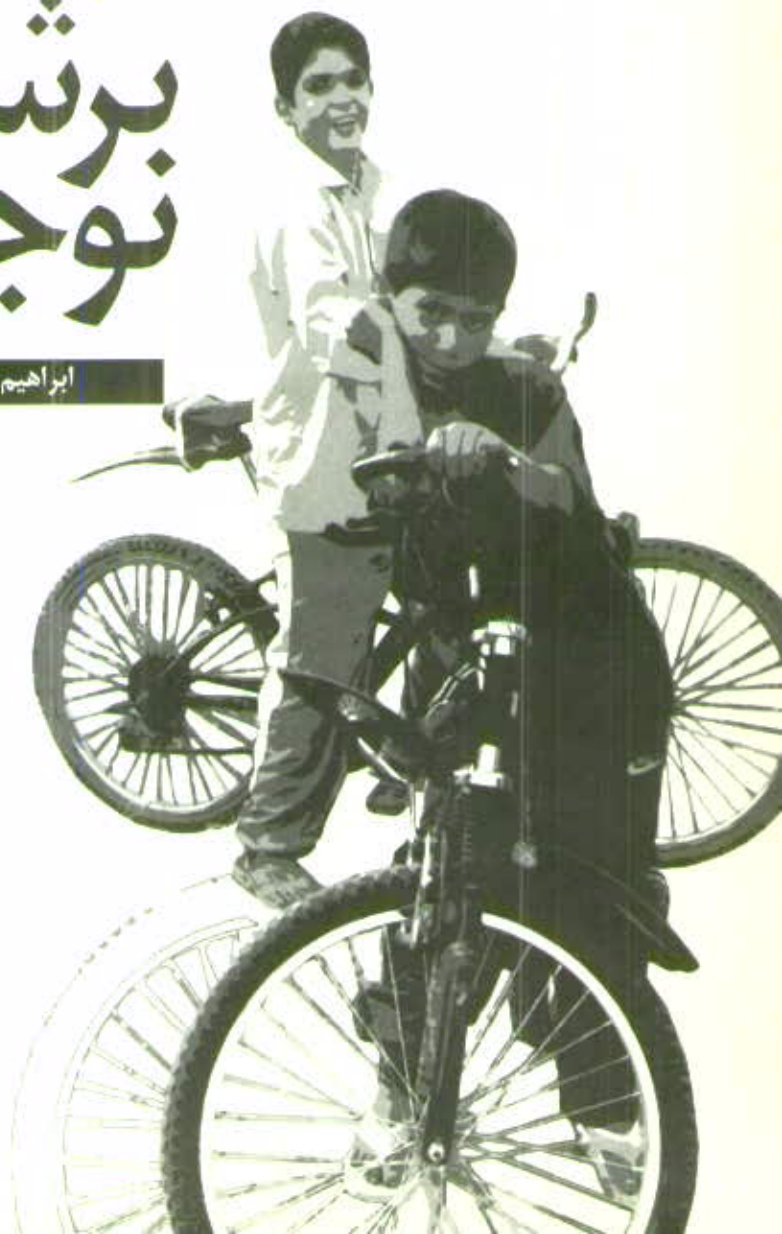
نوجوان، شخصیت، فرهنگ

نوجوانی، پل ارتباطی بین دنیای کودکی و دنیای بزرگسالی است. بنابراین روند شکل‌گیری آن از ابعاد مختلف و هنگی و اختصاصی جدا است. نوجوانی در پایه‌های شخصیت دوره‌ی کودکی شکل می‌گیرد و تجربه‌های نوجوانی، پایه‌های شخصیت بزرگسالی را شکل می‌دهد.

# عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نوجوانی

ابراهیم اصلانی

پایه‌های پژوهشی پیوندهای معنی‌داری بین رفتار در دوران کودکی، نوجوانی و بزرگسالی نشان داده‌اند. برای پی بردن به این پیوندها، پژوهشگران افراد خاصی را زیر طوب روان‌معینی مورد مطالعه قرار دادند و نتایج حاصل از این مطالعات به ما کمک می‌کنند از ارتباط بین دوره‌های مختلف زندگی را بهتر درک کنیم. برای مثال، بر اساس برخی از این مطالعات، عدم مسئولیت در میان همسالان و محدود بودن تعداد دوستان در دوران کودکی، اختلالات دوران نوجوانی و بزرگسالی را تشدید می‌کند. در عین حال، مطالعات دیگر نشان داده‌اند که توانایی برنامه‌ریزی و انتخاب‌های واقع‌بینانه در نوجوانی، موفقیت و ثبات در مراحل دیگر زندگی را تسط دارد. بدین وصف تحلیل مسائل دنیای نوجوانی، بدون توجه به روند شکل‌گیری شخصیت در دوره‌ی کودکی امکان‌پذیر نیست. اگر بخواهیم حدی از عوامل مؤثر



نگاه کنیم باید به مباحث بنیادی چون: تعریف فرهنگ از انسان و زندگی، جایگاه انسان در جامعه، اندیشه‌ها و برنامه‌های فرهنگ برای شکل‌دهی شخصیت، فلسفه‌ی تربیتی و غیره نیز توجه داشته باشیم.

فرهنگ، راه زندگی یا میراث اجتماعی مردم و شخصیت گروه یا جامعه است. فرهنگ، قلمرو و میدان فعالیت فلسفه است و مواد و عناصر خود را از آن می‌گیرد. مقایسه‌ی فرهنگ‌های مختلف و مکتب‌های فلسفی در جامعه‌ها نشان می‌دهد که هر یک از آن مکتب‌ها در فرهنگ خاصی رشد یافته است و تغییراتی در آن ایجاد کرده است. به این ترتیب، فرهنگ‌ها با هم متفاوتند و این تفاوت‌ها را در ابعاد مختلف می‌توان مشاهده کرد:

۱. مقررات رفتار و سلوک مردم و روابط اجتماعی  
۲. چگونگی توجه و پرداختن به گذشته، حال و آینده  
۳. اعتقادات درباره‌ی چگونگی صرف اوقات  
۴. تصورات از شخصیت آرمانی  
۵. افکار و عقاید درباره‌ی رابطه‌ی انسان و طبیعت

۶. نوع ارزش‌های مطلوب و نامطلوب و معیارهای ارزشیابی<sup>۱</sup> به طور حتم، نوجوان ایرانی علیرغم نقاط مشترک با نوجوانان جوامع دیگر، تفاوت‌هایی دارد. به عنوان نمونه، نوجوان غربی از دوره‌ی کودکی، فرصت‌های بیشتری برای کسب تجربه دارد و آگاهی‌های بیشتری در زمینه‌های اجتماعی به دست می‌آورد، در صورتی که نوجوان ایرانی با مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و پرده‌پوشی‌ها زندگی می‌کند.

بحث بر سر این نیست که کدام رفتار درست‌تر است بلکه هدف، توصیف دو نوع فضای زندگی است. شاید همان پرده‌پوشی‌ها به نوعی باعث تقویت حجب و حیای نوجوان ایرانی شود و در مقابل، آمادگی‌های او را برای مواجهه‌ی صریح و راحت با بعضی مسائل کاهش دهد. این موضوعی است که نیاز به بررسی و تأمل بیشتر دارد، اما نباید عوامل فرهنگی مؤثر در شکل‌گیری شخصیت نوجوان را بشناسیم.

### عوامل مؤثر بر رشد نوجوان

با در نظر گرفتن مؤلفه‌ی فرهنگ به عنوان محور مسائل انسانی، در مورد عوامل مؤثر بر رشد نوجوان، به سه جنبه‌ی مهم اشاره می‌شود.<sup>۲</sup>

#### ۱. تأثیرات گروه همسال

نوجوان از گروه‌های همسال تأثیر می‌پذیرد. اما این گروه‌ها همیشه دور همه‌ی زمان‌ها تأثیرهای یکسانی ندارند. شرایط و رویدادهای اجتماعی و همچنین شرایط اقتصادی بر نوع روابط در گروه همسال تأثیر می‌گذارد. برای مثال، نوجوانانی که در سال ۱۳۵۷ زندگی می‌کردند در مقایسه با نوجوانان سال ۱۳۷۰ از نظر آگاهی و حساسیت اجتماعی و فعالیت سیاسی، تجربه‌های مختلفی داشته‌اند.

مشکلات اقتصادی نیز بر روابط نوجوان با خانواده تأثیر می‌گذارد. بی‌توجهی والدین به نیازهای مالی نوجوان، آن هم در شرایطی که به حمایت، حوصله و توجه مناسب نیاز دارد به بی‌حوصلگی و بی‌توجهی و بروز مشکلات بعدی منجر می‌شود.

#### ۲. تفاوت‌های جنسیتی

به طور معمول، در پژوهش‌ها و مطالعات مربوط به نوجوانی، بسیاری از جنبه‌های رشد نوجوانان دختر کم‌تر مورد توجه قرار گرفته و در نتیجه کم‌تر شناخته شده است. برای درک بهتر تفاوت‌های جنسیتی، ابتدا لازم است بین «جنس» و «جنسیت» تفکیک قابل شویم. جنس به ابعاد بیولوژیک مردانگی و زنانگی محدود می‌شود، اما جنسیت یک طبقه‌بندی اجتماعی است که مبتنی بر انتظارات فرهنگی از زن و مرد است و به صفات و ویژگی‌های اجتماعی هر جنس اخلاق می‌شود. انتظارات جنسیت، معمولاً در دوره‌ی نوجوانی شدت می‌یابد، زیرا والدین و همسالان بر این باورند که نوجوانان باید با نزدیک شدن به دوران بزرگسالی از نقش‌های مناسب جنسیتی، بیش‌تر تبعیت کنند.

انتظارات از دختران و پسران متفاوت است. از پسران انتظار می‌رود که ویژگی‌هایی نظیر: ابراز وجود، اتکا به خود، خودکفایی، تسلط‌جویی،

منطقی بودن در حل مسائل و قدرت تصمیم‌گیری و دفاع از باورهای شخصی، را داشته باشند. برعکس، از دختران انتظار می‌رود که نسبت به دیگران حساسیت نشان دهند، در ابراز خود، عاطفی باشند و در حل مسأله به جای منطق از شهود<sup>۳</sup> استفاده کنند و در روابط خود با دیگران، نقش تربیتی را بر عهده بگیرند.<sup>۴</sup>

نوجوانان بر حسب آن‌که، چه ذهنیتی در مورد صفات زنانه و مردانه و نقش‌های جنسیتی خود داشته باشند، به صورت‌های مختلف تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

#### ۳. تفاوت‌های قومی

تفاوت‌های قومی مبتنی بر رسوم فرهنگی، باورها، معیارها و ارزش‌هاست. برای درک رشد نوجوانان، باید مسیرهای مختلف رشد آن‌ها را با توجه به تجربه‌های متنوع‌شان بررسی کرد و از تعمیم یافته‌ها، از گروهی به گروه‌های دیگر اجتناب ورزید.

#### درک دوجانبه

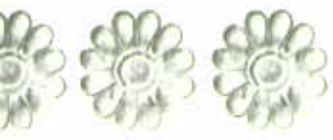
با مباحثی که مطرح شد می‌توان نتیجه گرفت که شناخت دنیای نوجوانی نیازمند درک دوجانبه است. اگر بخواهیم به طور جدی با مسائل نوجوانی آشنا شویم باید از دو نوع آگاهی بهره ببریم.

۱. شناخت ابعاد و ویژگی‌های رشد در دوره‌ی نوجوانی
۲. شناخت فضای فرهنگی و تأثیرات آن به نظر می‌آید که اینک، با درک ضرورت چنین نگرشی، بهتر می‌توان به جزئیات مسائل نوجوانی پرداخت.

#### پی‌نوشت:

۱. شهر آرای، مهرداد، روان‌شناسی رشد نوجوان. نشر علم. چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲
۲. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. فلسفه‌ی آموزش و پرورش. انتشار امیرکبیر. چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸۳
۳. این بحث اقتباسی همراه با دخل و تصرف از کتاب دکتر شهرآرای است.

# تقویت «باورها» راه مقابله با تهدیدها



فاطمه گدازچیان - دبیر دینی و عربی منطقه ۷ تهران



احساس حقارت و انفعال کند و بهین داشته باشد که به تقویت و توسعه فرهنگی خودی می تواند به پیش قدم امیدوار باشد.

به شهادت استاد درختی و آثار به جا مانده از گذشته، که حدود هزاره‌ی اول و دوم قبل از میلاد مسیح، اقوام رومی به دلیل واضح باطلوب طبعی و اقتصادی به سر زمین‌های جنوب و غرب فلات ایران مهاجرت نمودند و نام قوم خودشان را بر این سرزمین نهادند و سپس به ایران شهرت یافتند. سرانجام تکامل زندگی در این نقطه از جهان همواره زنده بوده و آثار و میراث این تمدن چنان سنگین است که امکان هیچ‌گونه انکار و چشم‌پوشی از آن وجود ندارد.

هویت ایرانی در دوره‌های مختلف، موفقه‌های تمدن جمع‌گرمایی و اسطوره‌های تعریف می‌شود و در دوره‌ی اسلامی، اعتقادات دینی مبنی‌شده، مگر به تاریخ تأیید می‌کنند بر اساس اسلام را آموزش بر پذیرفتند و مطالب جدیدی بر دوش گرفتند تا به عهد حفظ آثار تمدنی و ترکیب و همگرایی آن با بهیضت حال و پر بحران اسلام بود که خود بی‌زبری تمدنی جدیدی زنده می‌شود و گوشه‌هایی از این همگرایی در شاهنامه‌ی حکیم ابوالقاسم فردوسی، عجمی یافته است. نباید از نظر دور داشت که امروز نیز استعداد ایرانی را باید در حد و عمق است و موفقیت دانش‌آموزان ایرانی در المپیادهای مختلف بین‌المللی گواه‌صادق بر این مدعاست. ملت با چنین فرهنگ غنی و پرمتنوع، اگر در پی گسست هویت از فرهنگ نگذارد، جای نگرانی نیست است. اگرچه در شرایط کنونی نازل فرهنگ‌دینک و اوجیت احساس‌ناپذیر است، اما آنچه مهم است، حفظ جوهر وجودی و گوهر ذاتی و تقویت بعد فرهنگی و دینی و کمال یافتن فرهنگ خودی است.

نقش آموزش و پرورش در تقویت و توسعه‌ی فرهنگ و تمدن ایران اسلامی

اولین و مهم‌ترین وظیفه‌ی آموزش و پرورش، انتقال ارزش‌ها است. زیرا علم به تنهایی به زندگی انسان معنا نمی‌دهد و اتمی و بی‌

از هزاران سال پیش سرزمین ما، ایران، محور علم و دانش بوده است و اگرچه مراکز مهمی دانشگاه جندی شاپور ویزه‌ی اشراف بود، اما می‌تواند سندی باشد بر فرهنگ و تمدن ایرانی که هیچگاه از دانش و خرد گریزان نبوده است.

در زمانی که اروپا زیر سیطره‌ی کلیساییه‌ترین دوران تاریخ خود را می‌گذراند، ایران در پرتو رهنمود ارگهواره تا گور دانش بحوری اجداد و جهان اسلام بزرگانی همچون بوعلی سینا، ابوریحان بیرونی و ذکریای رازی را در دامن خود پرورده بود.

امروز گرچه باید به تاریخ شکوه‌مندمان بساییم، اما باید شرایط دهکده‌ی جهانی را زیر نظر داشته باشیم و در مواجهه با تحولات سریع در گستره‌ی فرهنگ و ارتباطات هوشیار باشیم و فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از آن را به خوبی شناسیم و در مقابل آن‌ها واکنش مناسب داشته باشیم که تقویت هویت دینی و ملی بویژه در نسل جوان از مصداق‌های بارز آن است.

حفظ ارزش‌های دینی و ملی از جمله موضوعات مهمی است که در دهه‌های اخیر به صورت جدی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. زیرا تحویدی زندگی، نوع‌مناسبات و شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم چهار با تحولات وسیع در عرصه‌ی فناوری تغییر یافته است.

چه‌سای افرادی که در اثر الگوبرداری ناهنجار، خود را فراموش کرده‌اند و دچار بی‌هویتی شده‌اند و مشکلاتی از قبیل شکاف نسل‌ها، عدم تعهد نسبت به هویت ملی و دینی و عدم علاقه‌مندی به میراث گذشتگان به وجود آمده است و آسیب‌هایی چون احساس بی‌جایی و شیونگی به فرهنگ‌های بیگانه که زمینه‌ساز سلطه‌ی فرهنگی بیگانه است، بروز کرده است.

در این میان، آنچه می‌تواند باعث رشد و توسعه‌ی فرهنگ اصیل ایرانی شود، شناخت ارزش‌ها و ذرونی کردن آن‌ها و نیز تقویت هویت ملی و اسلامی کشورمان است.

این راه می‌تواند یک ملت را تجهیز کند تا در برابر فرهنگ بیگانه



امیدوار و در حال کمال جویی نگه نمی‌دارد. مدرسه و طیفه‌ی تفسیر و ترجمه‌ی «فرهنگ» جامعه را به عهده دارد. زیرا تأکید بر ارزش‌ها، مفاخر و زیبایی‌های هنر و ادب و تاریخ تمدن و میراث فرهنگی راه را بر درک هویت ملی هموار می‌کند و نوجوانان و جوانان را به خودباوری سوق می‌دهد. دانش‌آموز مسلمان ایرانی باید بداند متعلق به سرزمین و تمدنی است که بوعلی سینا، فارابی، مولوی، ملاصدرا و حافظ و سعدی را پرورانده است. به اقرار بسیاری از دانشمندان و مورخان اروپایی، غربیان نخستین حرکت‌ها و نهضت‌های علمی خود را از شرق و از تمدن اسلامی و ایرانی الهام گرفته‌اند. رسیدن به خودباوری تاریخی از طریق مطالعه و تعمیق آگاهی‌ها و شناخت واقعیت‌های تاریخی و همچنین ایجاد جاذبه در میراث به جا مانده و بازدید از مکان‌های تاریخی و موزه‌ها و استفاده از روش‌های جذاب تدریس، دانش‌آموزان را به تاریخ و فرهنگ ایرانی علاقه‌مند خواهد ساخت. با توجه به این که تبلیغات رسانه‌های تصویری هاله‌ای از جهانی شدن به شیوه‌ی غربی را در میان ملت‌ها می‌پراکنند، اگر نوجوانان به ارزش‌های خودی شناخت کافی داشته باشند، در پاسداشت آن می‌کوشند و جذب فرهنگ بیگانه نمی‌شوند. همچنانکه اگر کودک قدر گوهری که در دست دارد، ندارد، آن را با چیزی معاوضه می‌کند که قابل قیاس نیست، انسانی هم که به داشته‌های فرهنگی خود واقف نیست زود فریفته می‌شود. البته صرف سخن گفتن از پیشینه‌ی افتخارآمیز گذشته ما را به جایی نخواهد رساند، بلکه شایسته است بر نوامی بنیادهای فرهنگی گذشته همت کنیم و با شعار «ریشه در دیروز» رو به فردا» در جهت انتقال و غنی‌سازی فرهنگی و تاریخی خود، نقشی موثر ایفا کنیم. از جهت دینی نیز اگر جوانان بیش عمیق و نگرش درستی به مبانی ارزشی فرهنگ اسلامی پیدا کنند در برابر لجام گسیختگی‌های فرهنگ ایستادگی می‌کنند. لازم است، جنبه‌ها مرفقی تربیت دینی به درستی تبیین شود تا این باور در میان جوانان تقویت شود که این نه تنها با علم و توسعه و تمدن مخالف نیست بلکه خود ایجادکننده‌ی شرایط پیشرفت همه‌جانبه است. دین به آدمی می‌آموزد که در مواقع مختلف زندگی چه کار کند و هدفش در زندگی چه باشد و چگونه به هدف نهایی خود برسد و در نتیجه، انسان را از پوچی و سرگردانی رها می‌کند.

برنامه‌ی تعلیمات دینی نباید به عنوان مقوله‌ای منفک و مجزا از سایر دروس و فعالیت‌های آموزشی اجرا گردد بلکه باید از طریق پیوند دادن محتوای دروس یا ارزش‌های دینی، در فضایی علمی و خردگرا و دور از تحجر و از خودبیگانگی، شخصیت دینی و معنوی دانش‌آموزان را پرورش داد.

آشنایی با تاریخ و جغرافیای سیاسی و فرهنگ و فلسفه‌ی زندگی در غرب و شرق باید در دستور کار مدارس قرار گیرد تا دانش‌آموزان ضمن شناسایی جوانب مختلف فرهنگ غربی، جوهر و اصالت فرهنگ ملی و دینی و تاریخی خود را نیز بشناسند و با واقع‌بینی به ابعاد زندگی خودخواهانه، منفعت‌پرستانه و مادی‌گرایانه‌ی غرب بنگرند و هر دو روی سکه غرب را که پیشرفت فناوری و انحطاط اخلاقی است، ملاحظه نمایند و بدانند که حرکت به جلو در گرو پشت کردن به سنت‌های اصیل نیست. برای مثال؛ خوب است فکر کنند که چرا کشور ژاپن با حفظ آداب و لباس سنتی و خط باستانی خود، یکی از هفت کشور صنعتی دنیاست ولی ترکیه با وجود تغییر لباس و خط و سبک زندگی خود، هنوز برای عضویت در اتحادیه‌ی اروپا با مشکل مواجه است.

از عوامل مهم دیگر در حفظ خودباوری و پابندی به ارزش‌های اصیل انسانی، شناخت زمان است، کسی که زمانی را بشناسد در تاریکی‌ها و تحولات گمراه نخواهد شد. امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: «شناخت آدمی از زمان خود برای شناخت‌های او کافی است و عارف‌ترین مردم به زمان، کسی است که از تغییرات زمان خود به تعجب در نمی‌آید.»

و خلاصه این که باید در حال زندگی کنیم، اما از گذشته نیز غافل نباشیم، با اصلاحات ضروری برای تامین نیازها و درخواست‌های جوانان، فضایی پرتحرک و با نشاط و سالم را برای جوانان تامین کنیم و با اتکال به خداوند تعالی و اتکا به نفس و تحمل سختی‌ها به زندگی شرافتمندانه بپردازیم و بدانیم که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و آمریکا چیزی کم ندارد و اگر خود را بیابد و یأس را از خود دور کند، قدرت همه‌کار را دارد.

پس بیاید «تازه باشیم چون نسیم و باستانی چون دماوند.»

بی‌نوشت:

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۸۰

منابع:

۱- حنی‌پناه، جعفر، کانون‌های بحران هویت، پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۰

۲- شرفی، محمدرضا، جوان و بحران هویت، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۹

۳- مجله‌ی عقیدتی آموزشی «با معارف اسلامی آشنا شویم»، شماره ۵۷، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم.

کلید واژه‌ها

یادگیری پژوهش محور - مهارت‌های علمی کاوشگری -  
مهارت‌های علمی بررسی - تقویت مهارت‌های علمی -

اشاره

پژوهش فرایندی منظم برای معین کردن یک وضعیت نامعین است. به معنای دیگر، پژوهش کوششی نظام‌دار برای جواب دادن به سؤال است. در واقع، اصطلاح پژوهش، موقعیتی را توصیف می‌کند که در آن کنجکاوی و میل به یافتن چیزی از طریق کاوش، بررسی و جست‌وجو وجود دارد. حال اگر دانش آموزی تمایل به انجام فعالیت پژوهشی دارد، باید در این زمینه مهارت‌هایی را با کمک و راهنمایی معلمانش کسب کند تا بتواند به‌طور مستقل به امر یادگیری بپردازد.

در این دوره از مجله، طی سلسله مقاله‌هایی همراه با مثال‌های متعدد و متنوع نشان خواهیم داد که چگونه معلمان می‌توانند مهارت‌های علمی را به دانش‌آموزانشان آموزش دهند. همچنین در این مقاله، ضمن مقایسه‌ی رویکردهای سنتی و پویا به یادگیری، خلاصه‌ای از مطالبی که در دوره‌ی گذشته - طی ۹ شماره دوره‌ی یازدهم به رهنمودهایی برای تدارک پژوهش‌های دانش‌آموزی اختصاص یافته بود، ارائه می‌شود.

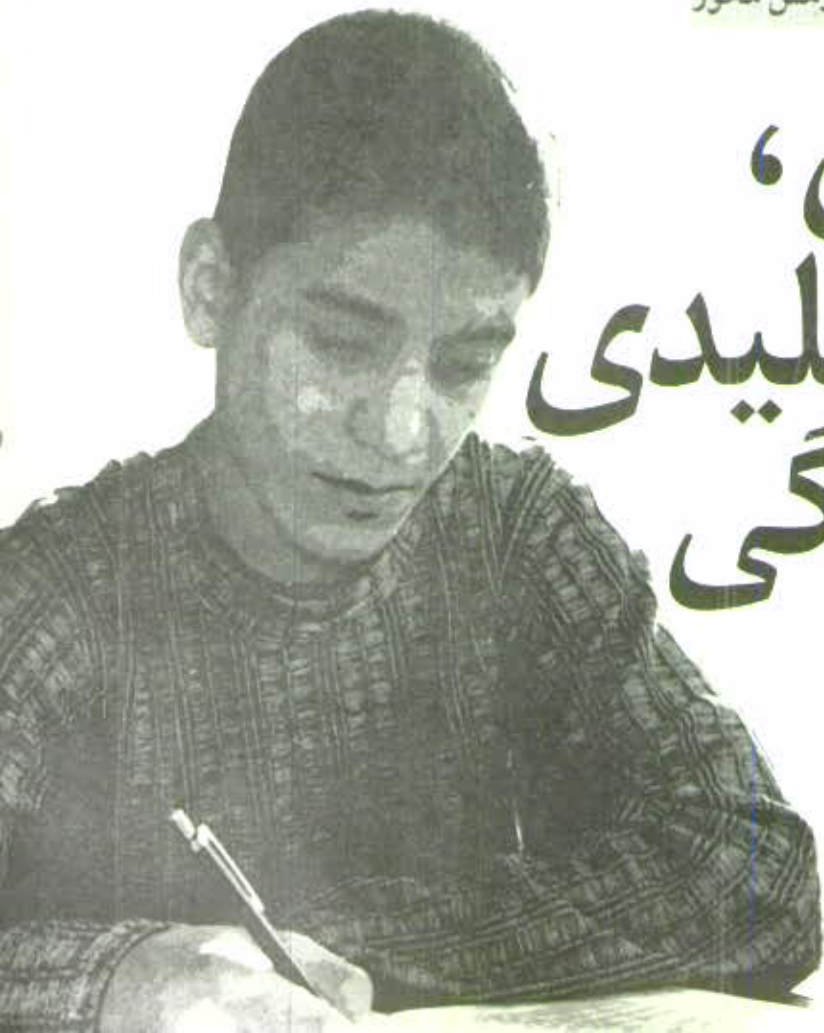
رهنمودهایی برای تدارک یادگیری پژوهش محور

# پژوهش، مهارت کلیدی زندگی

احمد شریفان

همان‌طور که می‌دانیم، رویکردهای سنتی به یادگیری بر دانش‌آموزی و تسلط روی محتوای آموزشی که از سوی معلم به دانش‌آموز ارائه می‌شود، تأکید دارند. معنی که در رویکرد سنتی به آموزش، قدم می‌کنند، خود را منبع و ارائه‌کننده‌ی اطلاعات و دانش می‌دانند. یادگیری به خودشان می‌آورد. به علاوه، نگاه کلاسیک درس به گونه‌ی معلمان، قدم می‌کند. اطلاعات از منبع خاص (عمدتاً کتاب درسی) به دانش‌آموزان ارائه می‌شود. برعکس، در رویکردهای پویا به یادگیری، به نوعی توانایی‌ها و مهارت‌های زندگی (معموداً به‌دانش‌آموزان) حلقه می‌کند. فکر بگردد. آموخته می‌شود. معلمی که در این رویکرد به آموزش می‌پردازد، فرقی با روش نظریه‌ی برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورد. هر یک متناسب با شرایط. به سبب تفاوت نیازهایشان. به‌طور فعال به یادگیری اقدام کنند. به‌طور کلی به معنی یادگیری، شکل دادن و تولید دانش توسط دانش‌آموزان است. در واقع، نگاه کلاسیک درس این معلمان، نظامی در دست و دانش‌آموزان اطلاعات را از منابع متعدد و متنوع به دست می‌آورند. به علاوه، معلمان طرح درس خود را متناسب با نیاز دانش‌آموزان تنظیم و ارائه می‌کنند.

یادگیری پژوهش محور، از زمره‌ی رویکردهای پویا به یادگیری است که به حدی تأکید بر دانش‌آموزی، به تعریف مهارت‌های ضروری زندگی توجه دارد. این رویکرد به یادگیری، فرصت یادگیری را طریق عمل را از تدریسی موضوع‌های مورد علاقه‌ی دانش‌آموزان به گونه‌ی



فراهم می‌کند که به رشد مهارت‌های زندگی (حل مساله، تصمیم‌گیری، برقراری روابط انسانی، تفکر نقاد، تفکر خلاق هدف‌گرفتنی واقع‌بینانه و...) پیشرفت معتبر آنان منجر شود. به این معنا که دانش‌آموزان علاوه بر کسب تعداد زیادی از مهارت‌های زندگی، بتوانند به تولید دانش و استفاده از اصول جست‌وجوگری نظام‌مند برای معنا بخشیدن به آنچه که آموخته‌اند و عمل به آن در کلاس درس و خارج از آن (موقعیت‌های جدید زندگی) مبادرت ورزند.

همان‌طور که گفته شد، یادگیری پژوهش‌محور یکی از روش‌های یادگیری پویا (فعال) است. در این شیوه‌ی یادگیری، دانش‌آموز مانند دانشمندان می‌اندیشد و عمل می‌کند؛ بدین صورت که او خودش یا با مشارکت معلم و سایر دانش‌آموزان مسأله‌ای را معین می‌کند، راه‌حل‌های ممکن (فرضیه) برای آن ارائه می‌دهد و این راه‌حل‌ها را آزمایش می‌کند و با توجه به شواهد مربوط به آزمایشی که انجام داده است، نتیجه‌های مناسبی را به دست می‌آورد و در نهایت نتیجه‌گیری‌های به عمل آمده را در باره‌ی داده‌های جدید به کار می‌برد و تعمیم می‌دهد. در نتیجه، بعد از کشف یک اصل، قانون یا قاعده، دانش‌آموز تمایل دارد که از آن (اصل، قانون یا قاعده) در یافتن راه‌حل مسائل دیگر استفاده کند. همچنین انگیزه‌ی دانش‌آموز بر اساس رضایتی که از حل مسأله به دست آورده است، بیشتر می‌شود؛ دانش‌آموز روش علمی حل مسائل را در عمل یاد می‌گیرد و دانشی را که از این طریق کسب کرده است، آسان‌تر به خاطر می‌سپارد و دیرتر فراموش می‌کند. بسیاری از متخصصان نوین معتقدند که برای جذب بهتر و عمیق‌تر محتوای آموزشی، لازم است دانش‌آموز، دیده‌ها، شنیده‌ها و تجربه‌هایش را در باره‌ی محیط به صورت فعال تنظیم کند تا یافته‌ها و اطلاعاتی را که از این طریق کسب می‌کند، جزئی از ساخت شناختی پایدار او شود؛ در همین راستا، این متخصصان، آموزش و یادگیری پژوهش‌محور را به آموزشگران و معلمان توصیه می‌کنند.

دانش‌آموزی که مایل است کار پژوهشی انجام دهد، باید در این زمینه

مهارت‌هایی را کسب کند؛ و اگر به این مهارت‌ها دست یابد، برای یادگیری مادام‌العمر و معنی‌دار آماده شده است. سؤال اساسی این است که: دانش‌آموز برای کاوش و بررسی علمی به چه مهارت‌هایی نیاز دارد؟ مهارت‌های علمی‌ای که دانش‌آموز برای کاوش و بررسی علمی به آن‌ها نیاز دارد را می‌توان به دو بخش کلی (۱) کاوش و (۲) بررسی تقسیم کرد. در نمودار زیر، مهارت‌های علمی مربوط به هر بخش ارائه شده است:



این دسته از مهارت‌های علمی که نخستین قدم در یادگیری از طریق پژوهش است، شامل دو نوع مهارت مشاهده‌گری و پرسشگری می‌شود. مشاهده یکی از مؤلفه‌های اصلی رفتار کاوشی است که به پژوهش می‌انجامد. مشاهده کردن (توجه انتخابی فعال که با هدف از قبل تعیین شده و با استفاده از حواس پنجگانه انجام می‌گیرد) نیازمند تقویت دائمی است. فرار دادن دانش‌آموزان در جریان تجربه‌اندوزی علمی می‌تواند توانایی آنان را در زمینه‌ی مشاهده کردن علمی رشد و توسعه دهد. برخی از رهنمودهایی که می‌توانند مهارت مشاهده‌گری را در دانش‌آموز تقویت کنند عبارتند از:

- به عنوان الگوی خوب، به دانش‌آموزان نشان دهید که شما نیز مشاهده‌گری کنجکاو هستید؛

- ایجاد محیطی تأییدکننده و مثبت، یکی از راه‌های مؤثر برای تشویق دانش‌آموز به بیان اندیشه‌هایش و تمرکز بر هدف مورد مشاهده است؛
- مداخله‌ی هدفمند، می‌تواند مشاهده، اندیشه و عمل را برانگیزد. ما با پرسیدن از دانش‌آموز، می‌توانیم توجه او را به جزئیات و مشخصه‌های آشکار شیء یا پدیده معطوف کنیم؛
- طرح سؤال‌های اساسی و سازنده، مشاهده‌گری را برمی‌انگیزد؛ و
- مشاهده‌گری نیازمند زمانی برای کاوش و بررسی؛ توصیف و تفکر با صدای بلند؛ و ثبت مشاهدات است.

سؤال کردن، مهارتی است که به دانش‌آموز کمک می‌کند تا بر پیچیدگی‌های محیط‌اش غلبه کند. در واقع، سؤال کردن دانش‌آموز را



فادر می سازد تا در موقعیت های ناآشنا بیندیشد و مسائل را حل کند. برخی از رهنمودهایی که می توانند مهارت سؤال کردن را در دانش آموز تقویت کنند، عبارتند از:

- تقسیم دانش آموزان به گروه های ۴ تا ۶ نفره می تواند آنان را به طرح سؤال های بیشتر و عمیق تر تشویق کند؛
- هنگامی که به دانش آموزان وسایلی برای دست کاری و آزمایش می دهیم، سؤال های جست و جوگرانه ی بیشتری مطرح می کنند؛
- معلم باید طوری رفتار کند که دانش آموزان به او به چشم پرستشگری نگاه کنند که در کنار آنان سؤال های می کنند؛
- برای تشویق پرستشگری، معلم باید به دانش آموز کمک کند؛

- ۱) سؤال هایش را به طور روشن بیان کند.
- ۲) آن ها را به زیاد بیاورد.
- ۳) آن ها را توضیح دهد.
- ۴) در طرح آن ها با سایر دانش آموزان سهیم شود.

- تبدیل مشاهده های دانش آموزان به سؤال، از طریق تکرار توأم با پرسش؛
- صرف وقت کافی برای شنیدن حرف های دانش آموزان و اجتناب از ارائه ی اطلاعات و طرح سؤال های یک سوپه؛

- دادن فرصت به دانش آموزان برای بحث درباره ی مقابل مطرح شده با وقایعی که روژانه روی می دهند؛
- ایجاد فضایی اجتماعی، روانی و عاطفی مثبت در کلاس درس که به دانش آموزان اجازه بدهد تا بگردند و با معلم بحث علمی کنند؛

- مشاهده و بحث درباره ی حوادث و اشیا واقعی، دانش آموزان را به سؤال کردن تشویق می کند؛
- از انگیزه ی خودجوش دانش آموزان برای طرح سؤال و ایجاد پرستشگری استفاده کنید؛

- توجه به حرزیت و توصیف هایی که توسط دانش آموزان ارائه می شود، مهارت دانش آموزان را در پرستشگری بالا می برد؛
- طرح سؤال های سازنده و اساسی، پرستشگری دانش آموزان را برمی انگیزد؛

- به دانش آموزان اجازه ندهید تا به سؤال هایی که در کلاس درس مطرح می شود، جواب دهند.

### ب) مهارت های علمی شاخه ی بررسی

تشویق دانش آموزان به کسب مهارت های کاوشگری، پیش شرط یادگیری موفق به شیوه ی علمی است. بنابراین، بعد از تسلط دانش آموزان بر مهارت های کاوشگری، لازم است با مهارت علمی بررسی آشنا شوند و این دسته از مهارت ها (برنامه ریزی، پیش بینی، آزمایش، جمع آوری اطلاعات، نتیجه گیری / تفسیر، فرضیه سازی، تفکر انتقادی / ارزشیابی و نحوه ی ارائه گزارش چگونه انجام کار و نتایج به دست آمده) را به طور فعال به آن ها آموزش داد.

برنامه ریزی، به معنای فرایند گرفتن مجموعه ای از تصمیم های برای انجام

دادن اقداماتی در آینده است. به بیانی دیگر و به توجیه و اختصاص عوامل و وسایلی محدود برای رسیدن به هدف یا هدف های مطلقه در حداقل زمان و با حداقل هزینه ی ممکن را برنامه ریزی می گویند. برنامه ریزی یکی از مهارت های پایه در یادگیری پژوهش محصور محسوب می شود و ضرورت دارد که دانش آموز قبل از اقدام به پژوهش، معلوم کند که به چه امکانات و تجهیزات نیاز دارد و چه مراحلی را باید طی کند. برخی از مهمهذهای که می تواند مهارت برنامه ریزی را در دانش آموز تقویت کند عبارتند از:

- برنامه ریزی های مؤثر، مبتنی بر همکاری و همفکری دانش آموزان با معلم و یا بکدیگر است. بنابراین، با دانش آموزان به منظور برنامه ریزی به بحث و گفتگو بپردازید؛

- برنامه ریزی باید سبب نوآوری و کاهش اشتباهات و خطرات احتمالی شود. بنابراین، چگونگی آن باید در طی فرایند پژوهش به فقط یکبار مورد بررسی و در صورت لزوم اصلاح شود؛

- برنامه ریزی باید با توجه به دانش قبلی و شرایط آشد برای دانش آموزان انجام شود تا فعالیت انجام شده برای آنان معنی دار باشد؛

- هنگام برنامه ریزی برای پژوهش، به قیاس دسترس بودن وسایل و امکانات برای دانش آموزان، توجه داشته باشید؛
- مسؤلیت دانش آموزان را به طور واقع بینانه تعیین کنید؛ به قدری که متناسب با توانایی و علاقه ی آنان باشد؛

- در موقع ضروری، در حوزه های لازم را نسبت به برنامه های که دانش آموزان ندارد دیده اند، ارائه کنید؛ و

- برای برنامه ریزی، دانش آموزان را از طریق دانش معنایی ارائه ی نظر و درپد، سپس نظرهای آنان را به بحث نگذارید و با همگامی آنان نظرهای درست را ارائه ی دلیل انتخاب کنید.

- پیش بینی، به معنای اندیشیدن دربارهی آنچه به عنوان نتیجه ی یک عمل خاص برای یک شیء یا ... اتفاق می افتد، است.

اظهارات پیش بینانه شامل دو جمله ی علت و معلول است که پیش از حادثه (نتیجه ی عمل) ارائه می شود. در واقع، پیش بینی دانش آموزان با استفاده از تجربه ی قبلی آن و بر موضوع مورد بررسی متمرکز است. برخی از رهنمودهایی که می تواند مهارت پیش بینی را در دانش آموزان تشویق کند، عبارتند از:

- با ایجاد جو مثبت در کلاس درس (یعنی اهمیت دادن به پیش بینی های آنان) می توان دانش آموزان را به پیش بینی ترغیب کرد؛

- با نشان دادن کنجکاوی نسبت به مسائل مطرح شده، می توان به عنوان یک انگیزه، دانش آموزان را به پیش بینی رویدادها تشویق کرد؛
- هنگامی که دانش آموزان اقدام به پیش بینی رویدادی می کند، ترمیم بدارد که پیش بینی آنان درست یا حتی دقیق باشد. بلکه، باید بر این نکته تأکید شود که پیش بینی آنان بر پایه ی استدلال شکل بگیرد؛

- اگر پیش بینی های دانش آموزان به عمل می آورند، مورد تحسین و تقدیر می توانیم انتظار داشته باشیم که پیش بینی های آنان در آینده منطقی تر شود؛ و

- دانش آموزان را در موقعی قرار دهید تا دچار ناآشنایی و نادانان شریانی را پیش بینی کنند.





دفتر انتشارات کمک آموزشی

آشنایی با  
مجله های رشد

مجله های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان بزرگسالان

و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش، به عبارتی تهیه و منتشر می شوند.

**مجله های دانش آموزی (به صورت ماهنامه - ۸ شماره در سال تحصیلی - منتشر می شوند):**

- **رشد کودک** (برای دانش آموزان ابتدایی و پایه اول دوره ابتدایی)
- **رشد نوجوان** (برای دانش آموزان پایه دوم و سوم دوره ابتدایی)
- **رشد دانش آموز** (برای دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دوره ابتدایی).

● **رشد نوجوان** (برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)

● **رشد جوان** (برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)

**مجله های عمومی (به صورت ماهنامه - ۸ شماره در هر**

**تحصیلی منتشر می شوند):**

● **رشد مدیریت مدرسه، رشد معلم، رشد آموزش ابتدایی، رشد آهنگر**

**راهبردی، رشد تکنولوژی آموزشی، رشد مدرسه فردا**

**مجله های تخصصی (به صورت فصلنامه و ۴ شماره در**

**منتشر می شوند):**

● **رشد پرمان راهنمایی (مجله ی ریاضی، برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی،**

**رشد آموزش معارف اسلامی، رشد آموزش معارف**

**موسسه ای)، رشد آموزش معارف اسلامی، رشد آموزش معارف**

**رشد آموزش تاریخ، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، رشد آموزش**

**رشد آموزش ریاضت شناسی، رشد آموزش تربیت بدنی، رشد آموزش**

**رشد آموزش شیمی، رشد آموزش ریاضی، رشد آموزش هنر، رشد آموزش**

**رشد آموزش علوم اجتماعی، رشد آموزش زمین شناسی، رشد آموزش**

**حرفه ای، رشد مشاور مدرسه.**

مجله های رشد عمومی و تخصصی برای معلمان آموزگاران، مدیران و کادر اجرایی

دانشجوین مراکز تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاهها

و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می شوند.

● **نشانی: تهران، خیابان ایرانشهرستانی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۸، دفتر انتشارات کمک آموزشی.**

● **پست: تهران، خیابان ایرانشهرستانی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۸، دفتر انتشارات کمک آموزشی.**

امکان می دهد که بر پایه ی اطلاعات جمع آوری شده به نتیجه گیری اقدام کند. برخی از رهنمودهایی که می توانند مهارت جمع آوری اطلاعات را در دانش آموز تقویت کنند عبارتند از:

● قبل از این که دانش آموزان به جمع آوری اطلاعات درباره ی موضوع مورد نظرشان اقدام کنند، مطمئن شوید که درک درست و روشنی از موضوع مورد بررسی داشته باشند. به این صورت که متغیر مورد بررسی را به صورت قابل مشاهده و اندازه گیری تعریف کرده باشند.

● بعد از این که متغیر مورد نظر به طور قابل مشاهده و اندازه گیری تعریف شد، به آنان کمک کنید تا نحوه ی جمع آوری اطلاعات مورد نظرشان را توصیف کنند.

● چگونگی ثبت اطلاعات مرتبط با متغیر مورد بررسی را در صورت نیاز به آنان آموزش دهید.

● زمینه ی آموزش مهارت جمع آوری اطلاعات در قالب موضوع درسی را به گونه ای انتخاب کنید که دسترسی به اطلاعات مورد نیاز امکان پذیر باشد.

● در صورت نیاز، در تمامی مراحل جمع آوری اطلاعات، بازخوردهای لازم را نسبت به نحوه ی فعالیت دانش آموزان ارائه کنید.

● دانش آموزان را تشویق کنید تا ایده هایشان را برای جمع آوری اطلاعات به کلاس درس عرضه کنند، سپس ایده های آنان را به بحث بگذارید تا از طریق همفکری، شیوه های درست جمع آوری اطلاعات را با ارائه ی دلیل انتخاب کنید.

● اطلاعات جمع آوری شد را به بحث بگذارید تا صحت آن ها معلوم شود.

آنچه که از نظر گذشت، برگرفته از سلسله مقاله هایی تحت عنوان «رهنمودهایی برای تدارک پژوهش های دانش آموزی» است که در دوره ی قبل (بازدهم) مجله به چاپ رسیده بود. اینک در این دوره از مجله، به ترتیب به ارائه ی رهنمودهایی مؤثر برای هدایت پژوهش های دانش آموزان بر پایه ی هر یک از مهارت های علمی بررسی یعنی نتیجه گیری، فرضیه سازی، تفکر، و ارائه ی گزارش پرداخته خواهد شد و نشان خواهیم داد که معلمان چگونه می توانند این مهارت های پژوهش را به طور فعال به دانش آموزان آموزش دهند.

آزمایش، به اجرا درآوردن اندیشه و سنجش پیش بینی در مورد نتیجه ی یک عمل خاص است که تحت شرایط کنترل شده برای یک شیء اتفاق می افتد. به معنای دقیق تر، اگر بر اساس برنامه ریزی، شرایطی را ایجاد کنیم که در آن، اثر عوامل نامربوط (مزاحم) کنترل شوند و بعد با ارائه ی عامل اصلی، اثر آن را بر عامل دیگری بررسی کنیم، می گویند آزمایش انجام شده است. برخی از رهنمودهایی که می توانند مهارت آزمایشگری را در دانش آموز تقویت کنند عبارتند از:

● ما معلمان وقتی خودمان از آزمایش لذت می بریم و نسبت به نتایج آن علاقه نشان می دهیم و با دانش آموزان برای انجام آزمایش همکاری می کنیم؛ آنان را به آزمایشگری تشویق می کنیم.

● به مرور انجام آزمایش ها را به دانش آموزان واگذار کنید.

● تا آن جا که امکان دارد از ایده های دانش آموزان برای انجام آزمایش استفاده کنید.

● وقتی که از ایده های دانش آموزان برای انجام آزمایش استفاده می کنید، مراقب باشید که ایده ای آنان را تکذیب نکنید.

● نمونه ای از آزمایش های واقعی را در کلاس درس به طور عینی انجام دهید و اگر امکان انجام آن به طور عینی فراهم نیست؛ در محیط مجازی به انجام آن اقدام کنید.

● درباره ی آزمایش های انجام شده، به بحث و گفت و گو با دانش آموزان بپردازید. زیرا، در این بحث ها و گفت و گو هست که ایده های جدیدی برای آزمایش به ذهن دانش آموزان خطور می کند.

● به دنبال اجرای آزمایش های صد در صد علمی ناشید. زیرا، همین که دانش آموز به آزمایش ایده اش ترغیب می شود، کافی است.

● آزمایش را متناسب با رشد شناختی و حرکتی دانش آموزان انتخاب کنید. زیرا، مهارت های آزمایشگری دانش آموزان به رشد مهارت های شناختی و حرکتی آنان بستگی دارد.

جمع آوری اطلاعات، هر دانش آموزی برای جواب دادن به سؤال، نیازمند اطلاعاتی است که بتواند بر پایه ی آن، به جواب درست دست یابد. بنابراین، ضرورت دارد که دانش آموز اطلاعاتی را در زمینه ی مورد سؤال جمع آوری کند. در واقع، ثبت مشاهدات به دانش آموز

جدول

صغر ندیری

افق

- ۱- چهره - از عراقین مدرسه - شبی با ارزش تر از هزار شب
- ۲- آرامگاه - حیوانات بازگش - بازی زمینی
- ۳- زدن قلب - بخشنده - سد چرمی با لاسیکه که با آن چیری را بستند
- ۴- از جدویدان های که به اعتقاد مسلمین دارای مقام نبوت ، پادشاهی و حکمت بوده صورتی از نیلی - شدرکت مغربه - نوعی چاشنی - سوآور - دانه ی خوشبو
- ۵- دست خدا - کسی که
- ۶- دست گرفت و پاه با برد - سختی - مرکز کشور عراق
- ۷- روزگار - آرامش دل - سودای ناله
- ۸- شهری قدیمی در حاشیه ی تهران - جهت - زمان نمایش فیلم در سینما - همان خسرو است -
- ۹- و عاظ بر روی آن وعظ کنند - دنیوی - ضمیر متصل اول شخص مفرد
- ۱۰- در فرهنگ رایانه ، تغییر عملکرد برنامه ای کاربردی به وسیله ی اصلاح کد آن ، به جای اجرای برنامه و انتخاب گزینه ها - شبه ها - تسکوب
- ۱۱- حلقه و بندی در دو طرف زمین - نوعی هیم که پوشش هم گویند
- ۱۲- ماندگار - شمشیر بران - هم آهنگ ساختن آوازا
- ۱۳- شاعر و عارف نامدار ایرانی قرن ششم و صاحب دیوان کبیر - در علوم رایانه اتصال دو عضو یک ساختمان داده با استفاده از متغیرهای شاخص یا اشاره گر - ستاره ای در دور دست
- ۱۴- فعل امر «فلیدن» - محاصره ی این شهر

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

۱																		
۲																		
۳																		
۴																		
۵																		
۶																		
۷																		
۸																		
۹																		
۱۰																		
۱۱																		
۱۲																		
۱۳																		
۱۴																		
۱۵																		

- ۱۷- آس ها - جامه - دچار شد
- ۱۸- باقی مانده ی حرمین - در هندی اخیر بزرگ است - بر مصالح آمدن
- ۱۹- پس - آشوب - جوان
- ۲۰- بی نظیر - فاصله - چشم از وی همنه فراتره
- ۲۱- مانند - فرموده - بهال به هم ریخته
- ۲۲- خدا شدن - شری حش - در حاج تسبیح
- ۲۳- شهر مقدس - مسلمانان در فلسطین -
- ۲۴- شتر کم سال
- ۲۵- جای برای شکر - جانوران - از عجایب هفتگانه - جادوان
- ۲۶- زریف - آواز موزون - اولین شهید - محراب

- ۱- بیع مهر ماه و طی عملیات رزمندگان اسلام در سال ۱۳۶۰ شکسته شد - تکرارش با نام یک بازی کودکانه است
- عمودی
- ۱- ماه تولد قرآن و مبعثت خدا - وعده گاه تعلم و تربیت - و سله ی انجاری
- ۲- م قوم و در بچه ای بزرگ در شمال کشور - اطلاع داشتن - معماری
- ۳- از تقسیمات پایر - گوهر - مکر فته
- ۴- آرزو - سال نیگانه - فیلم نامه
- ۵- حشری متنی از رسیدن - در گمان بودن - حرف انتخاب
- ۶- ده دهه - طه صفوف در بار بوده است - وسیله ی موسیقی شور مانند

برگ اشتراک مجله های رشد

شرایط

۱- واریز مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال به آرای هر عنوان مجله درخواهستی به صورت علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۳۰۰۰ نزد تجارت شیعیه سه راه آزمايش (سرخه حصار) کد ۳۹۵۵ در تهران شرکت افست.

۲- ارسال اصل رسید بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک

- نام مجله:
- نام و نام خانوادگی:
- تاریخ تولد:
- میزان تحصیلات:
- تلفن:
- نشانی کامل پستی:

شهرستان:

خیابان:

پلاک:

مبلغ واریز شده:

شماره و تاریخ رسید بانکی:

امضا:

نشانی: تهران - صندوق پستی مشترکین ۶۵۹۵/۱۱۱

www.roshdmag.org

نشانی اینترنتی: mail-info@roshdmag.org

پست الکترونیک: ۷۳۳۶۶۵ - ۷۳۳۵۱۱۰

شماره مشترکین: ۸۸۳۹۳۳۳ - ۸۲۰۱۴۸۲

پيام گیر مجلات رشد:

یادآوری: هزینه برگشت مجله در صورت خرابی و کامل نبودن نشانی، بر عهده مشترک است.

• میای شروع اشتراک مجله از زمان وصول برگ اشتراک است.

• برای هر عنوان مجله برگ اشتراک جدا گانه تکمیل و ارسال کنید (تصویر برگ اشتراک نیز مورد قبول است).

# اسکلت از جلو



# اسکلت از پشت



# سرایین ۱۴۰۵

سرای من ایران ، سرای زیبایی ها و شکفتنی ها ، سرای  
 مهربانی ها و اندیشه ها ، سرای شادی ها و آرزوهاست .  
 مجموعه ی «سرای من ایران» ، کوششی است برای معرفی آداب  
 و رسوم ، بناهای تاریخی و پدیده های طبیعی سرزمین ایران به  
 کودکان و نوجوانان .



مجموعه  
 سرای من ایران  
 زیر نظر دفتر انتشارات  
 کمک آموزشی  
 (کتاب رشد)

علاقه مندان می توانند این  
 کتاب ها را از «واحد توزیع و  
 بازرگانی دفتر انتشارات  
 کمک آموزشی» و یا  
 فروشگاه های انتشارات  
 مدرسه تهیه نمایند.



تلفن واحد توزیع و بازرگانی : ۰۲۱-۸۸۸۲۳۴۶۸ و ۰۲۱-۸۸۸۲۳۴۶۸  
 تلفن انتشارات مدرسه : ۰۲۱-۸۸۸۲۳۴۶۸

